

حقیقت

سال سوم، شمارهٔ سوم، رجب-شعبان ۱۴۳۷هـ ق - ثور-جوزا ۱۳۹۵هـ ش



شماره ویژه به مناسبت شهادت عالیقدر امیر المومنین ملا اختر محمد منصور شهید تقبله الله

هغه امیر چې
په دیدن یې سیراب نه شوو

امارت اسلامی و
رهبری جدید

اروابناد استاد ریان،
یو الگو شخصیت!

شهادت قیادت و اثر آن بر حرکت های اسلامی





بوی خوش پیروزی از هلمند شیران به مشام میرسد!

مصاحبه با محترم حاجی محمد یوسف مسؤل جهادی ولایت ارزگان

لشکر غیور و سر بکف وجود دارد
که از هر قطرهٔ خون شهید منصور رح سوال بکند !





بسم الله الرحمن الرحیم

دو ماهه

علمی فرهنگی جهادی

سال سوم، شمارهٔ سوم، رجب-شعبان ۱۴۳۷هـ ق ، ثور- جوزا ۱۳۹۵ هـ ش، اپریل- می۲۰۱۶م

◆صاحب امتیاز :

کمیسیون امور فرهنگی

امارت اسلامی افغانستان

◆مدیر مسؤل:

❖احمد تنویر

◆معاون :

❖عبدالله شهید

◆هیئت تحریر:

❖حسن مبشر ❖ جمال زرنجی

❖سعید بدخشانی ❖ سید سعید

❖سعادت کامران ❖ سمیع الله زرمتی

◆دیزاین :

❖زلمی افغان

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com

آنچه در این شماره میخوانید:

یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسنده‌گان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراء و نظریات نویسنده آن میباشد. ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را بدوش نمیگرد.



حقیقت و حقانیت امیرالمؤمنین شهید

سرمقاله

در حالیکه افغان ها بخاطر ختم اشغال ظالمانهٔ کفار و متجاوزین غربی به سرکردگی امریکا، جهاد و مبارزهٔ شان را تحت قیادت و سازماندهی امارت اسلامی افغانستان به پیش برده و برای آیندهٔ بهتر از هیچ تلاشی دریغ نکرده و در مسیر اسلام، عزت، استقلال و آزادی، مسیر و روند اشغال ستیزی خود را ادامه می دهند؛ دشمنان شکست خورده اما، پیشروی ها و پیروزی های سترگ فرزندان جهاد و شهکاریهای ملت قهرمان افغان را تحمل نکرده از یک طرف پیشنهاد صلح و دوستی داده و عاجزانه از مجاهدین التماس می کنند که راهی برای ختم جنگ بپیمایند؛ و در عین حال از طرف دیگر همین دشمنان قسم خوردهٔ اسلام و افغانستان، دندان تیز کرده و از پشت به مجاهدین خنجر زده و با طیاره های جنگی، افزایش حملات زمینی و هوایی، فجایع دردناک تلفات ملکی، ارتکاب جرائم نابخشودنی جنایات جنگی و درخواست های نامشروع و چالش برانگیز اسلامی و ملی خواستار تفاهم اند که کاملا پرواضح است آنها با این خط مشی شکست خورده و سیاست شیطانی خویش هرگز در صدد صلح و ثبات در افغانستان نبوده و بلکه به دنبال اشباع غرایز سیاسی خودشان می باشند و هیچ پروایی به نسبت ریختانده شدن خون افغان ها ندارند.

از جنایت کار ترین کارنامهٔ سیاه امریکا در جنگ افغانستان می توان به شهادت مظلومانهٔ عالیقدر امیرالمومنین ملا اخترمحمد منصور – تقبله الله – اشاره کرد؛ شخصیتی که سراپا وجودش در عشق اسلام، مسلمانان و سرزمینش می تپید، او با وجود آنکه نفر اول مجاهدین امارت اسلامی افغانستان بود و تمام ماشین جنگی امارت اسلامی در اختیارشان بود؛ اما بهانهٔ دشمنان مبنی بر اینکه طالبان فقط جنگ کردن را بلد هستند و از سیاست و دیپلوماسی تهی بوده و در میدان گفتگو هیچ حرفی برای گفتن و هیچ توجیهی برای جنگ شان در افغانستان ندارند؛ منصور صاحب شهید اما، این بهانه دشمنان را دفع کرد و زمینهٔ شناخت امارت اسلامی افغانستان در سطح دنیا را فراهم کرد؛ ایشان با استفاده از خبرگان و دلسوزان واقعی امارت اسلامی به دنیا نشان داد که امارت اسلامی چگونه حرکتی است، حامل چه پیامی می باشد و جهاد جاری افغان های قهرمان با دشمنان متجاوز برای چه می باشد و اهداف علیای جهاد مقدس امارت اسلامی چه می باشند و ...

وقتی دنیای کفار از حقیقت و حقانیت شخصیت منصور صاحب رحمه الله بطور کلی آگاهی پیدا کرد و متوجه شد که ایشان داعیهٔ برحق امارت اسلامی را چگونه به پیش برده و چگونه پروپاگندای دشمنان را در سطح دنیا خنثی نموده و همینطور به برکت اخلاص جناب ایشان، فعالیت های نظامی مجاهدین روز به روز افزایش یافته و سیطرهٔ فتوحات گسترده تر می شود؛ دیگر برای کفار و مزدوران حلقه به گوش آنها، وجود امیرالمومنین شهید غیر قابل تحمل شده بود و عزم نامیمون و شوم خود را جزم کردند تا به هر شکل ممکن منصور صاحب را از میان بردارند و امارت اسلامی تحت قیادت منصور شهید را با مشکل مواجه بسازند؛ این بود که امیر محبوب القلوب و عزیز امارت اسلامی که کارنامهٔ درخشان در تاریخ امارت اسلامی داشت و زحمت ها و قربانی های فراوان بخاطر نظام مقدس امارت اسلامی کشیده بود را (امریکا) با جنگنده هایی هوایی خود هدف حمله قرار داد و ایشان را مظلومانه شهید ساخت به این گمان که گویا نظام امارت اسلامی با رفتن هسته ای مرکزی اش شاید از بین برود و شیرازهٔ وحدت مجاهدین که منصور صاحب شهید به خاطر آن بسیار رنج ها و زحمت ها کشیده بود از هم پاشیده شده و اختلافات گسترده در بین مجاهدین بروز کند؛ اما دشمنان تا اکنون نمی دانند که امارت اسلامی یک حرکت و نظام جاه طلبی مثل حکومت های خودکامهٔ آنها نیست بلکه امارت اسلامی یک نظام الهی است که الله متعال خودش حافظ و پشتیبان آن است و با رفتن رجال برجسته آن نه اینکه در بین افرادش سستی پیدا نمی شود بلکه آن نظام مقدس مستحکم و قوی تر از قبل می شود؛ یک نظامی که مقصدش اعلای کلمه الله است و چراغ آن را الله متعال پرفروغ نگاه داشته و حامی اش الله است با اراده و تلاش کفار هیچ آسیبی نمی بیند چرا که این وعدهٔ الله متعال است: يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾

و ان شاء الله خون سرخ شهدای ما و امیرالمومنین شهید تقبله الله آرزوی دیرینهٔ ملت مسلمان و مظلوم ما را تحقق خواهد بخشید و همان نظام مستقل اسلامی که افغان ها بخاطر آن هزینهٔ بسیار سنگین (مخصوصا) در چند دههٔ اخیر را متحمل شده به ارمغان خواهد آورد و دشمنان فعلی ما، بدتر از دشمنان گذشته، ذلیل و زبون خواهند گشت؛ و شهادت ابرمردانی مثل منصور صاحب چیزی از غیرت و رشادت مجاهدین ما کم نکرده بلکه باعث تقویت روحیهٔ ایمانی سربازان شجاع امارت اسلامی خواهد شد؛ زیرا شهادت در راه الله متعال بخشی از آرمان یک مجاهد است.

آری !

امیر المؤمنین شهید شد اما ...

دنیایی که در آن زندگی می کنیم بر پایه یک حقیقت انکار نا پذیر استوار است و آن فنا است .

هر آنچه در دنیا است روزی فنا خواهد شد اصول مسلمی که هیچ فردی در دنیا نه در حال و نه هم در گذشته آن را انکار نه کرده است .

مرگ حقیقتی انکار ناپذیر برای تمام انسان ها و موجودات دنیا است اما هستند مردانی که به علت کارهای بزرگی که انجام داده اند در صفحات تاریخ جاودان مانده اند و بر تر از آن مردانی از نوع دیگر نیز در صفحه هستی زیست نموده اند و نه اینکه در صفحات تاریخ بلکه در دل های مردم و بالا تر از آن نزد هستی یکتا زنده و جاوید مانده اند .

وَلا تَحسَبَنَّ الَّذينَ قُتِلوا في سَبيلِ اللَّهِ أَمواتًا بَل أَحياءٌ عِندَ رَبِّهِم يُرزَقونَ﴿١٦٩﴾ آل عمران

آری امیر المؤمنین جناب مولانا و سیدنا أختر محمد منصور رحمه الله به قافله شهدا پیوست ، قافله ای که تک تک افراد آن از سوی خدای لا یزال جل جلاله بر گزیده می شوند .

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَداءَ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمينَ (آیه 140 سوره . آل عمران)

بدون شک شهادت این هستی بزرگ در این زمان انحطاط صدمهٔ بزرگی است ، صدمه ای که شاید کوه ها را آب و شیرین ترین دریاهای جهان را شور و تلخ نماید اما مطلوب از مؤمنین در همچو مواقف صبر است زیرا اینگونه مصایب سترگ خود درسی است بس بزرگ که مجاهدین راه حق و نهضت شریعت خواهی و داد خواهی معاصر را بسوی پختگی و تحمل پذیری مصیبت های این راه پر خار سوق خواهد داد؛ چون داد خواهی در این زمان پر از ظلم و جور، خواستهٔ بسیار کلانی است که برای تحقق آن جهد و مشقت فراوانی در کار است .

آنچه مسلم است این است که شهادت زعیم امارت اسلامی روح جدیدی از فداکاری و شهادت طلبی را میان سربازان امارت اسلامی خواهد دمید ، همان چیزی که صلیبیان و اجیران شان از آن هراس دارند و طعم تلخ آن را در طول بیش از یک دهه گذشته بخوبی چشیده اند .

آنچه دشمن را نا امید و مایوس خواهد کرد ، روند رو به رشت نهضت داد خواهی و جهادی است که پس از شهادت رهبران جهادی مشاهده می شود ، چون دشمن بزعم خود خلایی را به وجود آورده و امید بسته است که نتایج بسیار بزرگی را به دست بیاورد اما بر خلاف امید دشمن ، حرکت جهادی به مرحله ای از تکامل رسیده است که خلاهای اینچنینی را بزودی پر نموده و بر همچو مشکلات و چیلنج ها به نحو احسن فایق آید.

درسی را که مجاهدین از سیر جهاد بخوبی درک کرده اند این است که اختلاف نه اینکه قوت را از بین می برد بلکه کمر امت را نیز خواهد شکست ، بخصوص اینکه پیش قراولان نهضت جهادی کنونی همه از خیل علماء و طلاب علوم دینی اند و توصیه های رحمانی مدام طنین انداز گوش های دل شان است.

وَأَطيعُوا اللَّهَ وَرَسولَهُ وَلا تَنازَعوا فَتَفشَلوا وَتَذهَبَ ريحُكُم ۖ وَاصبِروا ۚ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصّابِرينَ (آیه 45 سورهٔ انفال)

آنچه که دشمن قادر به درک آن نیست این است که جهاد یک عبادت مستقل و بسیار بلندر در دین است اسلام است و اگر این جهاد صد سال دوام کند برای مسلمان فرقی ندارد چون فرض به هر حال فرض است اما آنچه جهاد را خوشگوار ساخته است مدال و نشان افتخار شهادت است ، مدالی که هر فرد مجاهد راستین برای به دست آوردن آن در دل شب های تاریک با ریختن اشک و در روز با انداختن خود در میدان های گرم جهاد آن را از خدای لایزال جل جلاله آرزو دارد .

آری امیرالمؤمنین منصور رحمه الله شهید شد اما خداوند حی و قیوم و جاوید است ، اشغالگران موجود اند ، ظلم بیداد می کند ، امت در تحت اقدام نجس یهود و نصاری است ، حکم قرآن متوجه هر فرد مسلمان و مجاهد است حکمی که تا قیامت بر قرار است .

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ (14) وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (15) أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (16) (التوبة)

موفق افغان

شهادت قیادت

واثر آن بر حرکت های اسلامی

هدف حرکت های اسلامی همانا اعلای کلمة الله و قیام حکومت اسلامی و تنفیذ احکام شرع الهی بر روی زمین است و شهادت در این راه یکی از دو هدف نیکوی مجاهد مسلمان اعم از رهبر و عضو حرکت های اسلامی می باشد چنانچه الله متعال خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: "قُلۡ هَلۡ تَرَبَّصُونَ بِنَآ إِلَّآ إِحۡدَى ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِۖ وَنَحۡنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمۡ أَن يُصِيبَكُمُ ٱللَّهُ بِعَذَابٖ مِّنۡ عِندِهِۦٓ أَوۡ بِأَيۡدِينَاۖ فَتَرَبَّصُوٓاْ إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ" »بگو: آیا دربارهٔ ما جز یکی از دو نیکی را [که پیروزی یا شهادت است] انتظار می برید؟ درحالی که ما دربارهٔ شما انتظار می بریم که خداوند از سوی خود یا به دست ما عذابی [سخت] به شما برساند، پس انتظار برید که ما هم با شما منتظریم «پس مسلمان مبارز در مقابل کفر و حکومت های دست نشاندهء کفری در سرزمین های اسلامی در هر حالت یا بر دشمن پیروز گردیده و فتح نصیب وی می گردد یا اینکه جام شهادت را می نوشد و در هر دو حالت یکی از دو نیکی یی را که مجاهد مسلمان در انتظار همیشگی آن است نصیب می گردد.

اگر تاریخ اسلام صفحه زده شود به نظر می رسد که این صفحات مملوء از امثال شهادت به سطح رهبریت بوده است و در عین حال ظاهر گردیده است که اینگونه شهادت ها نه تنها باعث شکست و ریخت در صف مجاهدین و مسلمانان نگردیده بلکه روحیهء جدید و روح مقاومت را در بازماندگان رهبر شهید دمیده است. اولین واقعه شهادت به سطح رهبریت هنگامی رخ داد که خلیفهء عادل مسلمانان حضرت عمر فاروق رضی الله عنه توسط مجوسی در حالی مورد ضرب خنجر قرار گرفت که نماز فجر را امامت می کرد. شهادت عمر فاروق فاجعهء بزرگی در تاریخ اسلام بود اما اسلام و صف مجاهدین همچو گذشته مستحکم باقیمانده و در عصور بعدی از سرحدات اروپا و افریقا نیز پا فراتر نهاد. تاریخ اسلام برای بار دوم وقتی شهادت رهبریت مسلمانان را ثبت صفحات خود کرد که حضرت عثمان ذو النورین رضی الله عنه به شهادت رسید و سپس خلیفه چهارم مسلمانان حضرت علی رضی الله عنه نیز نایل به درجه شهادت گردید. این شهادت ها در سطح رهبری نه تنها نتوانست نقطهء پایان به اسلام ببخشد بلکه طالبان راه حق و حقیقت و پیروان راستین دین را انگیزهء مبارزه و مجاهدت بیشتر بخشید و همین است که این سلسله تا امروز جریان دارد و ان شاء الله تا برپایی روز رستاخیر ادامه خواهد داشت.

تاریخ معاصر حرکت های اسلامی در جهان نیز شاهد شهادت ها در سطح قیادت و رهبری بوده است و بعضی از این رهبران به پایه های دار کشانیده شدند اما از هر نوع تنازل در اهداف سامی حرکت های اسلامی خودداری کردند. این دار آویختن ها نه تنها نتوانست مبارزه و فداکاری حرکت های اسلامی را متوقف و نابود سازد بلکه برعکس باعث رشد بیشتر آنان، بیداری جوانان و اطمئنان بیشتر رهروان آنان گردید.

اگر صفحات تاریخ افغانستان نیز صفحه زده شود به نظر می رسد که شهادت امیر المومنین ملااختر محمود منصور رحمه الله وتقبل الله شهادته نیز اولین واقعه در تاریخ کشور نبوده است بلکه قبل از وی نهضت اسلامی و صف جهاد ملت مسلمان افغانستان علیه روس اشغالگر و کمونست های دست نشاندهء آن شاهد شهادت رهبریت و قیادت بودند.

افغانستان در آغاز حرکت اسلامی خویش در دهه پنجاه شمسی شاهد کشتار ها و شهادت ها در سطح قیادی بود. مولوی حبیب الرحمن، انجینیر حبیب الرحمن، سیف الدین نصرتیار و غلام محمد نیازی (رحمهم الله جمیعا) از جمله رهبران و فرماندهان نهضت و بیداری ملت افغانستان بودند که از جانب دشمنان اسلام به شهادت رسیدند و با ریختاندن خون خویش راه جهاد و مبارزه را برای بازماندگان خویش و رهروان راه آزادی ترسیم کردند و همین خون رهبری و قیادت بود که منجر به شکست مفتضحانهء قشون سرخ و شکست کمونزم در سراسر جهان گردید.

قیادت حرکت های اسلامی از آغاز قیام و مطالبهء حکم شرع بر سرزمین الهی کاملا از این حقیقت با خبر می باشند که این راه مملوء از خار و سنگ می باشد و دار های آویخته در انتظار آنان است. آنان ایمان کامل بر این دارند که راه اختیار کرده شان راه مشقت و تکلیف بوده و وجود ترفیه و آسایش در آن خلاف موازین موفقیت و پیروزی حرکت های انقلابی اسلامی می باشد. قیادت و رهروان این راه می دانند که قائد و رهبر بزرگ این راه وقتیکه دعوت خودرا آغاز کرد با مشکلات و عوایق مواجه شد، در این راه قربانی داد، عده یی اندک و ضعیف وی را همراهی کردند، اتهامات گوناگون بر وی بسته شد، بالاخره این موانع و عوایق منجر به دادن خون و شهادت اتباع گردید و حتی شخص رهبر نیز از زخم و و اذیت محفوظ نماند.

رهروان راه شهادت می دانند که مواجه شدن با چنین مشکلات دلیل بر حقانیت آنان است. ممکن نیست حرکت اسلامی یی به وجود بیاید و به مبارزه بپردازد بدون اینکه به انواع گوناگون اتهامات و افتراءات مواجه نشود. حرکت های اسلامی در طول تاریخ شاهد این حقیقت بوده اند که مخالفان شان در اکثریت قرار داشته و آنان را همیشه برعکس حقیقت به مزدوری و بیگانگی متهم کرده اند. حرکت های اسلامی از جانب دشمنان خود به خونخواری و سفاکی و فساد در روی زمین متهم شدند و تنها اندکی از مردمان جرأت کردند که در اوایل به این حرکت ها بپیوندند. از رهبران یکی از حرکت های اسلامی حکایت می شود که در اولین روزهای مبارزه میخواست در تجمعی یی سخنرانی کند، مردم بی درنگ به شنیدن خطابه وی منتظر بودند اما شخص قائد در همین لحظه از انظار غایب می شود و بعد از تلاش های زیاد وی را در خیمه یی می یابند که تنها نشسته و می گرید. وقتی سبب پرسیدند گفت از این اجتماع بزرگ مردمی خوف دارم و این اقبال گسترده مردمی در آغاز مبارزه حرکت اسلامی دلالت بر خلل در منهج می کند ورنه طبیعت حرکت های اسلامی تقاضا می کند تا حرکت به شکل خیلی بطیء به پیش برود و اتهامات بر آن وارد گردد و مخالفت ها صورت گیرد و سپس حرکت شاهد قربانی ها شود.

آنچه توسط این قائد بیان گردید علایمی است که باید در حرکت های اسلامی ظاهر گردد تا باعث اطمئنان منهج برای پیروان و رهروان گردد. اگر حرکتی با سیر سریع به میان می آید، مردم به شکل گروه گروه به آن می پیوندند، آسایش و رفاهیت جاگزین تکالیف و مشقت ها می گردد، دشمنان دین حاضر به دادن جاه و مقام و بالاخره منبر برای دعوت می شوند، رهبران حرکت اسلامی را به القاب نیک می نوازند و دعوت به شکل مسالمت آمیز و بدون اندک مخالف از جانب دشمن به پیش می رود، اینهمه باعث می شود اتباع و رهروان حرکت از سیر و مسیر آن مشکوک شده و آنچه را مشاهده می کنند مخالف با طبیعت دعوت بدانند.

از سوی دیگر وقتی حرکت اسلامی متهم می گردد، راهها همه به روی رهبر و قائد و اتباع بسته می گردد، دشمنان اسلام همچو احزاب در مقابل آن قرار می گیرند، فعالیت های آن محدود می گردد و پیروان آن مورد آزار و اذیت و شکنجه و زندان قرار می گیرند، شهادت منحصر به افراد نبوده و شامل حال رهبریت نیز می گردد، اینهمه بشارت هایی است که مسلمان مجاهد و دعوتگر را از مسیر صحیح و منهج درست حرکت وآنچه را که رهبریت و قیادت اختیار کرده است مطمئن می سازد.

و این اطمئنان قلبی رویهمرفته باعث رشد مفکوره و منهج حرکت و نیرومندی ریشه های آن در مجتمع می گردد. در این حالت اتباع و پیروان حرکت عقیدهء راسخ به صحت مسیر خود پیدا می کنند و هیچ نوع آزار و اذیت، اتهام و تهمت و بالاخره قربانی به سطح پیروان و رهبریت نمیتواند اثر سلبی و منفی خودرا بر آنان داشته باشد.

این مشکلات، عوایق، قربانی ها و شهادت ها بخصوص وقتی از جانب دشمنی که هیچ عاقلی بر دشمنی آن با اسلام شک و شبهه ندارد باعث پختگی راه و بلند رفتن مورال می گردد، عزم راسخ و مستحکم به اتباع حرکت اسلامی می بخشد. وقتی شهادت رهبریت و قیادت توسط اجیران معلوم الحال صورت می گیرد، یا اینکه دشمنان صلیبی و کینه توز اسلام مستقیما به شهادت فرد و یا قیادت دست می زنند این گواهی دیگر نیازی به دلیل و سند صحت مسیر و منهج ندارد، این قمه و عالی ترین مقام تصدیق است. حرکت های اسلامی وقتی از شهادت خوف می داشته باشند که توسط گروههای مدعی اسلام، مجموعه های مشکوک و مخالفین فروعی آنان صورت گیرد اما چون شهادت از جانب دشمنان معلوم الحال دین واقع می گردد این بزرگترین مهر صحتی است که بر جبین آن حرکت زده می شود.

تاریخ اسلام شاهد است که اولین سوالی که حضرت عمر فاروق رضی الله عنه بعد از خنجر خوردن می پرسد اینست که خنجر زننده کی بود؟ وقتی برایش گفته می شود که وی یک مجوسی و کافر بود شکر الله تعالی را بجا می آورد و می گوید: "الحمد لله الذي لم يجعل منيتي بيد رجل يدعي الاسلام" «ثنا و ستایش پروردگاری را که مرگم را بدست کسی نگردانید که دعوای اسلام می کند.»

بدون تردید شهادت پر افتخار مجاهد مبارز امیر المومنین ملا اختر محمد منصور تقبله الله اگرچه ضایعه یی بزرگی برای امارت اسلامی و ملت مسلمان بود اما در عین حال حامل همین بشارت ها برای بازماندگان و افراد امارت اسلامی نیز بود. وی در حالی به شهادت می رسد که از جانب گروههای مخالف و همپیمان صلیب متهم است. وی در دیار غربت و بیچارگی در حالی جام شهادت می نوشد که در موتر خیلی متواضع و کرایی در سفر می باشد و مهمتر از همه اینکه مستقیما توسط صلیبیان حاقد و خونخوار مورد هدف قرار می گیرد و همان گفتار عمر فاروق رضی الله عنه شامل حالش می گردد.

و ان شاء الله با گذشت ایام ثابت خواهد شد که این شهادت خون های مجاهدین را بجوش آورده و به گرمی آن افزوده است. این قربانی برای مجاهدین یکبار دیگر موقع تجدید عهد و بیعت داد تا به آنچه سالها پیش با امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله تعهد کرده بودند وفا کنند و برای رسیدن به هدف والایی که توسط گذشتگان در روشنی احکام شرع مبین ترسیم گردیده بود از هیچ نوع سعی و تلاش ابا نه ورزند. این شهادت روحیهء جدید و ظهور بیشتر در حقانیت بر صف مجاهدین بخشید و ان شاء الله رویهمرفته حالات واضح و آشکار خواهد ساخت که گمان زنی تفرقه افگنان و خواب ایشان مبنی بر ضعیف شدن و یا پارچه شدن صف مجاهدین آرمانی است که دشمن آنرا به گور خواهد برد و بر عکس صف مجاهدین به رهبریت قائد جدید آن نسبت به هر زمان دیگر مستحکمتر و قویتر خواهد شد.

ان شاء الله و ما ذلک علی الله بعزیز

زندگینامهٔ شهید امیرالمؤمنین



الحمد لله رب العالمین، والعاقبة للمتقین، والصلاة والسلام علی سید الانبیاء والمرسلین، قائد المجاهدین نبینا ومولانا محمد علیه افضل الصلوات والتسلیم وعلی آله وأصحابه ومن اهتدی بهدیه اجمعین وبعد.

روز اول جوزای سال جاری 1395 خورشیدی خبر شهادت زعیم امارت اسلامی قلب های کافهٔ ملت اسلامی جریحه دار ساخت. در همین روز زعیم امارت اسلامی امیرالمؤمنین ملا اخترمحمد منصور در حالیکه مشغول سفرجهادی بود هدف طیارهٔ بدون سرنشین امریکایی قرار گرفت و بمقام شهادت فایز گردید. انالله و انا الیه راجعون

شهید امیرالمؤمنین ملااختر محمد منصور یکی از شخصیت های با بصیرت و از شاگردان متین مدرسهء عمری بود که امور قیادت را عملا در حیات عالیقدر امیر المومنین آغاز نموده و بعد از اعلان وفات مؤسس امارت اسلامی از جانب اشخاص معتبر اهل الحل والعقد امارت اسلامی، علمای کرام، شخصیت های جهادی و شخصیت های ملی دیگر منحیث زعیم جدید امارت اسلامی تعیین گردید.

با وجود اینکه شهید منصور صاحب شخصیت شناخته شده در حلقات جهادی و تحریک بود، مگر جهت تعارف بیشتر و کامل مجاهدین و محبین امارت اسلامی در جهان اسلام با شخصیت جهادی وقیادی شهید منصور صاحب مناسب می دانیم تا سطوری چند دربارهء شهرت و معرفت وی را به تحریر بگیریم.

الف : تولد وی:

محترم ملا اختر محمد منصور فرزند الحاج محمد جان در سال 1347 هـ ش ـ ۱۹٦۸ م در قریهء بند تیمور ولسوالی میوند ولایت کندهار تولد بدنیا آمد.

چون خانواده نامبرده به سطح منطقه یک خانوادهء متدین و علم دوست بود و جناب والد شان نیز یک شخصیت علم دوست بود، پس جهت تربیهء سالم منصور صاحب انتخاب اول برای وی تحصیل علوم دینی بود.

ب: تعلیم وی:

جناب منصور صاحب در هفت سالگی به رهنمایی والد صاحب خویش شامل مکتب محل و مسجد قریه شامل شعبهء تعلیم دینی شد، چون از طفلی نشانه های دانش، ذکاوت و بصیرت در وی آشکار بود در پهلوی پدر خویش از جانب اساتذه نیز تحت تربیه و پرورش خاص قرار گرفت.

نامبرده بر اساس لیاقت علمی سرشار خویش توانست در مدت کوتاه دروس ابتدایی عصری و دینی خود را به موفقیت به پایان برساند و جهت دروس متوسطه راه مسافرت را برای طلب علم اختیار کرد و بسوی مدرسه های مشهور گام نهاد، که آنجا نیز بر اساس ذکاوت فطری و اخلاق اسلامی نیکوی خویش در میان شاگردان هم سویهء خویش امتیاز شاگرد زیرک و اخلاقی را بدست آورد و تعلیمات متوسطهء خودرا به پایان رسانید.

جناب منصور صاحب در مرحلهء تعلیمات عالی دینی شامل نشده بود که حاکمیت سیاسی افغانستان به دست کمونستان افتاد و افغان های مجاهد علیه آنان قیام کردند.

ج: جهاد و مبارزه سیاسی وی:

بعد از تجاوز اشغالگران شوروی در سال 1978م بر افغانستان ملت افغانستان مقاومت اسلامی خویش را علیه آنان آغاز کردند.
شهید ملا اختر محمد منصور در سالهای اوسط اشغال شوروی ها، که در این هنگام نیت شمولیت در مرحلهء بعدی تکمیل تعلیمات شرعی را داشت به سبب اشغال کشور تعلیمات خویش را ناتمام گذاشت، مگر بنا بر محبت زیادی که با تحصیل داشت هرگاهی که از سنگر بر می گشت دروس باقیمانده را با استادان خاص خود آغاز می کرد که با همین عزم راسخ خویش توانست تعلیمات شرعی خویش را از دورهء کوچک تا به دورهء بزرگ احادیث برساند سپس به طور نهایی بجای مدارس دینی بسوی جبهات جهادی توجه خود را معطوف داشت.
محترم منصور صاحب که در آن هنگام دههء دوم عمر خودرا تکمیل می نمود، مانند یک جوان نیرومند بحیث یک مجاهد با شهامت و غیرتی به شکل شعوری به غرض دفاع از دین و کشور خود راه جهاد مسلحانه علیه شوروی ها و کمونستان داخلی را اختیار کرد.
وی در سال 1985م جبهه قوماندان مشهور شهید قاری عزیز الله را در ولایت کندهار برای فعالیت های جهادی خود اختیار کرد و در منطقهء پاشمول ولسوالی پنجوایی تحت سرپرستی شخصیت جهادی مشهور به سطح کشور، الحاج ملا محمد حسن آخند که در زمان حاکمیت امارت اسلامی معاون ریاست الوزراء بود به فعالیت های جهادی خود علیه اشغالگران شوروی و کمونستان داخلی ادامه داد. جبهه جهادی شهید قاری عزیز الله متعلق به تنظیم حرکت انقلاب اسلامی شخصیت جهادی مرحوم مولوی محمد نبی محمدی بود که بعد از شهادت قاری صاحب به فرماندهی قوماندان ملا حاجی محمد آخند در تنظیم حزب اسلامی شخصیت جهادی مرحوم مولوی محمد یونس خالص رسمیت حاصل کرد.
محترم منصور صاحب در عملیات های زیادی علیه اشغالگران شوروی و حامیان داخلی آنان نقش فعال داشت ویکبار در سال 1987م در ساحهء سنزری ولسوالی پنجوایی ولایت کندهار در جریان عملیات مستقیم بر یک مرکز ستراتیژیک روس ها چنان زخمی گردید که جسد وی سیزده زخم برداشته بود مگر الله تعالی وی را شفا داد. برای بار دوم در سال 1997م در زمان حاکمیت امارت اسلامی در میدان هوایی مزار شریف زخمی شد و در همین حالت از جانب مخالفین اسیر نیز گردیده بود.
نقش تأسیسی وی در تحریک اسلامی طالبان:
جناب منصور صاحب در سال 1992م بعد از سقوط نظام کمونستی در افغانستان و آغاز جنگ های داخلی مانند مجاهدین مخلص دیگر در جبهه خود، اسلحهء خودرا بر زمین گذاشت و در تداوم جنگ نا مشروع آغاز شده بر سر قدرت از هیچ جانبی حمایت نکرد.
منصور صاحب که در این هنگام یک مجاهد مشهور و در میان مجاهدین از شهرت نیکی برخوردار بود مانند شخصیت های جهادی و قوماندانان نظامی دیگر منطقه مانند مرحوم ملا محمد ربانی، شهید حاجی ملا محمد و شهید ملا بورجان با انتخاب زندگی عادی از هر نوع فعالیت های تنظیمی دست بردار شده و به بعضی فعالیت های علمی و تربیوی مشغول شد.
در سال 1994م همزمان با تأسیس تحریک اسلامی طالبان توسط امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد در پیشبرد این تحریک نقش محوری را ایفاء کرد.
بر اساس لیاقت اداری و جهادی، برای وی از جانب امیر تحریک طالبان بعضی مسئولیت های مهم سپرده شد که بعضی آن قرار ذیل است:

1- بعد از کامیابی تحریک اسلامی طالبان در زون جنوب غرب و تصرف ولایت کندهار بر اساس اعتمادی که امیر المومنین ملا محمد عمر (مجاهد) بر لیاقت اداری و فعالیت های جناب منصور صاحب داشت وی را بحیث مسئول عمومی میدان هوایی کندهار تعیین کرد.
2- بعد از تصرف ولایت کندهار توسط طالبان مسئولیت نیروهای هوایی و مدافعهء هوایی ولایت کندهار به وی سپرده شد.
3- بعد از تصرف کابل پایتخت کشور در سال 1996م وی بحیث وزیر هوانوردی و سیاحت تعیین گردید.
4- بر اساس هدایت و حکم خاص مرحوم امیر المومنین همزمان با وزارت، مسئولیت قوماندانی عمومی مدافعهء هوایی مربوط وزارت دفاع نیز به وی سپرده شد.

وی در ساحهء وزارت هوانوردی و توریزم فعالیت های زیاد عمرانی و بازسازی را انجام داد که مختصرا بعضی آن را یاد آور می شویم:
زمانی که شهر کابل در تصرف امارت اسلامی در آمد تأسیسات و ملکیت های مربوط به وزارت هوانوردی در این شهر به سبب جنگ های داخلی شدیدا متضرر شده بود.
منصور صاحب بر اساس خط مشی بازسازی خود طیاره های متضرر مربوط به این وزارت و میدان های هوایی را دوباره ترمیم و بازسازی نمود.
این زمانی بود که امارت اسلامی با مشکلات اقتصادی شدید و محدودیت های جهانی روبرو بود مگر منصور صاحب در همین شرائط نامناسب اقتصادی ابتدا میدان هوایی بین المللی کابل و همه تأسیسات مربوط آن را ترمیم کرد سپس خط بین المللی هوایی آریانا افغان را برای پرواز های داخلی و خارجی به ستندرد جهانی فعال و مجهز ساخت.
به تعقیب آن میدان های هوایی ولایات کندهار، هرات، ننگرهار، مزار شریف و کندز را برای هر نوع پروازهای ملکی و نظامی آماده ساخته و با وسایل پیشرفته مجهز ساخت.
علاوه بر خدمات بازسازی بخش های مختلف نظامی و ملکی امارت اسلامی، بزرگترین کارنامه وی این بود که بزرگترین سرمایه ملی افغانستان (نیروی هوایی) و طیاره های مربوط آن و اکثریت میدان های هوایی تخریب شده آن را آباد کرد.
علاوه بر ترمیم طیاره ها و میدان های هوایی، پرواز های شب و روز را در داخل افغانستان فعال و بعد از سالها توقف زمینه رفتن حج برای هزاران حاجی افغان را از طریق شرکت هوایی آریانا افغان مساعد ساخت.
افغانستان که زمانی به سطح منطقه نیروی دفاعی هوایی پیشرفته داشت نسبت اشغال روس ها و جنگ های تنظیمی تقریبا همه فلج گردیده و از کار افتاده بود، تا آنکه بعضی از طیاره ها پرزه شده و به نرخ آهن فروخته شده بود، مگر جناب منصور صاحب با تلاش های خسته ناپذیر خود طیاره های زمین نشسته را دوباره فعال و قابل استفاده ساخت.
محترم ملا اختر محمد منصور که در طول حاکمیت امارت اسلامی وزیر هوانوردی بود در زمان وزارت خود جهت احیاء و پیشبرد امور وزارت هوانوردی ملکی افغانستان خیلی سعی و تلاش کرده است.
می خواهیم به شکل مشت نمونهء خروار درینجا مختصرا از این تلاش ها یاد آور شویم:
جناب منصور صاحب بخاطر رهنمایی بهتر هوانوردی ملکی و پروازهای ترانزیتی سایر کشورها که از فضای افغانستان می گذشتند دستگاه (ویست) را در میدان های بین المللی مهم افغانستان مانند کابل، کندهار، ننگرهار، مزار و هرات جابجا کرد که اکنون نیز مردم شاهد آن اند، و در آن زمان ملیون ها دالر از درک تکس مرور طیاره های خارجی در بودجه افغانستان می آمد که تا کنون ادامه دارد. بر اساس یک راپور وزارت هوانوردی و مدافعه هوایی افغانستان در زمان وزارت منصور صاحب تقریبا 44 طیاره های ترانسپورتی و هلیکوبتر های جنگی که در جریان جنگ متضرر شده بوده و از پرواز باز مانده بودند دوباره ترمیم و قابل استفاده برای هوانوردی ملکی و نیروهای هوایی گردیدند که تفصیل مختصر آن قرار ذیل است:

- 44 طیاره های مختلف النوع که در زمان وزارت منصور صاحب دوباره ترمیم و بازسازی شد عبارت اند از: سه (N 12)، چهار N) (32و دو .(N 26)
طیاره های جنگی: هشت جیت میگ 21، سه جیت سو M420، پنج جیت سو 22.
هلیکوبتر: شش می 8، هشت می 35 و پنج ایل 39.
علاوه بر این دو طیاره متعلق به ترانسپورت ملکی ساخت روس نوع 41 و ان 24.
و طیاره بوینگ امریکایی شرکت هوایی آریانا افغان را نیز در زمان وزارت خود در کشورهای خارجی ترمیم و قابل استفاده گردانیده بود.
و همچنان 5 طیاره ترانسپورتی ساخت روس را از بازار آزاد خریداری کرده بود.
علاوه بر این طیاره های ترمیم شده و خریداری شده افغانستان در آن زمان دهها طیاره دیگر جنگی، ترانسپورتی و هلیکوبتر داشت که نقش یک نیروی کامل هوایی را ایفا می کرد و مثال بهترین فعالیت آنرا میتوان اکمال و کمک هوایی مستمر و دوامدار نیروهای محاصره شده مجاهدین در کندز و ساحات دور افتاده و خط های مقدم جبهه دانست. علاوه بر این پروازهای منظم و پیهم طیاره های مسافربری میان شهرهای بزرگ کشور و خارج از کشور بود. مگر با اشغال امریکایی و بمباردمان میدان های هوایی این سرمایه ملی همه تباه و از بین رفت.
شهید ملا اختر محمد منصور در زمان حاکمیت امارت اسلامی به سبب غداری جنرال مالک در شمال کشور بیشتر از شش ماه در اسارت ماند مگر بعدا به فضل خداوند متعال وقتی رها گردید که با برگشت جنرال دوستم، جنرال مالک از فاریاب فرار کرد و زمینه فرار زندانیان از محابس مساعد گردید.

مقاومت مسلحانه علیه اشغال امریکایی:

به تاریخ 7 اکتوبر سال 2001 میلادی بعد از تجاوز امریکا بر افغانستان محترم منصور صاحب جهاد مسلحانه علیه آنان را آغاز کرد. این مرحله در زندگی جهادی محترم منصور صاحب برای وی مملوء از مشکلات شدید و چالش ها بود.
از جانب مرحوم امیرالمومنین علاوه بر عضویت شورای رهبری امارت اسلامی مسئولیت جهادی ولایت کندهار نیز به وی سپرده شد.
در این هنگام ولایت کندهار نیز مانند سایر ولایات افغانستان در جهاد علیه امریکایی ها به یک مسئول جهادی توانمند و ماهر نیاز داشت، زیرا که امریکایی ها همه پلان های جنگی خودرا به سطح تمام زون جنوب غرب از همین ولایت علیه مجاهدین طرح می کردند، و همین سبب بود که به سطح تمام زون بعد از ولایت هلمند عدهء زیادی از امریکایی ها، کانادایی ها و خارجی های اشغالگر دیگر در این ولایت جابجا شده بودند و بعد از بگرام بزرگترین پایگاه مرکزی خودرا نیز در میدان هوایی ولایت کندهار فعال کردند.
مگرشهید منصور صاحب بنابر بصیرت جهادی خویش علیه همه خارجی های اشغالگر موجود در ولایت کندهار چنان برنامه های جهادی طرح کرد که جنرالان و ماهرین نظامی مشهور آنان از مبارزه با آن و جلوگیری آن عاجز بودند.
منصور صاحب با ابتکار جهادی خویش توانست که با مشوره و همکاری مسئولین جهادی ولایات همسایه پلان های جهادی خودرا به سطح همه حوزه جنوب غرب وسیع ساخته و علاوه بر کندهار در همسایگی آن در ارزگان، زابل و هلمند نیز اشغالگران صلیبی را با ضربات مرگبار مواجه سازد.
در سال های 2003م و 2008 میلادی دوبار شکستاندن خارق العاده محبس مرکزی ولایت کندهار به دست مجاهدین که در نتیجهء آن در هر دوبار تقریبا یک و نیم هزار مجاهد اسیر از اسارت رها گردیدند نیز در زمان مسئولیت منصور صاحب انجام یافت.

بحیث نائب امارت اسلامی

بعد از آنکه الحاج ملا عبید الله آخند معاون اسبق امارت اسلامی در سال 2007 میلادی اسیر گردید پس مرحوم امیر المومنین، ملا اختر محمد منصور را همراه با محترم ملا برادر آخند معاون دیگر امارت اسلامی افغانستان به حیث معاون دوم امارت اسلامی تعیین کرد و وی را هدایت کرد که بنابر اهمیت خاص ولایت کندهار، رهبری آن ولایت را نیز بدوش گیرد و همزمان با معاونیت امارت اسلامی مسئولیت ولایت را نیز به پیش ببرد.
در سال 2010م وقتی که یک معاون امارت اسلامی الحاج ملا عبید الله آخند در اسارت نیروهای پاکستانی به شهادت رسید و معاون دیگر آن ملا عبد الغنی برادردر شهر کراچی پاکستان توسط نیروهای مشترک امریکایی و پاکستانی اسیر گردید پس امیر المومنین ملا محمد عمر (مجاهد) محترم منصور صاحب را به صفت معاون امارت اسلامی و مسئول عمومی همه امور امارت اسلامی تعیین کرد.
این وقتی بود که 30000 نیروی اضافی توسط اوباما به افغانستان فرستاده شده بود و مقاومت جهادی در افغانستان با چالش های بزرگی مواجه بود زیرا که بیشتر از صدهزار نیروهای اشغالگر خارجی مجهز با پیشرفته ترین اسلحه در پهلوی 350 هزار عساکر داخلی در هر گوشهء کشور در جنگ با مجاهدین قرار داشتند.
از یکسو بخاطر شرائط نهایت دشوار امنیتی ظاهر شدن ملا محمد عمر (مجاهد) امیر امارت اسلامی جهت رهبری مقاومت عسکری کار نا ممکن بشمار می رفت و از سوی دیگر در جبهات جهادی خلاء قیادت عسکری و اداری مسئلهٔ بود که پلهء مقاومت را بطور کامل بسوی دشمن سنگین ساخته بود.
علاوه بر فشارهای نظامی بر مجاهدین فشار های دیگر سیاسی و تبلیغاتی نیز از جانب دشمن زیاد شده بود و تعداد زیادی از مسئولین جهادی در سنگر های مقاومت به شهادت رسیده بودند و عده زیادی از مسئولین بزرگ اسیر بودند.
در این چنین وضعیت حساس مسئولیت انسجام مجاهدین در مقابل صلیبی های اشغالگر از جانب مرحوم امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد به دوش محترم منصور صاحب انداخته شد و حتی معاون دیگر هم برایش تعیین نگردید.
محترم منصور صاحب عملا توانست که به نصرت الله تعالی و همکاری شورای رهبری آنرا در حساس ترین لحظات مقاومت طوری رهبری کند که مجاهدین هیچ نوع خلاء عملی قیادت را احساس نکنند.
همین بود که سال 2010م برای نیروهای صلیبی در افغانستان به اعتراف خودشان خونین ترین سال بود و مجاهدین توانستند در این سال نسبت به هر وقت دیگر خیلی ضربات کاری و موثر بر دشمن وارد کنند و در نتیجه آن به اعتراف خود دشمن 770 تن اشغالگر خارجی را به قتل برسانند.
به همین شکل مجاهدین به قیادت منصور صاحب توانستند که ساحات خیلی وسیع را از تصرف دشمن خارج و ادارهء منظم اسلامی را در آنجا به میان بیاورند.

بعد از وفات امیر المومنین ملا محمد عمر (مجاهد):

وقتی که مرحوم امیرالمومنین در 23 اپریل سال 2013م وفات کرد پس یک عده از اعضای شورای رهبری امارت اسلامی، علمای کرام، قاصد خاص مرحوم ملا محمد عمر مجاهد در جریان سیزده سال گذشته و دوستان دایمی وی که قبل از وفات همرای وی یکجا زندگی می کردند همه با منصور صاحب بیعت کردند و وی را بحیث امیر امارت اسلامی تعیین کردند.

اینکه سال 2013م سال اخیر مقابله و زورآزمایی میان اشغالگران صلیبی و مجاهدین مقاومت کننده علیه آنان بود پس بعضی از اعضای شورای رهبری امارت اسلامی و یکعده شیوخ و علمای کرام فیصله کردند که اکنون آخرین لحظات زورآزمایی اشغال صلیبی به رهبری امریکا است و سال سرنوشت ساز 2014م که اشغالگران آن را برای عقب نشینی نیروهای خود بحیث جدول زمانی تعین کرده بودند در پیش رو است پس بر اساس مصلحت جهادی و موافقه علمای کرام این بهتر خواهد بود که خبر وفات مرحوم امیر المومنین بجز به همین چند تن محدود به کس دیگر آشکار نگردد.
همان بود که این راز مهم به طور خیلی خارق العاده بر اساس مصلحت خاص جهادی تا به تاریخ 30 جولای سال 2015 پنهان نگهداشته شد.

بحیث امیر برگزیده شده امارت اسلامی:

وقتی که به تاریخ 14 ماه شوال المکرم سال جاری 1436 هجری قمری که موافق بود با تاریخ 30 جولای سال 2015 میلادی وفات مرحوم امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله از جانب شورای رهبری امارت اسلامی اعلان گردید منصور صاحب جهت اطمینان کامل مجاهدین اعضای شورای رهبری و علمای کرام را در ارتباط با سرنوشت شان و اختیار زعیم جدید اختیار داد و برایشان گفت که شما هر شخصی را که بحیث زعیم اختیار می کنید من به آن راضی و موافق هستم.
همان بود که اعضای شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان بشمول مشائخ و علمای کرام در یک گردهمایی که از اعتبار اهل الحل والعقد برخوردار بود بعد از بحث های طولانی، سنجش مصلحت و مشوره ها و بدون حضور و موجودیت محترم منصور صاحب وی را بحیث امیر جدید تعیین کردند.
همزمان با تعیین محترم ملا اختر محمد (منصور) بحیث امیر امارت اسلامی، اعضای شورای امارت اسلامی، مسئولین همه کمیسیون های امارت اسلامی، مسئولین عمومی قضاء و محاکم، فرماندهان نظامی و مسئولین جهادی 34 ولایت افغانستان، بزرگان کمیسیون های نظامی، شخصیت های علمی، ملی، جهادی، سیاسی و فرهنگی کشور و مسئولین همه نیروهای مسلح و ملکی امارت اسلامی همه با یک صدا بیعت خود با امیر جدید امارت اسلامی را اعلان کردند. بیعت های این همه جهت های نظامی و ملکی و شخصیت های ملی کشور به شکل صوتی و تحریری به بخش نشراتی امارت اسلامی ارسال گردید که بعدا از جانب آنان در صفحهء مرکزی انترنتی الاماره نیز به نشر رسید.
تقرری وی به حیث امیر جدید از نگاه شریعت:
علمای کرام و سیاست دانان اسلامی انتخاب توسط شوری یا اهل الحل والعقد را بهترین و درست ترین راه برای انتخاب زعیم در اسلام می دانند. اطلاق اهل الحل والعقد بر آن گروهی می شود که بر اشخاصی که دارای علم، تجربه و ذکاء باشند مشتمل باشد و معمولا بر آن اطلاق شوری می شود.
از روش های مختلف انتخاب خلفای راشدین عموما سه مرحله برای انتخاب زعیم از طریق شوری استنباط می گردد، که مرحلهء اول آن ترشیح، دوم انتخاب و سوم بیعت می باشد.
ترشیح یا نامزدی باید از جانب خود شخصی نباشد که زعیم تعیین می گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:
"إنا والله لا نولي هذا العمل أحدا سأله أو أحدا حرص عليه"
)متفق علیه) (اخرجه البخاری (7149) ومسلم (1733)
ترجمه: »سوگند به الله که ما این کار را به کسی نمی سپاریم که آنرا مطالبه کرده باشد و یا کسی که بر آن حریص باشد«
پس ترشیح از جانب دیگر و یا از شخص می باشد مانند عمر فاروق رضی الله عنه که دست ابوبکر صدیق رضی الله عنه را گرفت و وی را برای زعامت پیش کرد سپس صحابه کرام وی را به حیث امام خود انتخاب کردند، و یا اشخاص زیادی ترشیح می گردند مانند اینکه عمر فاروق رضی الله عنه قبل از شهادت خویش چند تن از صحابه را به خلافت نامزد کرد و از میان آنان حضرت عثمان رضی الله عنه انتخاب گردید.
ملا اختر محمد منصور صاحب هرگز خودرا برای رهبری نامزد نکرده بود، بلکه وی در اولین نشست نیز از جانب شورا بحیث یگانه کاندید نامزد گردید و در نشست دوم نیز صراحتا برای شوری گفت که من خواهان رهبری نیستم بلکه خواهش خدمت منحیث یک مامور را دارم، مگر شوری وی را بحیث یگانه شخص لایق زعامت نامزد کرد. بعد از بحث های طولانی، وی توسط همین شوری که مشتمل بر علمای کرام، شیوخ و اعضای شورای رهبری امارت اسلامی بود که همه صاحبان تجربهء علمی و جهادی اند بحیث زعیم انتخاب گردید و به تعقیب آن اول همه اعضای شوری همراه وی بیعت کردند سپس بعد از آن سایر مسئولین، مجاهدین عام و مومنان سلسله بیعت را با وی آغاز کردند.
به این شکل گفته می توانیم که انتخاب وی کاملا به طریقهء شرعی صورت گرفته بود و به همین سبب از گوشه و کنار کشور علاوه بر صدها هزار مردمان دیگر، شیوخ قرآن و حدیث زعامت وی را قبول کرده، آنرا شرعی دانستند و با وی بیعت کردند.

شخصیت قیادی وی:

شهید امیر المومنین ملا اختر محمد (منصور) زعیم جدید امارت اسلامی افغانستان، در اعضای تأسیسی امارت اسلامی یک شخصیت خیلی مدبر، موثر و مسلط پنداشته می شد.
نامبرده به شکل موهوبی از بعضی از مشخصات قیادت و رهبری برخوردار بود.
تقوی، اخلاص، بصیرت، درایت سیاسی و نظم اداری وی در عملی کردن امور از جمله مشخصات وی بود.
شهید امیرالمؤمنین ملا اختر محمد منصور صاحب در تنفیذ و تعقیب امور مربوط به فعالیت های جهادی امارت اسلامی نقش قدم رهنمای جهادی خویش مرحوم ملا محمد عمر مجاهد را تعقیب می کرد، تحقق اهداف جهادی، استقلال کشور از اشغال خارجی و استحکام نظام شرعی در آن، از اهداف اساسی جهاد و مبارزه بود، بر اساس "وامرهم شوری بینهم" مشوره های سالم دوستان را در امور به غور می شنید، مسئولیت را به اهل کار می سپرد و بعد از سپردن مسئولیت بر وی اعتماد کامل می کرد، اشخاص مسئول را همیشه بر ترحم و تعاطف با مردم توصیه می کرد.
بر این سخن خیلی ترکیز داشت که "امارت اسلامی خانهء مشترک تمامی افغان ها است پس به همین شکل باید همه خود را در آن مشاهده کنند".
دیدگاه فکری و مذهبی او:
شهید ملا اختر محمد منصور از لحاظ مذهبی تابع اهل سنت والجماعت و مقلد مذهب امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله بود.
به نزاکت وقت، زمان و جریانات سیاسی خوب بلد بود.
در هنگام روبرو شدن با وی انسان میتوانست سنجیدگی، وقار و متانت وی را به شکل خوب درک کند، سادگی و بی تکلفی از مشخصات ویژه زندگی وی بود.
با مطالعه سیرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین دلچسپی خاص داشت، هنگام روبرو شدن با مجاهدین همیشه در صدد شنیدن حالات و جریانات سنگرهای جهادی و وقایع عسکری میبود.
با وجود همه مصروفیات جهادی و اداری خویش رسانه ها را به دقت تعقیب می کرد، نویسندگان جهادی و کارمندان فرهنگی و نشراتی امارت اسلامی را در فعالیت های نشریاتی شان مشوره های خاص داده و توصیه های ویژه ارایه می کرد.

شهادت وی

و بالاخره این مرد فرزانهٔ راه جهاد و تاریخ اسلامی به آن مطلوب نایل گردید که سالیان سال بسراغ آن کوه به کوه و سنگر به سنگر گشته بود.
بلی ؛ بتاریخ اول جوزای سال 1395 ملا اختر محمد منصور بمقام شهادت فائز گردید و تاریخ اسلام بعد از قرنها یک بار دیگر این جمله را زیور صفحات خود ساخت که: امیرالمؤمنین شهید شد.
شوری رهبری امارت اسلامی افغانستان بعد ازشهادت وی شیخ الحدیث مولوی هبت الله اخندزاده را بحیث امیر جدید امارت اسلامی تعیین نمود و در اعلامیه رسمی خود نگاشت.

رضینا بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه وسلم نبیا ورسولا.
امارت اسلامی افغانستان با رضا به قضای الهی و با ایمان محکم و روحیهٔ بلند اعلان می نماید که زعیم امارت اسلامی افغانستان جناب أمیرالمؤمنین ملا أختر محمد منصور تقبله الله در روز شنبه بتاریخ 14 ماه شعبان المعظم سال 1437 هجری قمری مصادف با یکم ماه جوزای سال 1395 هجری شمسی در یک منطقهٔ سرحدی میان ولسوالی ریگستان ولایت قندهار و منطقهٔ نوشکی بلوچستان ، در حملهٔ طیارهٔ بی پیلوت طاغوت امریکایی به مقام عالی شهادت فائز گردیده است . انالله و انا الیه راجعون

شورای رهبری امارت اسلامی به تمام منسوبین امارت اسلامی ، مجاهدین ، ملت افغان ، کافهٔ امت اسلامی و بطور اخص به خانوادهٔ داغدیدهٔ شهید امیرالمؤمنین تقبله الله ، مراتب تسلیت خویش را تقدیم می نماید و از بارگاه الله متعال برای شهید امیرالمومنین تقبله الله ، قبولیت شهادت ، دیدار الهی و جنت الفردوس را خواستار است ، الله تعالی بر شهید منصور صاحب رحم بفرماید و به خانوادهٔ نامبرده ، خویشاوندان ، مجاهدین و امارت اسلامی در این مصیبت بزرگ ، صبر جمیل ، اجیر عظیم و نعم البدل نصیب نماید . آمین یارب العالمین .
برادران مؤمن !
تاریخ شاهد است که نهضت های حقانی امت اسلامی همیشه با شهادت رهبران ، وفات و با دیگر مصایب مشابه همیشه مواجه شده اند ، اما همچو مصیبت های گران ، هیچگاه صاحبان ایمان را به لرزه در نیاورده است ، بلکه آنان را بیش از پیش مصمم و محکم نموده است و آنان با عزم و ایمان مستحکم تا آخرین مرحله، راه مبارزهٔ برحق را تعقیب نموده اند .

(وكأين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما أصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله يحب الصابرين ١٤٦)

شهید أمیرالمؤمنین تقبله الله ، بندهٔ الله متعال و مجاهد راه حق بودند ، ایشان فریضهٔ خویش را با بهترین و پر افتخار وجه انجام دادند، تا هنگام مرگ ، بر ایمان و عزم بر حق خویش مستحکم باقی ماندند ، در مدت کوتاه زعامت امارت اسلامی ، چنان تاریخ عزم ، ایمان و سربلندی را از خود بجا گذاشتند که برای همیشه تمام مسلمانان و بخصوص مبارزین و مجاهدین بر آن افتخار خواهند کرد .
ایشان با وجود شرایط سخت و امتحانی مکانی و زمانی ، نه به خواسته های مکرر طاغوت جهانی تن دادند و نه هم در مقابل تهدید ها تسلیم شدند و نه هم پروسه های تحمیلی و تزویری کسی را پذیرفتند ، نه از تهدید ها ترسیدند و نه هم توطئه های داخلی و خارجی ، دسیسه ها و فشارها عزم ایشان را متزلزل ساخت .
شهید منصور صاحب وظیفهٔ زعامت امارت اسلامی را عینا همانند سلف خویش جناب امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله انجام دادند تا جایی که با همین موقف پر افتخار ، ایمان قوی و توکل، در جریان یک سفر جهادی به دیدار الله متعال شتافتند .
از آنجاییکه پس از شهادت و یا وفات امام و امیرالمومنین ، نصب زعیم جدید بر گردن مسلمانان یک فریضهٔ لازمی است ، شورای رهبری امارت اسلامی که متشکل از تعداد زیادی از علمای کرام ، اساتید تفسیر و حدیث ، سیاست مداران متدین و صاحبان تجربهٔ جهادی است ، با دایر نمودن یک مجلس ، که از اعتبار شرعی اهل الحل و العقد برخوردار بود، پس از تفکر عمیق ، تدبر و در نظر گرفتن مصلحت های همه جانبهٔ دینی و جهادی ، جناب محترم شیخ الحدیث مولوی هبت الله آخند زاده صاحب را به حیث زعیم جدید امارت اسلامی با اتفاق آراء تمام اعضای شوراء تعین نموده و من حیث أمیر شرعی با ایشان بیعت نمودند .
همچنین جناب محترم الحاج ملا سراج الدین حقانی صاحب و فرزند برومند حضرت أمیرالمؤمنین، جناب مولوی محمد یعقوب صاحب را به عنوان معاونین ایشان تعیین گردیدند .
شورای رهبری امارت اسلامی ، تمام مجاهدین و کافهٔ ملت متدین خویش را در این شرایط به وحدت و توکل علی الله فرا می خواند ، مجاهدین هیچ گونه تشویش را به خود راه ندهند ، بحمدالله ما ربّ ناصر و مددگاری داریم ، شمع اسلام و جهاد که در طول چهارده قرن روشن بوده است تا قیامت نیز روشن و پر نور باقی خواهد ماند ، جای شکر الله تعالی است که ما به نام امارت اسلامی یک نظام برحال و سالم داریم ، برای حفاظت این نظام ،استحکام و پیشرفت آن ، این وجیبهٔ دینی همه است که با أمیرالمؤمنین جدید جناب محترم شیخ الحدیث مولوی هبت الله آخند زاده بیعت نموده و در تحت سرپرستی ایشان ، به مبارزهٔ بر حق خویش ادامه دهند .
همچنین زعیم امارت اسلامی و شورای رهبری از تمام مسلمانان امید دارد که از فردا برای 3 روز برای فاتحهٔ أمیرالمؤمنین جناب ملا أخترمحمد منصور رحمه الله تعالی و به نیت بخشیدن ثواب به روح ایشان ختم های قرآن کریم بر پا نمایند .

والسلام
شورای رهبری امارت اسلامی افغانستان
۱۴۳۷/۸/۱۸هـ ق
۱۳۹۵/۳/۵هـ ش ــــ 2016/5/25م

هغه أمیر چې په دیدن یې سیراب نه شوو

✍ قاري حبیب

د روان هجري قمري کال د شعبان میاشتې په ۱۴ مه نیټه یوه دردوونکې پېښه رامنځته شوه. د اسلامي امارت زعیم عالیقدر امیرالمؤمنین ملا اختر محمد منصور صاحب د امریکایي طاغوت په یوه ډرون توغندیز برید کې د شهادت لوړ مقام ته ورسېد. انا لله و انا الیه راجعون

شهید امیرالمؤمنین تقبله الله زموږ لپاره کوم عادي څوک نه و، هغه زموږ شرعي امیر و، لاس په لاس مو ورسره په جهاد او شریعت ته په التزام بیعت کړی و. د نوموړي تر مشرۍ لاندې د مرګ او ژوند په بیه د جهاد او مبارزې میدان ته کوز شوي و. دده هر امر مو د ځان لپاره واجب باله، او دده په اطاعت او د فرامینو په امتثال کې مو د الله تعالی رضا لټوله.

خو دا به د تقدیر پرېکړه وه چې هغه وياړمن، متشرع، ثابت او غیرتمند امیر یې له موږ څخه واخیست. موږ لا د هغه امیر په امارت تنده نه وه ماته کړې، د هغه له دیدن څخه نه و سیراب شوي چې هغه الله تعالی ځان ته وروباله. هغه ته رب تعالی د شهادت وياړمن سعادت ورپه نصیب کړ، هغه سعادت چې ډېر لږ به د زعماؤو په نصیب کیږي. نحسبه کذالک والله حسیبه

څرنګه چې د زمان او مکان شرایط ډېر سخت او حساس دي، د الله تعالی دښمنان ډېر زیات او د جهادي رهبرانو هر حرکت ته متوجه دي، نو ځکه منصور صاحب هم اړ و چې ډېر په عامه غونډو او له مجاهدینو سره په مجالسو کې څرګند نه شي. خو له دې سره سره هم د الله تعالی شکرګذار یم چې د مجاهدینو د هغه شهید امیر د لیدلو سعادت یې دوه ځله رانصیب کړی دی. هوکې، یوازې دوه ځله. چې موږ یې د لیدلو شرف حاصل کړ مګر په بیا بیا مجالست او خواله یې سیراب نه شوو.

لومړی ځل د ۱۴۳۶ هـ ق کال د صفر المظفر د میاشتې په ۲۴ مه نیټه وه، هغه وخت چې لا د مرحوم امیرالمؤمنین ملا محمد عمر مجاهد د وفات خبره نه وه اعلان شوې او شهید منصور صاحب تقبله الله د امارت د نا اعلان شوي مشر په حیث دنده اجراء کوله نوموړي غوښتل د فرهنګي کمیسیون له کارکوونکو سره له نږدې وګوري د هغوی کارونو وارزوي، پیشنهادات او خبرې یې واوري او مخامخ ورسره د زړه خواله وکړي.

غرمې ته له څه وخت پاته وچې منصور صاحب د فرهنګي کمیسیون د ملګرو مجلس ته تشریف راووړ، فرهنګي مجاهدین یې د احترام په خاطر ولاړ شول، له هر ملګري سره یې په غېږ روغبړ وکړه، د روغبړ له پای ته رسیدو وروسته دفرهنګي کمیسیون محترم رئیس جناب متقي صاحب مجلس پیل کړ لومړی یې هر ملګری ورته معرفي کړ، او بیایې لنډې افتتاحیه خبرې یې وکړې.

وروسته د ملګرو د انتظار موافق جناب ملا اختر محمد منصور صاحب خپلې خبرې په حمد او صلاة سره پیل کړې. چې مايې ځيني برخې په کاغذ راسره یاداشت کړې چې غواړم دلته يې له تاسو سره هم شريکې کړم.

جناب منصور صاحب په پیل کې له فرهنګي او قلمي مجاهدینو مننه او قدرداني وکړه او دفرهنګي کمیسیون کارنامې يې وستايلې، نوموړي وويل : لله الحمد زموږ مطبوعاتي او نشراتي کارونه له نظامي جهادی فعالیتونه سره غبرګ او څنګ په څنګ روان دي،دا ستاسو دمشقاتو او اخلاص برکت دی چې دا شعبه په ډيره ښه طريقه فعاله ده،دامارت مشرتابه ستاسو د هريوه ملګري د مخلصانه او دقيق کار قدرداني کوي او له الله تعالی څخه درته پوره پوره اجرونه غواړي .

نوموړي وويل : موږ پوهيږو او نړيوال هم پوهيږي چې داسلامي امارت نشراتي فعاليت د امکاناتو په نسبت ډير پراخ او سريع دی،تاسو هريو په خپل کاري بخش کې داسلامي امارت نماینده یاست او باید دغه عهده په ښه توګه ترسره کړئ .

لله الحمد د فرهنګي کمیسیون په رأس کې ټول اهل کسان دي،چې زموږ وړباندې اعتماد دی او د فرهنګي کمیسیون دمشرانو اهلیت ددې سبب دی چې موږ له دې جهته بيخي مطمئن يو، له همدې امله مو په تاسوډيره پوښتنه نه ده کړې .

جناب منصور صاحب زياته کړه : په فرهنګي او نشراتي کارونو کې باید ډير دقيق واوسو،خپلې رسمي پالیسۍ ته مو بايد هميشه پام وي او بايد ورباندې پوه واوسو،نن سبا حالت ډير سخت او هميشه بدليدونکي دي چې له موږ نه ډير دقت او هوښياري غواړي .

نوموړي له دې وروسته د يوشمير موضوعاتو په اړه لکه روان جهاد، له القاعده تنظيم سره د رابطې،د ښځو حقوق او تعلیم،د سولې مذاکرات او يوشمير نورو موضوعاتو په اړه داسلامي امارت رسمي پاليسي بيان کړې،چې دملګرو د قناعت سبب شوې، نوموړي له دنيا سره د تعامل په اړه زياته کړه .

دنيا يا نړيوال حکومتونه ځکه له موږ سره توافق ته نه رسيږي، چې زموږ او ددوی ترمنځ په اساساتو او ارزښتونو کې ډير تفاوت دی، اوسنۍ نړۍ له دين او ديندارۍ څخه بيلارې شوي ده، او شريعت ته هيڅ عملي اعتناء نلري، په داسې حال کې چې موږ شريعت ترټولو لوړ ارزښت بولو او دهمدې لپاره مبارزه کوو، دنيا له موږ غواړي چې له بعضې شيانو ورتيرشو له ځينو به دوی راتير شي، دوی شايد راتير شي ځکه ددوی ارزښتونه خودساخته دي، چې خپله يې جوړ کړي او په خپل يې فسخ کولای هم شي اما زموږ ارزښتونه خو اسماني دي ،موږ هيڅ داسې شی نلرو چې تر هغه تير شو، مثلا دوی وايي له حدودو، د ښځو له حجاب او ستر ياداسې نورو اسلامي ارزښتونو راتير شئ، خو آيا موږ له دې شيانو تيريدلای شو؟ ځواب واضح دی چې نه . ځکه همدا زموږ دين دی په همدې مکلف يو دا شيان موږ ته الله تعالی ټاکلي چې موږ يې منسوخ کولای نه شو .

”دنيا يا نړيوال حکومتونه ځکه له موږ سره توافق ته نه رسيږي، چې زموږ او ددوی ترمنځ په اساساتو او ارزښتونو کې ډير تفاوت دی، اوسنۍ نړۍ له دين او ديندارۍ څخه بيلارې شوي ده، او شريعت ته هيڅ عملي اعتناء نلري، په داسې حال کې چې موږ شريعت ترټولو لوړ ارزښت بولو او دهمدې لپاره مبارزه کوو، دنيا له موږ غواړي چې له بعضې شيانو ورتيرشو له ځينو به دوی راتير شي، دوی شايد راتير شي ځکه ددوی ارزښتونه خودساخته دي، چې خپله يې جوړ کړي او په خپل يې فسخ کولای هم شي اما زموږ ارزښتونه خو اسماني دي ،موږ هيڅ داسې شی نلرو چې تر هغه تير شو.“

نړيوال وايي چې امارت سخت دريځه دی، بايد ووايم چې امارت سخت دريځه نه دی،موږ يوازې په دين ټينګې منګولې لګولې خو داچې نړيوال له دين څخه پردې شوي نو موږ ورته سخت دريځه ښکارو .

بايد ووايم چې د فتنو په دې دور کې همدا په دين اعتصام ددې باعث شوی چې موږ په نړۍ کې يوازې شو،موږ ددنيا په اعتبار يوازې يو مګر دالله تعالی په نزد يوازې نه يو، ځکه الله تعالی له موږ سره دی ، پريږده که دنيا راسره غاړه نه وړي خو موږ به په الله تعالی تکيه کوو،ځيني خلک وايي ستاسو ځواک دومره نه دی چې وطن ونيسئ بايد ووايم چې موږ د وطن په نيولو مکلف نه يو بلکې د عقيدې په ساتلو مکلف يو .

په افغانستان کې روان جنګ زموږ يو ضرورت دی، هيڅوک له مستۍ جنګ نه کوي هرڅا ته ارامي خوند ورکوي، خو زموږ هيواد ته کفار راغلي دي،زموږ هيواد يې اشغال کړی او اسلامي نظام يې رانړولی دی،دوی زموږ په مفکوره کارلري،زموږ نسل راګمراه کوي او د داسې کفري فعاليتونو په وړاندې په موږ جهاد فرض عين دی .

جناب منصور صاحب نورې هم خورا په زړه پورې څرګندونې وکړې، نوموړی په سړه سينه ژور غږيده او دمسائلو په اړه يې د مشرتابه دريځ خورا واضح بياناوو..

د نوموړي له خبرو وروسته د فرهنګي کمیسیون مرستیال مرحوم حقاني صاحب او وروسته داسلامي امارت وياند ذبيح الله مجاهد صاحب خبرې پيل کړې او بيا د مجلس هر ملګري ته د خبرو نوبت ورکړل شو ترڅو که د امارت د پالیسۍ، کړنو او فعالیتونو په اړه کوم نظر، پیشنهاد یا اعتراض لري په ازاده فضاء کې یې مطرح کړي.

ددې مجلس په جريان کې د جناب منصور صاحب په لاس کې قلم او کتابچه وه چې د هر ملګري خبره يې یاداشتوله او بیا به یې که ځواب یا وضاحت غوښت په ډير خوږه ژبه یې ورته ځواب وایه. دا مجلس دا برخه ځکه ډیره جالبه وه چې د بیان پوره ازادي وه او د عمري حاکمیت یوه ژوندۍ بیلګه چې د مجس هر عادي ګډونوال کولای شوای خپل انتقاد یا وړاندیز په پوره جرأت سره د خپل امير په وړاندې ووايي او د منصور صاحب لخوا یې هم په ویړه تندې هر کلی کیده او واضح ځوابونه ورته ویل کیدل.

د مجلس په وروستۍ برخه کې منصور صاحب یو ځل بیا لنډې خبرې وکړې چې ما له ځان سره داسې یاداشت کړي دي.

منصور صاحب وویل: اسلامي امارت زموږ او تاسو ګډ کور دی، کوښښ به کوو چې دا کور محفوظ وساتو او څوک یې رانه کنډو نه کړي، له تبعیض او تعصب نه باید ځان وساتو، خپل منځي اتحاد، اطاعت، تقوا، اخلاص او داعمالو اصلاح ته باید ډیر متوجه واوسو، ځيني ملګري له تقوا څخه دا معنی اخلي چې یوازې په پیسو او مالي چارو کې له حرامو ځان وساتي، خونه، تقوا باید په هرڅه کې ولرو، له خپلو ملګرو سره په چلندکې، په خپل جهادي کار او ټولو کړنو کې باید تقوا ولرو.

ددې په ځای چې دبل په عیبونو پسې وګرځو باید خپل عیب ته متوجه واوسو، داسلامي امارت پالیسۍ یا ځيني کړنې که درته ناسمې ښکاري په وړاندې یې په پټو سترګو اقدام مه کوئ لړترلږه یوځل ځان ته موضوع معلوموئ او وضاحت غواړئ.

د اسلامي امارت نائب په پای کې له ملګرو د خصوصي دعاګانو غوښتنه وکړه نوموړي وویل سخت او درونډ مسؤلیت ورلغاړې دی او ټول ملګري باید ورته د استقامت او اصلاح دعاګانې وکړي.

له شهيد أمیر المؤمنین منصور صاحب تقبله الله سره دوهم ځل لیدل مې د ۱۳۹۴ لمریز کال د اسد د میاشتې په اتمه نیټه په هغه ورځ و چې نوموړی رسما د اسلامي امارت د زعيم أمیر المؤمنين په حیث وټاکل شو. په دې ورځ د اسلامي امارت د مسؤلینو اومشرانو مجاهدینو د بیعت یو لویه غونډه جوړه شوې وه، زه هم دې غونډې ته ورغلم، د اسلامي امارت د استخباراتو د اداري امنيتي کسانو فوق العاده حفاظتي ترتیبات نیولي و، چې غونډې ته ورغلم د شيخ عبدالحکیم صاحب بیان شروع و، ورپسې د ملا اختر محمد منصور صاحب مرستیال او اوسني امیرالمؤمنین شیخ هبت الله صاحب عالمانه وینا وکړه، د مرحوم ملا صاحب په ژوند او کارنامو وغږېد او له نوي امیر سره د بیعت خبره یې یاده کړه.

وروسته مجلس ته ملا اختر محمد منصور صاحب تشریف راووړ، او له لږ دمې وروسته یې خپله وینا پیل کړه، نوموړي دا ځل هم خورا جذابه او اغیزناکه وینا وکړه چې وروسته د نوموړي د لومړني رسمي بیان په حیث په غږيز شکل په رسنیو کې هم خپره شوه.

نوموړي د مرحوم ملاصاحب د مناقبو د ذکر تر څنګ د امارت په اوسني وضعیت رڼا واچوله، په جهادي عزم یې ټینګار وکړ او ویې ویل چې موږ له شریعت پرته بل مسیر نلرو، ژوند او مرګ به مو ټول په شریعت وي، دموکراسي نه په کې ځايیږي. له وينا وروسته له جناب امیر سره د بیعت سلسله پیل شوه، دامارت مسؤلو مجاهدینو او مشرانو په پوره شوق او ولولو ورسره بیعت وکړ چې په دې ترڅ کې ما هم ورسره په پوره شوق اواخلاص لاس په لاس بیعت وکړ.

د بیعت په کولو سره مې له زړه څخه هغه بوج یو دم سپک شو چې د اسلامي امارت د مؤسس امیرالمؤمنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله د وفات د درانه غم له امله پیدا شوی و، د مازدیګر لمونځ مو د جناب منصور صاحب په امامت اداء کړ او چې بهر راووتلم نو موسم خورا خوندور و، نرۍ نرۍ باران وریدو او د ټولو مجاهدینو په سترګو کې ځلا او په شونډو موسکا په نڅېدو وه، د موټرو د دریدو ځایه مې خپل موټر سایکل را روان کړ چې دغه مهال دمجلس ځای ته بیا رانږدې شوم جناب منصور صاحب مې یو ځل بیا ولید چې په موټر کې سپور او روان و، همدا مې د هغه تاريخي زعیم وروستی ځل لیدل شول چې څېره یې راسره اوس هم د ذهن په تخته منقوشه پاته ده.

اوس چې جناب امير محترم منصور صاحب زموږ په منځ کې نشته او د شهادت په وینو رنګين د خپل رب لقاء ته ورغلی، له الله تعالی څخه ورته د شهادت قبولیت غواړم. ویاړ په داسې امیر چې شهادت ته اماده شو مګر د کفارو، منافقینو او د هغوی د محلي لاس پوڅو هیڅ ډول، زور، زر، زاریو او تزویر یې په عزم او اراده کوم اغیز ونکړ بلکې تر پايه خپل سپیڅلي دريځ ته پایند پاته شو.

رحمه الله تعالی

(قسمت چهارم)

تالیف: شیت خطاب

ترجمه: راشد شهامت

سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم

وضعیت کلی نظامی مسلمانان

۱- در مکه مکرمه

الف: (وحدت و توحید به خاطر جهاد)

الف ـ دعوت سری : با نزول وحی بر رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) کار گردآوری نیروی نظامی نیز آغاز گردید. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) از مردم دعوت کرد که به خدای یگانه ایمان آورند، روان خود را از آلودگیها پاك سازند، صفهایشان را یکپارچه کنند و منافع فردی را فدای منافع اجتماعی گردانند:

(فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ اعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكين) سوره حجر ایه ۹۴

پس آنچه را که بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب .

پس از آن که رسول الله (صلی الله علیه وسلم)اسلام را بر اهل بیت و دوستان نزدیك و مورد اعتماد خویش عرضه فرمود، گروهی از نخبگان که هسته نخستین اردو وسپاه اسلامی را تشکیل دادند به رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان آوردند.

دعوت پنهانی مدت سه سال ادامه یافت تا آنکه آیه شریفه (وَ اَنْذِرْ عَشيرَتَكَ الْاَقْرَبينَ) خویشان نزدیکت را هشدار بَده نازل شد.

رسول الله (صلی الله علیه وسلم)در این مدت تلاش کردتا مردم به الله یگانه ایمان بیاورند، هم عقیده گردند، صفهایشان را یکپارچه سازند و دنبال یك هدف باشند.

ب. دعوت آشکار:

با پایان یافتن دوران دعوت سرّی ، رسول الله (صلی الله علیه وسلم)دعوت آشکار َوهم زمان قریش نیز خصومت خویش را با دعوت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آغاز کردند؛ و هر چه شمار مسلمانان بیشتر می شد، دشمنی وشدت قریش نیز افزایش می یافت .

آنان به مسلمانان به دیده افرادی سرکش و شورشی می نگریستند، در نتیجه ریختن خون و خوردن مال مسلمانان مستضعفی را که هیچ یاوری برای دفع ستم و تجاوز مشرکان نداشتند، در حرم امن الهی حلال می دانستند.

عمار یاسر با پدر و مادرش اسلام آورد. مشرکان آنان را برهنه ساخته در تابش گرمای نیمروز شکنجه می کردند. یاسر بر اثر شکنجه جان سپرد. همسرش با ابوجهل به درشتی سخن گفت و او با ضربت خنجر، آن زن بینوا را نیز به شهادت رسانید.

این تنها خاندان یاسر نبود که شکنجه می دید، بلکه بسیاری از دیگر مسلمانان مستضعف نیز به سرنوشت آنها دچار شدند و شکنجه دیدند.

قریش به این هم بسنده نکردند، بلکه با حربه تمسخر و ریشخند به جنگ رسول الله (صلی الله علیه وسلم)و یاران وی رفتند و آن حضرت را جادوگر، کاهن ، شاعر و دیوانه خواندند.

قریش قبایلی را که به منظور حج ، زیارت و یا مقاصدی دیگر به مکه می آمدند، زیرنظر می گرفتند و به این منظور گروهی را از میان خود تعیین کردند که به پیشواز زایران مکه بروند و آنان را از رسول الله (صلی الله علیه وسلم)و دعوت او دور کنند و بترسانند.

اما رسول الله (صلی الله علیه وسلم)در اجتماعات حاجیان حضور می یافت و در پیش چشم قریشیان از آنان یاری می خواست .

ایستادگی قریش در برابر مسلمانان افزایش یافت . از این رو رسول الله (صلی الله علیه وسلم)در سال پنجم بعثت به گروهی از مسلمانان مستضعف و شماری از یاران خویش پیشنهاد کرد به حبشه مهاجرت کنند.

قریش که شاهد گسترش اسلام بودند، همداستان شدند و مسلمانان و کسانی را که به دین آنها راضی بودند یا نسبت به آنان تمایلی داشتند یا کسی از آنان را حمایت می کردند، یك حزب واحد تلقی نموده پیمانی را علیه آنها به امضا رسانیدند. براساس این پیمان نه به آنها چیزی می فروختند و نه از آنها چیزی می خریدند، نه به آنها زن می دادند و نه از آنها زن می گرفتند. این پیمان را در لوحی نوشته برای تاءکید مفادش درون کعبه آویختند. رسول الله (صلی الله علیه وسلم)و یاران آن حضرت ناگزیز به شعب بنی هاشم پناه بردند و فرزندان مطلّب از مؤ من و کافر، بجز ابو لهب که پشتیبان قریش بود، به آنان پیوستند.

محاصره مسلمانان شدت یافت ، خوراك و پوشاك در میانشان کمیاب گشت و نهایت فشار بر آنان وارد آمد. با وجود این ، از خصومت قریش در تهاجم به اسلام و مسلمانان و تحریك اعراب علیه آنان کاسته نشد.

مسلمانان برای مدّت سه سال تحمل این محنت و رنج را بر خود هموار ساختند تا آن که ضمیر برخی از قریشیان بیدار شد و در نتیجه متن پیمان تحریم را نقض کردند.

ج ـ نخستین پیمان عقبه :

سوید بن صامت اوسی برای گذراندن حج به مکه آمد. رسول الله صلی الله علیه وسلمبه او برخورد و به اسلام دعوتش فرمود. سوید آن را نیك تلقی کرد و در بازگشت به مدینه آنچه را شنیده بود برای مردم خود باز گفت . ولی او در واقعه بعاث در جنگ میان اوس و خزرج در مدینه منوّره کشته شد.

بیعت عقبه ، نخستین موفقیت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم در بیرون مکه مکرمه بود. زیرا اسلام در مدینه انتشار یافت و برای رسول الله صلی الله علیه وسلمدر آن شهر اردوئی تشکیل شد که در گرفتاریها به آنان تکیه می کرد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در موسم حج می رفت و خود را به قبایل معرفی می کرد. روزی هفت تن از مردان قبیله خزرج را در جایی به نام عقبه دیدار و اسلام را بر آنان عرضه فرمود. آنان نیز پذیرفتند و حضرتش را تاءیید کردند.

این گروه هنگام بازگشت به مدینه ، جریان اسلام آوردنشان را برای قبیله خود نقل کردند و آنها را به این دین خواندند و به این ترتیب اسلام در مدینه انتشار یافت .

پس از گذشت یك سال ، دوازده نفر مرد در موسم حج به مکه رفتند و در عقبه با رسول الله صلی الله علیه وسلمدیدار کردند. آنان با آن حضرت پیمان بستند که به خدای یگانه ایمان بیاورند، ملازم کارهای نیك باشند و از تعصبهای جاهلیت دوری بجویند.

رسول خدا(ص) مَصْعَب بن عُمیر را به مدینه منوره فرستاد تا وظیفه تبلیغ اسلام را به عهده بگیرد، قرآن را بر آنها عرضه کند و با امور دینی آشنایشان سازد. به دنبال آن گروههای بسیاری از مردم یثرب (مدینه) به دین اسلام درآمدند.

بیعت عقبه ، نخستین موفقیت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم در بیرون مکه مکرمه بود. زیرا اسلام در مدینه انتشار یافت و برای رسول الله صلی الله علیه وسلمدر آن شهر اردوئی تشکیل شد که در گرفتاریها به آنان تکیه می کرد.

د ـ دومین پیمان عقبه : پس از گسترش اسلام در مدینه ، هفتاد تن از مسلمانان این شهر به همراه خویشاوندان مشرك خود، برای دیدار با رسول الله صلی الله علیه وسلمدر موسم حج راهی مکه شدند. پس از رسیدن به شهر، رسول الله صلی الله علیه وسلمو عده گذاشتند که شبانه در محل عقبه اجتماع کنند.

دو سوم شب که سپری شد، مردم مدینه در گروههایی کوچك و به طور پنهانی راهی پناهگاهی در عقبه شدند تا اینکه ، هفتاد تن از مردان اوس و خزرج در آنجا گردهم آمدند. دو زن به نامهای ام عماره نَسیبه دختر کَعب و اسماءدختر عمرو بن عدی نیز با آنان همراه بودند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم همراه عمویش عباس به جمع آنان پیوست . عباس در این هنگام کافر بود، امّا می خواست که از سرنوشت برادرزاده اش مطمئن شود.

ابتدا عباس سخن گفت و پس از او رسول الله صلی الله علیه وسلم سخن گفت و قرآن تلاوت فرمود و مردم را به اسلام تشویق کرد.

آنگاه فرمود: با شما بیعت می کنم تا چنانکه زنان و فرزندان خویش را حمایت می کنید، مرا نیز حمایت کنید. پس مردم این شرط را پذیرفتند و با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کردند در حالی که می گفتند : (البته چنانکه از ناموس و زنان خویش دفاع می کنیم ، از تو دفاع خواهیم کرد. ای رسول الله صلی الله علیه وسلمبیعت ما را بپذیر، به خدا سوگند ما مرد کارزاریم ، ما جنگاوری را از نیاکان خود به ارث برده ایم .)

رسول الله صلی الله علیه وسلمفرمان داد دوازده رئیس از میان خود انتخاب کنند تا هر کدام ریاست قوم خود را برعهده گیرد. پس نه نفر از خزرج و سه تن از اوس انتخاب شدند... به این ترتیب رسول الله صلی الله علیه وسلم سازماندهی نیروهایش را در بیرون مکه آغاز فرمود.

یکی از مشرکان ـ که به طور اتفاقی در میان خیمه گاهها و منازل حاجیان گردش می کرد ـ آنچه را که در این تجمع ومجلس گذشت شنید. پس فریاد زد و اهل مکه را خبر کرد: (محمد به همراه دین برگشتگان برای جنگ با شما گرد آمده اند.)

بیعت کنندگان بدون اعتنای به آشکار شدن کارشان ، شمشیر کشیدند و آماده جنگ با قریش گردیدند. اما رسول الله صلی الله علیه وسلمفرمان داد که به جایگاههای خود باز گردند، زیرا الله متعال هنوز فرمان مبارزه را صادر نکرده بود.

بامدادان ، مردانی از قریش نزد آنان آمده گفتند: (ای گروه خزرج ! شنیده ایم که آمده اید محمد را از میان ما ببرید و بر جنگ با ما با او بیعت کنید. ولی بدانید، به خدا سوگند، بدترین چیز برای ما این است که از میان قبایل عرب ، با شما بجنگیم .)

اما مشرکان خزرج که از جزئیات بیعت عقبه چیزی نمی دانستند، نزد قریش سوگند یاد کردند که چنین چیزی نبوده و از چنین موضوعی بی خبرند. قریش نیز آنان را تاءیید کردند.

دومین پیمان عقبه را باید یك موفقیت نظامی دیگر برای رسول الله صلی الله علیه وسلم شمرد.

هـ ـ تمرکز نیرو در مدینه : پس از فرمان رسول الله صلی الله علیه وسلم مبنی بر مهاجرت مسلمانان مکه سوی برادرانشان در مدینه ، آنان با به جای نهادن اموال و زن و فرزند خود در آن شهر راه مهاجرت را در پیش گرفتند.

سران قریش در دارالنَدوه تشکیل جلسه دادند و چنین تصمیم گرفتند که از هر قبیله جوانی بزرگ زاده و نسب دار انتخاب کنند؛ و آنگاه به هر یك از آنان شمشیری برّنده داده برای ترور پیامبر(صلی الله علیه وسلم) بفرستند. زیرا در این صورت مسؤ ول قتل آن حضرت همه قبایل شناخته می شدند و از آنجا که قبیله بنی هاشم قدرت جنگ با همگان را نداشت به خونبها رضایت می داد.

اما رسول الله صلی الله علیه وسلم به این توطئه پی برد و در شبی که بنا بود این تصمیم به اجرا درآید همراه ابوبکر به مدینه مهاجرت کرد؛ و با وجود سرسختی قریش برای دستگیری ایشان ، آن حضرت موفق گردید که بسلامت به مدینه برسد.

خبر آن مهاجر بزرگ در مدینه پیچید و مردمان شهر هر بامداد برای استقبال وی بیرون می آمدند و چون گرما شدت می یافت به خانه برمی گشتند. با نزدیك شدن رسول الله صلی الله علیه وسلمبه مدینه ، مردم مسلّحانه به استقبال آمدند و شهر جامه عید به تن کرد.

مفهوم هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه ، پیوستن فرمانده به سربازانش در پایگاه امن آنان بود. با هجرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه ، دولت اسلامی تشکیل گردید و تاریخ آن مبداء تاریخ هجری قرار گرفت . با استقرار رسول اکرم (ص) در مدینه ، به اعتبار اینکه حضرتش ریاست عالیه مسلمانان مستقر در پایگاه امن مدینه را دارا بود، حاکمیت مطلق از آن وی گردید.

ادامه دارد.......

شهادت رهبران جهادی زمینه ساز تمکین



سعدالله بلوچ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ).

ترجمه : خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند ، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً جایگزین (پیشینیان ، و وارث فرماندهی و حکومت ایشان) در زمین خواهد کرد (تا آن را پس از ظلم ظالمان ، در پرتو عدل و داد خود آبادان گردانند) همان گونه که پیشینیان (دادگر و مؤمن ملّتهای گذشته) را جایگزین (طاغیان و یاغیان ستمگر) قبل از خود (در ادوار و اعصار دور و دراز تاریخ) کرده است (و حکومت و قدرت را بدانان بخشیده است) . همچنین آئین (اسلام نام) ایشان را که برای آنان می‌پسندد ، حتماً (در زمین) پابرجا و برقرار خواهد ساخت ، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیّت و آرامش مبدّل می‌سازد ، (آن چنان که بدون دغدغه و دلهره از دیگران ، تنها) مرا می‌پرستند و چیزی را انبازم نمی‌گردانند . بعد از این (وعده راستین) کسانی که کافر شوند ، آنان کاملاً بیرون شوندگان (از دائره ایمان و اسلام) بشمارند (و متمرّدان و مرتدّان حقیقی می‌باشند).

شهادت آرزوی قلبی هر مجاهدی است که در راه الله متعال گام زن است و برای آن لحظه شماری می کند که کی وقت آن فرا خواهد رسید تا این جام شیرین را سر کشد.

امّا در این میان آنان که به عنوان امیر یا فراتر از آن به عنوان رهبر مجاهدین هستند، به مراتب شوق آنها برای شهادت بیشتر وبیشتر است؛ زیرا آنان دوستان، شاگردان و فرماندهان زیر دست خود را می بینند که چگونه یکی پس از دیگری جام شیرین شهادت را مستانه می نوشند، چه آنانکه در صف های مقدم قرار دارند یا آنانکه جلیقه های فدایی بر سینه می بندند، یا آنانکه زیر بمباران یهود و نصاری و ایادی وحشی شان جان به جان آفرین تسلیم می کنند.

این امر را کسانی بهتر درک می کنند که با آنها زندگی و معاشرت داشته اند و از نزدیک از خصوصیات زندگیِ شان با خبر هستند.

بارها اتفاق افتاده است که امیران خود را دیده ایم و از نزدیک تأسف آنها را دیده ایم که چگونه از یارانی که از آنها سبقت گرفته اند را به نیکی یاد نموده اند و علاوه بر آن پس از ابراز تأثرات خود بر آنها غبطه و رشک خورده اند؛ زیرا آنان بخوبی درک نموده اند راه جنّت، راه شهادت، راه آزادگی و غیرت و شهامت راه سبقت است، خداوند متعال چه زیبا فرموده‌است: (وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ) یعنی: مسابقه دهندگان باید برای به دست آوردن این (چنین شراب و سایر نعمت های دیگر بهشت) با همدیگر مسابقه بدهند و بر یکدیگر پیشی بگیرند .

خداوندا تو خود بهتر می‌دانی که امیر قهرمان جناب شهید امیر المومنین ملا اختر محمد منصور رحمه الله چقدر شوق دیدارت در دل او فوران می‌زد، اگر چنین نمی بود چرا او بجای اینکه خودش به میادین سرکشی کند، کسی دیگر را نمی فرستاد تا اوضاع را از نزدیک بررسی نماید، امّا او چنین نبود.

او – العیاذ بالله – مزدور کسی نبود، اگر مزدور اجندا یا کشوری می بود از مرگ می ترسید و به شهادت تن نمی داد.

او شجاع بود و با شهامت؛ شجاعتش از همینجا هویدا می شود که اوضاع جهادی را از نزدیک و فراتر از حد ممکن بررسی می نمود.

سبک بال بود؛ سفرهای طولانی و طاقت فرسا در طول و عرض کشور او را هیچ گاه زمین گیر ننمود، اوضاع کشور از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب بخوبی در کنترل او بود، از همین جهت ضربات کوبندهٔ مجاهدین با هدایت و راهنمایی‌هایش بر هیکل پوسیده حکومت اجیر روز به روز شدّت می گرفت. و روز به روز ناله وفغان آنها بیشتر شده و گوش باداران خارجی شان را کرّ کرده بودند.

امّا ای مجاهدین جان برکف اسلام! این را بدانید که قانون و سنّت خداوند متعال قبل از تمکین بندگانش روی زمین، همان سنّت ابتلا و آزمایش است.

آری؛ در سال های اخیر ما شاهد شهادت و عروج سرخ و درگذشت رهبران و فرماندهان زیادی بوده ایم، و هیچ بعید نیست که خداوند متعال می خواهد با این ابتلاها و آزمایشات برای تمکین مجاهدین روی زمینش، زمینه سازی و مقدمه چینی کند.

نقل شده است که از امام شافعی رحمه الله پرسیدند: کدام یکی را بیشتر دوست داری و می پسندی: ابتلا و آزمایش را یا تمکین را؟ ایشان در جواب فرمودند: (آیا مگر ممکن است که انسان قبل از ابتلا و آزمایش به تمکین برسد؟).

بدیهی است که هیچ بلایی فراتر از درگذشت و شهادت فرماندهان صالح و نیک نام نیست، و اگر ما کمی به عقب بنگریم، شاهد درگذشت خیلی از فرماندهان سرشناس بوده‌ایم که هر کدام به تنهایی یک امت و یک گروه بزرگ بوده است.

از این رو اگر کسی در قانون و سنت الله متعال بیندیشد، و به سیرت طیبهٔ آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم نگاهی بیندازد، در می یابد که فتوحات بزرگ پس از وفات رسول مکرم اسلام صلی الله علیه وسلم به دست آمده اند که این خود شاهد و گواه آشکاریست بر اینکه دین خداوند متعال وابسته به رجال و مردان سترگ نیست، که اگر کدام امیر و رهبر باشد فتوحات است و اگر نباشد فتوحات نیست.

بهترین دلیل ما در این باره حضرت انس بن نضر رضی الله عنه می باشد که موقعی که میان صحابهٔ کرام شایعه شده بود که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شهید شده اند او به یاران خود خطاب نمود: »ما الذي أقعدكم يا إخوتاه! قالوا: قتل رسول الله صلى الله عليه وسلم «یعنی: (ای برادران چه چیزی شما را زمینگیر نموده است؟ فرمودند: رسول الله صلی الله علیه وسلم شهید شده است).

این یک امر طبیعی است که اگر به ما خبر درگذشت و یا شهادت فرمانده و یا رهبری بزرگ داده می شود، در جای خود میخ کوب می شویم، و تا چند روز غمگین می شویم، حال اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم را هم بایستی درک کنیم که آنها هم از این قاعده مستثنی نبودند بلکه فراتر از آن هیچ جای تعجب نیست که آنها با شنیدن درگذشت آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم حیران و مدهوش شوند، امّا با این وجود بنگریم به جواب زیبای حضرت انس بن نضر رضی الله عنه که در جواب آنها فرمود: »وماذا إذا قتل رسول الله صلى الله عليه وسلم! قوموا وموتوا على ما مات عليه رسول الله صلى الله عليه.«

حضرت انس رضی الله عنه فرمود: بعد از آن‌حضرت (صلی الله علیه وسلم) وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم شهید شده است بازندگی چه کار می خواهید بکنید؟ برخیزید شمشیر بدست بگیرید و درمیدان رفته بمیرید بخاطر همان چیزی که رسول الله صلی الله علیه وسلم بخاطر آن شهید شده است.

چنان‌که خودش شمشیر بدست گرفت و در جمع کفار داخل شد و تا آخرین لحظه جنگید تا این‌که به شهادت رسید.

لذا ای مجاهدین فی سبیل الله! ای کسانی‌که برای اعتلای کلمة الله و راندن آشغالگران خارجی و مزدوران داخلی آنها بپاخاسته اید! بر خیزید و راه فرماندهان ورهبران خود را ادامه بدهید و بر مسیر آنها بجنگید و بر همان راه کشته شوید، راهی که به گمان ما آنها نه در آن هیچ تغییری آورده‌اند و نه هم هیچ تبدیلی.

آری؛ انسان وقتی به فرماندهان مذاهب و گروه های غیر مجاهدین نگاه می کند، می بیند که آنها در خانه زیر کولرها نشسته اند و از آنجا خارج نمی شوند، امّا فرماندهان و رهبران جهادی نشانه های راه را با خون، جان و مال خود ترسیم می کنند و همین حقیقت روشن است که مجاهدین را بر این راه ثابت قدم و استوار نموده است.

با شهادت رهبران جهادی و فرماندهان مخلص و با خدا غمگین مباشید، و هیچ تشویش وپریشانی به خود راه ندهید، بلکه آن را به فال نیک بگیرید که آن زمینه ساز تمکین و پیروزی مستضعفان و بی نوایان است، و ما ذلک علی الله ببعید.



نویسنده: محمد عظیم حسین‌بر

روزه و رمضان

ماه مبارک رمضان ماه نهم از سال قمری است. در ارتباط با فضایل و ویژگی‌های خاص آن در احادیث و روایات مطالب بسیار ارزشمندی وجود دارد. این ماه به اعتبار لغت، تنها ماهی است که نام آن به صراحت در قرآن مجید بیان شده است؛ البتّه روزه و ماه رمضان فقط مختص این اُمّت نبوده و دیگر اُمم گذشته نیز روزه می‌گرفتند که البتّه تفاوت‌هایی بین روزه در زمان اُمم گذشته و این اُمّت وجود دارد. در این مقاله به مختصری از ویژگی‌های این ماه می‌پردازیم.

روزه در قرآن:

«یَا أَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوْا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیَامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ أَیّامًا مَعْدُوْدَاتٍ فَمَنْ کَانَ مِنْکُمْ مَرِیْضًا أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیّامٍ أُخَرَ وَ عَلَی الَّذِیْنَ یُطِیْقُوْنَهُ فِدْیَةٌ طَعَامُ مِسْکِیْنٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْرًا فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُوْمُوْا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ»

روزه در اُمّت‌های گذشته:

حکم فرضیّت روزه مختص و منحصر به این امّت نیست، بلکه بر امت‌های گذشته هم بوده است. الفاظ قرآن «الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِکُمْ» بیانگر یک حکم عمومی از زمان حضرت آدم علیه‌السّلام تا خاتم‌الانبیاء صلّی الله علیه و سلّم شامل همه‌ی شرایع و اُمم می‌باشد؛ لذا از این جمله معلوم می‌شود؛ هم‌چنان‌که هیچ شریعت و اُمّتی از نماز عاری نبوده، روزه هم در هر شریعتی فرض بوده است.

معنای صیام:

در لغت عرب «صیام» در اصل مطلقاً به «امساک»؛ یعنی بازداشتن خود از هر چه که باشد را می‌گویند.

در اصطلاح شرع، «صوم» عبارت از خودداری و کناره‌گیری از خوردن و نوشیدن و مباشرت با زن از طلوع صبح صادق تا غروب آفتاب، به طور دائم که در این مدّت نیّت روزه را هم داشته باشد.

تحصیل تقوا:

در «لَعَلَّکُمْ تَتَّقُوْنَ» به این مطلب اشاره دارد که روزه در تحصیل تقوا تأثیر عمیقی دارد؛ زیرا به سبب آن هواهای نفسانی تحت کنترل در می‌آیند و اساس تقوا همین کنترل نمودن خواهش‌های نفسانی است. (معارف‌القرآن، ج۲، صص ۱۲۱ و ۱۲۲)

در حدیثی رسول اکرم صلّی الله علیه و سلّم می‌فرمایند: «ای جوانان! هر کس از شما می‌تواند ازدواج بکند، این کار را بکند؛ زیرا ازدواج باعث سکونت چشم و قلب و به وجود آورنده‌ی عفّت است و هر کس نمی‌تواند ازدواج کند، باید به روزه چنگ بزند؛ زیرا روزه برای او پناهگاهی است که تقوا می‌آورد.»

زمینه‌های پیدایش تقوا از روزه:

۱ـ روزه نفس انسان را در آشکار و نهان بر خشیّت و بیم از خداوند متعال تربیت می‌کند؛ زیرا جز پروردگار بزرگ، هیچ کس دیگری ناظر و مراقب شخص روزه‌دار نیست و این از بزرگ‌ترین فواید روحی روزه می‌باشد؛

۲ـ روزه از حدّت و غلیان شهوت می‌کاهد؛ چنان‌که در حدیث آمده است: «اَلصَّوْمُ جُنَّةٌ»؛ روزه سپر است.

۳ـ روزه احساس شفقت و رحمت به هم نوع را در انسان بیدار می‌سازد.

۴ـ روزه تحقّق‌بخش به معنای برابری میان توانگران و فقرا و اشراف و عوام است و این از فواید اجتماعی روزه می‌باشد.

۵ـ روزه انسان را به نظم و برنامه‌ریزی و مهار نمودن اراده عادت می‌دهد.

۶ـ روزه بیّنه‌ی جسمی را تجدید نموده و سلامتی و نیروی حافظه را تقویّت و بدن را از رسوب‌ها و تخمیرات زیان‌بخش می‌رهاند؛ چنان‌که در حدیث آمده است: »صُومُوا تَصِحّوا«؛ روزه بگیرید تا تندرست شوید.

رمضان در قرآن:

»شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِىْ أُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيْضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيّامٍ أُخَرَ يُرِيْدُ اللّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيْدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ«

نام قدیم رمضان:

در عربی اسمی برای روزهای ماه رمضان وجود نداشت و به آن عموماً »ناتق «می‌گفتند؛ یعنی قوی و ممتاز. تا این‌که این ایّام در سالی مصادف با تابستانی پر حرارت شد؛ لذا مردم به آن »رمضان «گفتند که مشتق از »رمض الحرّ «یعنی حرارت گرما است.

معنای لغوی رمضان:

رمضان از رَمِض، یَرمُضُ، رمضاً و رمضاناً به معنی گرم و داغ شدن سنگ به سبب تابش خورشید در فصل گرما است. خلیل [نحوی] گفته است: »رمضان از رَمضَاء به سکون میم است که به معنی باران نرم و لطیفی است که قبل از پاییز می‌بارد و چهره‌ی زمین را از گرد و غبار پاک می‌سازد.«

طبق اشتقاق اوّل: وجه تسمیه‌ی رمضان این است که به برکت آن گناهان انسان می‌سوزند و از بین می‌روند

طبق اشتقاق دوّم: همان‌طور که باران نرم، موجب روییدن سبزه، گل، شادابی، طراوت، پاکی و سرسبزی زمین می‌شود، رمضان نیز باعث طراوت ایمان و پاک شدن روزه‌دار از گناهان می‌گردد. (تبیین‌الفرقان، ج۴، ص ۸۶,)

حقیقت فضیلت رمضان:

در مورد این‌که آیا شرافت ماه مبارک رمضان ذاتی است یا اعتباری و به دلیل نزول کتب سماوی بالاخص قرآن در آن. در این مورد سه نظر وجود دارد:

۱ـ بعضی بر این عقیده‌اند که شرافت رمضان ذاتی و مربوط به خودش است؛ ماهی است که محبوب اله‌العالمین و برای مغفرت و تقوا و تطهیر مؤمنان مخصوص شده است؛ نزول کتاب‌های آسمانی به شرافت و فضیلت آن افزوده است و چنان‌چه این نزول هم نبود، باز هم ماه رمضان جایگاه خودش را محفوظ داشت.

۲ـ برخی برعکس نظر فوق، بر این عقیده‌اند که این شرافت نه ذاتی که در اصل به برکت نزول کتب سماوی است؛ چون رمضان ظرف نزول این کتب مقدّس قرار گرفت، به برکت آن‌ها قداست و فضیلت یافت و این شرافت در اصطلاح از قبیل »شَرَفُ المَكَانِ بِالمَكِينِ « می‌باشد.

۳ـ اکثر محقّقان از جمله ماتُریدیان بر این هستند که ماه رمضان، جامع هر دو جنبه‌ی فضیلت است. هم ذاتاً شریف است که ماه منتخب اله‌العالمین است و هم اعتباراً به شرافت آن افزوده شده که کتاب‌های مقدّس آسمانی در آن نازل شده است.

خطبه‌ی پیامبر صلّی الله علیه و سلّم درباره‌ی ماه رمضان:

از حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه روایت شده که رسول اکرم صلّی الله علیه و سلّم در آخرین روز ماه شعبان برای ما خطبه‌ای ایراد فرمودند و بیان داشتند: »ای مردم! بر شما ماه با عظمت و بابرکاتی سایه افکنده است. یک شب آن ماه از هزار ماه بهتر است.

خداوند روزه‌ی آن ماه را فرض کرده و در شب‌های آن قیام به بارگاه خود عبادت نفلی مقرّر نموده است. هر شخصی که در این ماه عبادت نفلی انجام دهد و قصد او حاصل کردن قرب و رضای الهی باشد، به اندازه‌ی عبادات فرضی دیگر ماه‌ها به او ثواب می‌رسد و ادای فرض در این ماه به اندازه‌ی ثواب هفتاد فرض در ماه‌های دیگر است.



این ماه، ماه صبر است و عوض صبر بهشت است. ماه هم‌دردی و مواسات است و این ماهی است که در رزق بندگان مؤمن افزوده می‌شود و هر کس در این ماه به شخص روزه‌داری افطار دهد، گناهان او مورد مغفرت قرار گرفته و از آتش دوزخ آزاد می‌شود و به اندازه‌ی ثواب آن روزه‌دار به او ثواب می‌رسد، بدون این‌که از ثواب آن شخص روزه‌دار کاسته شود. «عرض شد: »یا رسول‌الله صلّی الله علیه و سلّم! هر یک از ما توانایی افطار دادند را ندارد. «آن حضرت صلّی الله علیه و سلّم فرمودند: »خداوند این ثواب را به آن کس هم می‌دهد که اندکی شیر و یا فقط آب به روزه‌داری افطار بدهد. «و فرمودند: »هر کس روزه‌داری را طعام بدهد، خداوند متعال او را از حوض من (کوثر) چنان سیراب خواهد کرد که هرگز تشنگی را احساس نمی‌کند تا آن‌که به بهشت می‌رورد. قسمت اوّل این ماه، رحمت است و قسمت میانی آن، مغفرت است و قسمت آخر آن، آزادی از آتش دوزخ است و هر کس در این ماه در کارهای غلام و خادم خود تخفیف دهد، خداوند متعال او را مغفرت می‌کند و از آتش دوزخ نجات می‌دهد.«

انواع روزه:

امام غزّالی رحمه الله علیه می‌فرماید: بدان که روزه سه درجه است:

۱ـ روزه‌ی عموم: عبارت است از بازداشتن شکم از خوردن و نوشیدن و خودداری از عمل جنسی.

۲ـ روزه‌ی خصوصی: عبارت است از بازداشتن چشم، گوش، دست، پا و دیگر اعضا و جوارح بدن از گناه؛

۳ـ روزه‌ی خصوص‌الخصوص: عبارت است از نگه داشتن دل از آرزوها و تمایلات پست و اندیشه‌های نامشروع دنیوی و به طور کلّی باز داشتن از هر چیزی غیر از خدا و روز آخرت.

پنج چیز خصوصی در رمضان:

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و سلّم فرمودند: »به اُمّت من در ماه رمضان پنج چیز به طور خصوصی داده شده که به اُمّت‌های قبل داده نشده است:

۱ـ بوی دهان‌شان نزد خداوند از بوی مشک پسندیده‌تر است.

۲ـ ماهی‌ها تا وقت افطار برای آن‌ها دعای مغفرت می‌کنند.

۳ـ بهشت هر روز برای آن‌ها آراسته می‌شود و خداوند به بهشت می‌گوید: »به زودی بندگان نیک من مشقّت‌های دنیا را از خود دور می‌اندازند و به سوی تو می‌آیند.

۴ـ شیاطین سرکش بسته می‌شوند تا کارهایی را که در غیر ماه رمضان می‌کردند، نتوانند انجام بدهند.

۵ـ در شب آخر رمضان، روزه‌داران بخشیده می‌شوند.

روزه در کلام شاه ولی‌الله دهلوی رحمه الله علیه:

روزه نیکی بزرگی است که مَلَکیّت را تقویت نموده و حیوانیّت را تضعیف می‌کند و برای صیقل کردن وجه روح و مغلوب کردن طبیعت از آن بالاتر چیزی نیست؛ بنابراین، خداوند فرموده است: »اَلصَّومُ لِی وَ اَنَا اَجزِی بِهِ «روزه از آنِ من است و من پاداش آن را خواهم داد. هر چند شدتِ حیوانیّت پژمرده باشد، خطاها بخشیده می‌شوند و شباهت بزرگی با ملائکه پدید می‌آید؛ از این جهت ملائکه با او محبّت می‌ورزند، پس تعلّق حبّ با ملائکه در اثر ضعیف شدن حیوانیّت به دست می‌آید.

آن‌چه وقت افطار باید رعایت نمود:

امام غزّالی رحمه الله علیه می‌فرماید:

۱ـ لازم است شخص روزه‌دار در حین افطار از خوردن غذای حلال زیاده‌روی نکند؛ به گونه‌ای که شکمش را پر از مواد خوردنی و نوشیدنی کند؛ چرا که هیچ ظرفی نزد خداوند مبغوض‌تر و ناپسندتر از معده‌ای که مملوّ از غذا شده باشد، نیست؛ هر چند که از غذای حلال پر شده باشد.

۲ـ باید پس از افطار دل او در میان خوف و رجا باشد که آیا روزه‌ی من مقبول آستانه‌ی حقّ تعالی شده است یا این که جز گرسنگی و تشنگی و رنج و زحمت چیز دیگری نصیب او نشده است؛ چنان‌که در حدیث آمده است: »کَم مِن صَائِمٍ لَیسَ لَهُ مِن صِیَامِهِ إلّا الجُوعُ وَالعَطَش. «چه بسیار روزه‌دار که جز گرسنگی و تشنگی، بهره‌ای از روزه‌اش نمی‌گیرد.

در مورد روزه، فضایل آن، شب قدر ، اعتکاف و ... مطالب بسیاری در آیات وروایات آمده است که مجال بیان آن در این مقاله نیست.

والسّلام



قاری اسحق موحد

به یاد گلهایی که پرپرشدند ...

اعوذ با الله من الشیطان الرجیم

{مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُم مَّن قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا.}

ترجمه: از مؤمنان مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بسته بودند (صادقانه) وفا کردند، پس کسی از آنان هست که پیمان خود را به آخر رساند (وشهید شد) و از آنان کسی هست که در انتظار (و چشم براه) است، و هرگز تغییر و تبدیلی (در پیمان خود) نیاورده اند.

در امتداد تاریخ مقابلۀ حق و باطل رویدادها تکرار میگردد، حوادث مشابه روی میدهد و هر گروهی که متمسک تر به اصول خویش باشند، بیشتر دچار امتحان و آزمایش قرار می گیرند.

سنت الهی بر این رفته است تا یک نسل با انتخاب قوانین الهی که با قوانین فطرت سازگاری دارد به مواجهۀ نسلی بروند که علیه فطرت خویش قرار گرفته اند، ارزش ها را اهمیت نمیدهند و به قوانین الهی پای می نهند.

الله عزوجل در قرآن کریم داستان اصحاب اخدود را بیان می دارد، و هدف از بیان آن اشاره به این است که مبارزه دوامدار می باشد، دشمن نمیخواهد تا آرام بنشیند، زخم وجرح، زندان و قتل و حتی سوختاندن هم رفیق این راه می باشد.

نظام های طاغوتی جهان برداشت دیدن یک حکومت اسلامی در جهان را نداشتند و به خاطر همین تمام اختلافات ذات البینی خویش را کنار گذاشته و به مواجۀ امارت اسلامی آمدند و با همکاری مزدوران و منافقین داخلی آن را از میان بردند و به جایش یک حکومت کفری را با قوانین ممزوج و مخلوط از این و آن بالای ملت مظلوم و مسلمان و مجاهد پرور افغان حاکم ساختند.

اما سقوط امارت اسلامی باعث نشد تا جهاد خاتمه یابد و نور پر درخشش وی خاموش گردد.

بعد از آمدن امریکایی های صلیبی به افغانستان سنگرهای جهاد مملو از جوانانی شد که همه با مرگ بیعت نموده بودند و با الله عزوجل عهد بستند که: یا شریعت یا شهادت!.

در میان این جوانان نورسته و این بلبلان باغچه توحید عده ای بودند که به اسارت دشمن بزدل و جبون آمده بودند و سالهای درازی را بدون محاکمه و بدون اعطای حقوق بشری به آنها در سیاه چال های زندان باقی ماندند.

سفاکان تاریخ چندی قبل از میان این نونهالان شش تن شان را به پای چوبۀ دار برده و آنها را به صورت ظالمانه به شهادت رساندند. انا لله و انا الیه راجعون.

شهادت این مجاهدین نوریست که راه را برای مجاهدین روشن می نماید و آتشی است که خانه وکاشانۀ ظالمان را تباه و برباد می کند.

پیامم به این قهرمانان این است که:

ای حماسه سازان تاریخ و ای قهرمانان!

شما به خاطر دین الله عزوجل قیام کردید و به خاطر همین دین مشکلات، تکالیف و رنج ها را کشیدید و بالاخره به خاطر همین دین خود را فدای اسلام ساخته و ارزشمندترین چیزی را که مالکش بودید، آنرا فدای دین الله عزوجل نمودید.

بوی خوش پیروزی از هلمند شیران به مشام می رسد ...

محمود احمد نوید

چند روزی است که هلمند شیرصفتان به تکاپو و غرش افتاده است، مجاهدین قهرمان این دیار با پشتیبانی همه جانبهٔ ملت غیرتمند هلمند روزی نیست که به سوی پیشرفت و پیروزی گام بر ندارند، دشمنان مزدور و حلقه به گوش های اشغالگران به شدت ترسیده و لرزه بر اندام شده و جز فرار، شکست، تلفات و ذلت چیزی دیگر نصیب شان نشده و نمی شود؛ مجاهدین هلمند زمستان امسال را تبدیل به بهار پیروزی ها کرده اند با این فتوحات درخشان و قهرمانی های خوش نام و حماسه خیزشان.

ولسوالی های هلمند یکی پی دیگری در حال فتح اند الحمدلله، قرارگاه ها و پایگاه های مهم و استراتجیک دشمن که مملوء از انواع مختلف تسلیحات نظامی می باشند یکی پی دیگری فتح شده و یا در حالت فتح قرار گرفته، بسیاری از پوسته های امنیتی دشمن فتح شده و از بسیاری پوسته ها دشمن قبل از انجام عملیات مجاهدین، پا به گریز و فرار گذاشته است، و همواره اجساد عساکر کشته شدهٔ دشمن در میدان های نظامی اُفتاده که دشمن حتی فرصت کشیدن جنازه های شان را هم پیدا کرده نمی تواند؛ هر چقدر که قوماندانان دشمن در خط مقدم جنگ ها خبر سقوط و شکست را به باداران خود در قصر گلخانه مخابره می کنند کسی صدای شان را نمی شنود و امثال وزیری (اکذب الکاذبین وقت) تمام این گزارش ها را تکذیب کرده و روحیه خالی به عساکر باقیمانده شان در میدان های جنگ می دهد.

و اگر نیروهای به اصطلاح تازه نفس ولی در واقع {خُشب مُسنّده} چوب های بی حرکت شان از راه می رسند وقتی در مقابل امواج طوفانی مجاهدین قهرمان روبرو می شوند خود به خود سکرات موت بر وجودشان طاری گشته و مرگ حتمی شان را با چشم سر مشاهده می کنند و هنوز چیزی نشده یا پس عقب نشینی و فرار می کنند و یا تسلیم مجاهدین شده و یا هم به دست مبارزان راه حق و حریت، کشته می شوند، گویا سیل خروشانی در هلمند به راه اُفتاده که هیچ نیروی دشمن توان مقابله با آن را نداشته و مهار و کنترول از دست آن بیرون شده و دشمن جز قبول شکست، فرار و ذلت چارهٔ دیگری ندارد.

آنانی که کمی از عدالت و انصاف برخور دارند فریاد می زنند که هلمند رفت حکومت وحشت ملی خود را زحمت ندهد و تکلیف نکند به فکر و چارهٔ سایر ولایات همجوار باشد و به صراحت اعلان می کنند که زنگ خطر سقوط حتمی هلمند از دست نیروهای بزدل حکومت، و فتح آن توسط مجاهدین امارت اسلامی حتمی است؛ اما بی خردان ارگ یا خبر نمی شوند و در ارگ گلخانه مشغول عیش و نوش، دختربازی و عیاشی گری خودشان است و یا اگر خبر می شوند بجای شنیدن خبرها از صحنه های عملی جنگ، از دهان دولت وزیری که او خود نیز در کابل در جای نرم و راحت لمبیده می شنوند که برای شان اخبار خوش گزارش می کند که بیغم باشند هیچ گپ نیست هلمند امن و امان است و طالبان هیچ پیشرفتی ندارند؛ چیزیکه حتی امثال بی بی سی را به شک و تردید انداخته و دیگر چندان به تایید و تکذیب اخبار توسط سخنگوی وزارت نام نهاد دفاع توجه نکرده و راپورهای مستقل مبنی بر سقوط قریب الوقوع هلمند از دست حکومت و فتح آن توسط طالبان گزارش می کند.

به هرحال آنچه عیان است این است که از هلمند شیرصفتان و مبارزان راه حق خبرهای خوش خوش به گوش رسیده و بوی خوش فتوحات بزرگ از همین اکنون استشمام می شود؛ دشمن هر چه می گوید بگوید ولی حقیقت بر کسی پوشیده نیست و خود شاهد حال است که پیروزی با کدام گروه است با مجاهدین که عزت اسلام و استقلال سرزمین اسلامی شان را می خواهند و یا با اجیران کفر و دست پروده های اشغالگران، که بخاطر هیچ و پوچ و فقط بخاطر برآورده شدن آرمان شوم اشغالگران، و تداوم قدرت پوشالی عین و غین، جان های شیرین خود را در راه باطل از دست می دهند و خودشان را به ناحق در طریق ضلالت و گمراهی تباه و برباد می سازند؟

کاش آن جوانانیکه فکر می کنند عزت شان در کنار امریکا و در خدمت به اشغالگران حفظ می شود و یا گمان می کنند زیر فرمان رهبران واقعی و شجاع، قدرشناس و لایق مبارزه می کنند و خودشان را به کشتن می دهند و در راه باطل، دنیا و آخرت شان را خراب و برباد می سازند؛ لحظه ای قبل از آنکه دست به ماشهٔ تفنگ برده و از آرمان های امریکا قصد دفاع را می کنند، دست به جیب تفکر برده و وجدان شان را مخاطب می ساختند که واقعا در چه گروهی و بخاطر چی دنیا و آخرت شان را تباه می سازند بخاطر امریکا و دالرهایش؟؟؟

بخاطر اشرف و عبدالله که در شب کشتار آنها توسط شیرمردان مجاهدین، آنها مصروف عیش و عشرت اند؟!؟

بخاطر دفاع از خاک که زیر پای متجاوزین خارجی است؟!

بخاطر دفاع از ناموس، که توسط اشرف و بادارانش بی عفتی می شود؟

بخاطر ...

حیف است بخدا، و آگاه باشند که امارت اسلامی خانهٔ اول و آخرشان است به جای جنگیدن با سربازان سر به کف آن، بیایند به آغوش گرم و پر محبت امارت اسلامی و با همراه شدن با این جماعت و این صف برحق، گذشته های تلخ و تاریک و از دست رفتهٔ خود را به خوبی و خوشی، با عزت و قهرمانی در کنار مجاهدین مبارز جبران کنند!؟!

امارت اسلامی

و

رهبری جدید

بقلم

موسی مهاجر

امریکا در پی بی ثبات کردن متداوم افغانستان است، و هر کسی می فهمد (که امریکا) هیچ تمایلی برای صلح در افغانستان ندارد، از همین علت آنها در این کشور علاوه بر ده ها تنظیم سیاسی متعدد، تنظیمهای مسلح را ایجاد کرده است، و رژیم کابل را به بنیاد سمت و لسان در بین دو رهبر تقسیم کرده است، مگر امریکایی ها به این معتقد اند، که در این طرح خود تا آن وقت موفق نمیشوند تا که دربین طالبان تفرقه نیاندازند و دربین آنها گروه ها را ایجاد نکنند، که هم انتقام از طالبان را بگیرند و هم جلو رسیدن به قدرت آنها را گرفته و هم برای بی ثبات کردن متداوم افغانستان زمینه سازی کنند.

رئس جمهور امریکا بارک اوباما در حین سفرش به ویتنام در بارۀ شهادت امیر المومنین ملا اخترمحمد منصور رحمه الله گفت که این حمله برای آوردن صلح یک اقدام بود و از این حمله بوسیله فشار برای آوردن طالبان به میز مذاکرات صلح استفاده شود، مگر همچون نیست چرا که این طور صلح که موافق شرائط امریکا باشد هیچ فرد امارت اسلامی از اعلی گرفته تا ادنی آن را نمیخواهند و شهادت رهبران هیچ وقت امارت اسلامي را مجبور به ترک کردن آزادی و مسیر خود نمی کند؛ زیرا امارت اسلامی خانه شهداء است بسیاری از رهبران برجسته و سرکرده اش شهید شده اما از موقف خود به اندازۀ یک ذره تنزل نکرده و نه هم باید از آن این توقع شود.

و دیگر این استلال اوباما غیر منطقی است زیرا به شهادت منصور رحمه الله در مجاهدین جذبۀ ایثار وقربانی جدیدپیدا شده است این واقعه اگرچه مجاهدین و مسلمانان را رنج داد اما روحیۀ آنها را تضعیف نکرده است و این حمله بجای صلح، باعث حملات شدید علیه دشمن خواهد شد.

هدف از شهادت امیرالمومنین منصور رحمه الله آوردن صلح نیست بلکه دشمن میخواست که در صفوف طالبان اختلاف پیدا و امارت اسلامی را به گروه های متفرق تقسیم کند و دشمن پس از وفات امیرالمومنین ملامحمد عمر رحمه الله این سعی را سریع تر کرد و صدها میلیون دالر را برای این مصرف کرد اما هیچ وقت دشمن در این کار موفق نخواهد شد زیرا طالبان یک گروه فکری است و این جلو تقسیم در بین طالبان را می گیرد علاوه بر این هدف از قیام طالبان پایان دادن به گروه ها در کشور بود که آنها در این هدف موفق هم شدند بنابر این در بین امارت اسلامي فکر گروه ها وجود ندارد و همچنان امارت اسلامی در تمام امور وابستگی به شریعت دارد و شریعت از ایجاد گروه ها ممانعت کرده است.

همچنین ساختار امارت اسلامي به شکلی است که هر کس خلع قدرت شده یا از امارت اسلامی بیرون رانده شده و یا خانه نشین شده همه حیثیت و محبوبیت اش را از دست داده است همچنین ما دیده ایم که یک کس از امارت اسلامي اخراج شده باشد و باز آنها کوشش گروه جدید کرده است دو کس هم از صفوف امارت اسلامی به آنها یک جای نشده است علاوه بر همه، شهید امیرالمومنین منصور رحمه الله تهداب امارت اسلامي را به گونه ای قوی و محکم کرد که امکان پاره شدن این تحریک را از بین برد و به هیچ کس فرصت نداد که در میان آن تفرقه بیاورد و یا در آینده جرأت آن کند.

شورای رهبری امارت اسلامی توانست که برخلاف توقعات دشمن در کوتاه مدت امیر جدید را تعین، و به جهان روشن کرد که امارت اسلامی رهبران خود را زود انتخاب می کند و در این مورد به هیچ مشکل مواجه نمیشود شورای عالی برای این وظیفه سنگین شیخ التفسیر و الحدیث هبة الله آخندزاده حفظه الله را انتخاب کرد که به هر لحاظ برای این کار مناسب بود شیخ صاحب یکی از علماء برجستۀ کشور است که شیخ قرآن کریم و احادیث نبوی است و فقیه فقه حنفی است دارای بصیرت عمیق سیاسی و تجربه نظامی است در زمان اشغال روس یک سوار برجسته میدان جنگ بود نشیب وفراز در مرحلۀ جهاد او را از تجربۀ پخته برخوردار کرده و انجام وظائف مهم در دوران امارت اسلامي و در جریان جهاد ضد اشغالگران صلیبی او را تجربه رهبری خوب نصیب کرده است.

آن غم و رنج که به شهادت امیرالمومنین منصور رحمه الله به مسلمانان و مجاهدین رسید به انتخاب شیخ هبة الله صاحب بسیار سبک شد و هم زمان به تعیین شیخ صاحب منحیث زعیم، همه کمیسیون ها و والیان وفرماندهان جهادی و مجاهدین و مسلمانان بی چون و چرا و با اخلاص بیعت نمودند این بیعت ها طاغوت و شیطانان انسی را نا امید کرد که در صف امارت اسلامي اختلافات ایجاد کنند.



ولایت اروزگان از جمله ولایات مرکزی افغانستان است که در شرق آن غزنی و بخشی از زابل و در شمال آن ولایت دایکندی در غرب آن ولایت هلمند و در جنوب آن ولایات قندهار و زابل موقعیت دارند.

مرکز ولایت اروزگان شهر ترینکوت است، مساحت این ولایت ۱۲۶۴۰ کیلومتر مربع است و نفوس آن حدود چهارصد هزار تن است.

چندی قبل در شمال این ولایت ولسوالی های هزاره نشین نیز مربوط ولایت اروزگان شمرده میشدند، اما با آمدن حکومت کرزی این مناطق بنام دایکندی مسمی و ولایت جداگانه معرفی گردید. علاوه بر مرکز اروزگان ولسوالی های دهراوود، چهارچینو، چوره، خارخوردی و چنارتو هستند. اینبار مصاحبه ای را با مسئول جهادی ولایت اروزگان حاجی امین الله یوسف صاحب انجام داده ایم که توجهء شما خوانندگان محترم را به آن جلب میداریم.

مصاحبه با ملا امین الله یوسف مسئول جهادی ولایت اروزگان

سوال:

محترم والي صاحب در شروع برایتان خوش آمدید گفته اگر در قدم نخست در مورد اهمیت استراتژیک ولایت اروزگان به خوانندگان ما معلومات بدهید؟

جواب:

ولایت اروزگان از جملهء ولایات مرکزی افغانستان است، علی الرغم اینکه از نگاه تقسیمات اداری مربوط حوزهء جنوب غرب است اما در قلب افغانستان موقعیت دارد و نقطهء الحاق بین بسیاری از ولایات شمرده میشود.

ساختار این ولایت کوهستانی است، کوه های بلند و مرتفع، دره های وسیع و طولانی و رودهای جاری دارد، که این خصوصیات در زمان جهاد قبلی بر ضد اتحاد شوروی نیز اهمیت بزرگی به این منطقه داده بود و این منطقه یک سنگر بسیار قوی مجاهدین بود و اکنون نیز دشمن متوجهء این نقطه است و فکر می کند که این منطقه اگر بدست مجاهدین بیفتند، بازپس گرفتن آن کار بسیار سختی خواهد بود.

سوال:

در سالهای پیشین اشغال وضعیت این ولایت چگونه بود؟

جواب:

همانگونه که قبلاً نیز گفتم در جهاد جاری بر ضد آمریکا و اشغالگران اجنبی، دشمن همیشه متوجهء ولایت اروزگان بوده و از اینرو در ساحات و مناطق مختلف این ولایت نیروهای اشغالگر آمریکایی، استرالیایی و هالندی قرارگاه ها و بیس های فراوانی ایجاد کرده بودند، اما بر خلاف انها همیشه حملات جهادی جریان داشت که دشمن بارها متحمل تلفات سنگین گردید.

بعد از سال 2009 هنگامیکه قدرت و توامندی مجاهدین در ولایت اروزگان افزایش یافت و بسیاری از مناطق اطرافی به کنترول مجاهدین در آمد، اشغالگران نیروهای اضافی به این ولایت گسیل داشتند و در قریه قریهء این ولایت قرارگاه ایجاد و پروسهء اربکی سازی را ایجاد کردند که در نتیجه بسیار مناطق اطرافی بدست ملیشه های دشمن و اربکی ها افتاد و دوران ظلم ، وحشت و دهشت، دزدی و چور و چپاول بر ملت مظلوم آغاز گردید که یک دوران تاریک بر ملت بود.

اما دشمن با همهء این تلاش ها و متوسل شدن به دسیسه های مختلف ، مجاهدین نیز آرام ننشستند، حملات دومدار، کوبنده و مرگبار بر دشمن انجام دادند و این حملات در تمام ولسوالی ها جریان داشت که بلاخره نیروهای اشغالگر خارجی خصوصاً نظامیان استرالیایی و هالندی مجبور شدند که از این ولایت فرار کنند که متعاقب آن آمریکایی ها نیز از میدان جنگ فرار کرده و قرارگاه ها و بیس های خود را به اربکی ها، پولیس و اردوی اجیر گذاشتند.

سوال:

گفته میشود که در جریان عملیات عزم سال گذشته بسیاری از مناطق از دشمن تصفیه گردید، اگر در این مورد جزئیات را با خوانندگان ما شریک سازید؟

جواب:

سال گذشته همانطور که در تمام مناطق افغانستان سال فتوحات و کامیابی بود در ولایت ارزگان نیز مجاهدین به نصرت الله متعال توانستند، بسیاری از مناطق را از وجود دشمن



تصفیه کنند، همانگونه که قبلا نیز متذکر شدم ، آمریکایی ها با اجرای پروسهء اربکی سازی بسیاری از مناطق را در اختیار ملیشه های خودسر اربکی قرار دادند، اما در جریان سال گذشته مجاهدین تمامی مناطق اطرافی ، قریه ها و ساحات ولسوالی ها بغیر از مراکز ولسوالی ها را از وجود دشمن پاکسازی و تصفیه کردند.

مثلاً تمام مناطق مربوط ولسوالی خاص اروزگان از جمله شالی ناوه، سلطان محمد ناوه و دیگر مناطق را مجاهدین تصرف کرده و تنها مرکز ولسوالی باقی مانده که آنهم تحت محاصره قرار دارد، منطقهء چهارچینو که حالا به دو ولسوالی تقسیم شده است، یکی ولسوالی خارخوردی است و دیگری ولسوالی شهید حساس است.

ولسوالی خارخوردی بطور کامل فتح گردیده است و در بخش باقی مانده تنها بازار کوچک هوشی باقی مانده است که تحت حملات کوبنده قرار دارد. ولسوالی دهراوود که از مرکز ولایت اروزگان برای حکومت دست نشانده مهم تر است، و به حفظ ونگه داشت آن بسیار متوجه است، مجاهدین مناطق ورجان، شورجی، سنگ لاخ، دهزک، سیاسنگ، کور، شنغولی و غاری فتح گردیده و تا تنگی رسیده اند، در اینجا نیز دشمن در مرکز ولسوالي محصور مانده است، که یکبار از مرکز ولایت قوتهای دشمن آمدند که شکست خورده و عقب رفتند و بار دیگر نیز از قندهار نیروهای خاص و قوماندویی آمدند که جنگ شدید صورت گرفت و شکست خورده، فرار کردند.

در ولسوالی های چوره و چنارتو نیز بسیاری مناطق تحت کنترول مجاهدین در آمده است و در ساحات و مناطق درویشان، میرآباد و پای ناوه از مربوطات مرکز ترین کوت نیز پیشرفت هایی داشته ایم.

سوال:

محترم والي صاحب اگر درمورد جزئیات مهم جهادی عملیات عزم سال گذشته معلومات بدهید؟

جواب:

تشکر، در اینجا من به بعضی از حوادث بزرگ عملیات سال گذشته در طول سال گذشته در ولایت اروزگان انجام شده است به عنوان نمونه اکتفا می کنم که بعضاً رسانه ها نیز انعکاس داده اند.

بتاریخ ۲۶ آپریل سال ۲۰۱۵ میلادی سرپرست قومندان امنیه اروزگان سمونوال گلاب خان در حملهء مجاهدین از بین رفت، بتاریخ ۲۲ می مجاهدین ده (۱۰) پوسته را در ولسوالی خاص اروزگان و ۴۰ عسکر تسلیم شدند. در ولسوالی های چهارچینو و دهراوود نیز حملات کامیاب صورت گرفت، بتاریخ 23 همین ماه نیز اسماعیل قومندان امنیهء چهارچینو در انفجار ماین جاسازی شده به هلاکت رسید. بتاریخ ۲۷ می سی و هفت (۳۷) تن اربکی و پولیس به مجاهدین تسلیم شدند. در شروع ماه جولای مجاهدین حملات وسیعی بر پوسته های اردو، پولیس و اربکی در مناطق زمبوری، هوشی و ریگکی ولسوالی چهار چینو انجام دادند و بسیاری مناطق را از وجود دشمن پاک و تصفیه کردند. بتاریخ ۱۷ جولای قومندان امنیهء دهراوود و تفنگسالار ظالم و مشهور حاجی طالب و معاونش جان آغا نانی همراه با چهار محافظش یکجا در حملهء مجاهدین به قتل رسیدند.

در شروع ماه آگست مجاهدین در منطقهء سلطان محمد ناوه در ولسوالی خاص اروزگان پیشروی های قدم به قدم داشته و مناطق زیادی را تصرف کردند، همچنین بتاریخ 23 همین ماه این منطقهء وسیع بطور کامل فتح گردیده و دها عسکر دشمن کشته و عده ای نیز تسلیم و مابقی فرار کردند.

علاوتاً در شروع سال ۲۰۱۶ میلادی در ولسوالی های چهارچینو و دهراوود عملیات وسیعی را انجام دادیم که در نتیجه در دهراوود چهار پوسته فتح گردید و این پیشروی ها در دهراوود تا نزدیک مرکز ولسوالی ادامه داشت.

در اول ماه مارچ مجاهدین ولسوالی خارخوردی را بطور کامل فتح کردند و همچنین منطقهء سراب نیز از وجود دشمن تصفیه گردید، علاوتاً بتاریخ 11 ماه مارچ در ولسوالی خاص اروزگان بتعداد 60 تن از عساکر دشمن به مجاهدین تسلیم شدند. در اواخر ماه مارچ نیز در ولسوالی چهار چینو یکبار دیگر جنگ آغاز گردید که تا هم اکنون جریان دارد و در این مدت مجاهدین توانسته اند بیش از ده (10) پوستهء دشمن را تصرف کرده و حلقهء محاصره بر دشمن را تنگ و تنگتر کرده اند.

سوال:

اگر مجاهدین مراکز ولسوالی های اروزگان را فتح کنند، تاثیر آن بر وضعیت عمومی جنگ چه خواهد بود؟

جواب:

اگر به فضل و نصرت خداوند متعال و همانگونه که ما نیز امیدواریم، اگر مجاهدین مراکز ولسوالی ها را فتح کنند که اکنون ما نیز چنین پلانی را روی دست داریم، در آنصورت دشمن به هیچ صورت نمیتواند در مرکز ولایت مقاومت کند و اگر مرکز ولایت فتح گردد، این یک ضربهء سنگین و شکننده بر دشمن خواهد بود. زیرا همانطور که شما نیز معلومات دارید در همسایگی اروزگان یعنی در ولایت هلمند نیز سلسلهء فتوحات ادامه دارد و در ولایات زابل و قندهار نیز مجاهدین پیشرفت هایی داشته اند، ولایت اروزگان چنین منطقه ای نیست که دشمن بتواند برای بار دوم با استفاده از زور آنرا بازپس بگیرد، زیرا در اینجا تمام مردم و ملت مجاهد هستند و از جانب دیگر اکنون آن سالهای نخست اشغال نیست که مردم از تبلیغات آمریکایی ها بترسند و یا فریب آنرا بخورند.

سوال:

آیا در ولایت اروزگان بغیر از امارت اسلامی کدام گروه دیگری که معارض با امارت اسلامی باشد و در مقابل عملیاتش مانع باشد وجود دارد؟

جواب:

لله الحمد تمام مجاهدین ولایت اروزگان افراد امارت اسلامی هستند و در بیعت یک زعیم "ملا اختر محمد منصور حفظه الله" هستند، و زیر یک بیرغ جهاد می کنند، در ولایت اروزگان نیز بمانند دیگر ولایات کشور در این مورد هیچنوع مشکل و مانعی وجود ندارد بلکه اگر بگوییم در سطح افغانستان در این ولایت اصلاً چنین چیزی وجود ندارد، در 34 ولایات افغانستان تنها در دو ولایت چنین افراد وجود دارند که از چوکات امارت اسلامی خود را بیرون میدانند و در 32 ولایت دیگر به هیچ وجه چنین مشکلی وجود ندارد. اما امارت اسلامی به حل چنین مسائلی نیز متوجه است.

سوال:

محترم والی صاحب ! اینکه برایمان وخت دادید و برای مصاحبه حاضر شدید از شما تشکری می کنم، اگر در پایان کلام کدام پیام و سخنی داشته باشید میتوانید با خوانندگان ما شریک سازید؟

جواب:

پیام من به مجاهدین اینست که اینست یکبار دیگر سال جدید عملیاتی آغاز گردید و ما در شروع عملیات قرار داریم، مجاهدین باید در قدم نخست نیت های خود را اصلاح کرده و خاص لله فی الله کنند، در قدم دوم خودشان را اصلاح کنند، و پس از آن متوجهء اعادهء نظام اسلامی، محو کفر و فساد باشند و توجهء مجاهدین باید فقط به امورات جهادی باشد. باید خود را از تبلیغات دشمن، وسوسه ها و نیرنگ های آنان بدور نگه دارند و بهترین راه برای نگه داری خود از دسیسه ها و نیرنگ های دشمنان ، توجهء کامل و همه جانبه به جهاد و امورات جهادی است.

ما از دربار الله متعال امید داریم و متیقین هستیم که دروازه های نصرت الهی بر روی مجاهدین باز است، اکنون خبرهای فتح و پیروزی از هر گوشهء کشور بگوش میرسد، باید همه با این کاروان یکجا گردیده و بر ضد دشمنان دین و وطن حملات قوی و شکننده ای انجام دهیم و تمام تلاش خود برای اعادهء نظام اسلامی را انجام دهیم.

ان شاء الله آنروز بسیار نزدیک خواهد بود که یکبار دیگر کفر شکسته و شرمنده وزبون گردد و در کشور عزیز بیرغ سفید نظام اسلامی به اهتزاز درآید.

و ماذالک علی الله بعزیز



در ماه‌های اپریل- می ۲۰۱۲میلادی

آپریل

بتاریخ چهارم آپریل سال 2016 میلادی، عساکر داخلی در قریهء پسینه ولسوالی شلگر ولایت غزنی یک فرد ملکی بنام یوسف را در خانه اش به شهادت رساندند.

بتاریخ پنجم آپریل آژانس اسلامی افغان خبر داد که مروت قومندان نیروهای خاص در هنگام حمله و یورش بر یک خانه در قریهء یلگی منطقهء متون در نزدیکی شهر خوست دو زن را به شهادت رسانده و دو زن و یک مرد را زخمی کرد، قاتل (مروت) قومندان آن دسته از ملیشه هایی است که بنام نیروی کمپاین شهرت دارد، این ملیشه ها از جانب اشغالگران ایجاد شده و از سوی آنان تمویل میشوند. قابل یادآوری است که فیض الله عبرت قومندان امنیهء خوست نیز رویداد مذکور را تائید کرده است.

بتاریخ هفتم آپریل نیروهای اشغالگر در حملهء طیارهء بی پیلوت در ولسوالی گومل ولایت پکتیکا یک متنفذ قومی را همراه با 19 تن از هموطنان ملکی به شهادت رساند، براساس گفته های مردمان محل افراد مذکور در سه موتر سوار بودند که برای حل خصومت بین دو قوم و میانجیگری آنها می رفتند که شکار حملهء اشغالگران قرار گرفتند.

بتاریخ هفتم آپریل در نزدیکی مارکیت ولسوالی پچیراگام ولایت ننگرهار اشغالگران بر موتر ملکی حمله کردند که در نتیجه یک عالم دین مولوی عبدالسلام و پیر قمر الدین به شهادت رسیده و سه فرد دیگر زخمی شدند.

بتاریخ نهم آپریل عساکر داخلی در منطقهء کته خیل از مربوطات مرکز ولایت قندوز بر منازل مسکونی چاپه زده و در هنگام تلاشی منازل ، پول نقد و اموال قیمتی را دزدیده و 10 تن از افراد ملکی را نیز دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ دوازدهم آپریل در منطقهء بسرام از مربوطات شهر مهترلام مرکز ولایت لغمان در نتیجهء فیر و انداخت های هاوان که بر یک مکتب در آن نزدیکی اصابت کرده است، دو متعلم مکتب شهید و سه تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ دوازدهم آپریل عساکر اسپیشل فورس داخلی در منطقهء ساگی ولسوالی خاکریز ولایت قندهار چاپه انداخته و ملا امام منطقه را شهید و 12 تن دیگر از اهالی منطقه را دستگیر و زندانی ساختند.

بتاریخ سیزدهم آپریل ملیشه های اربکی در منطقهء قطربلاق ولسوالی امام صاحب ولایت قندوز یک موتر سراچه را هدف قرار داده و دو تن از سرنشینان آنرا شهید و 4 تن دیگر را زخمی ساختند.

بتاریخ سیزدهم آپریل اشغالگران خارجی به همکاری نیروهای داخلی در منطقهء حیدرآباد ولسوالی گرشک ولایت هلمند 16 تن از هموطنان ملکی را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ چهاردهم آپریل عساکر پوستهء سینگ در شهر قلات مرکز ولایت زابل یک فرد ملکی بنام عبدالغنی را دستگیر به پوسته برده و در بعداً در نزدیکی پوستهء شان به شهادت رساندند.

بتاریخ شانزدهم آپریل نیروهای اشغالگر با همکاری اجیران داخلی در سلسلهء عملیات شبانه در مربوطات ولسوالی خروار ولایت لوگر 10 تن افراد ملکی را شهید کرده و دو تن دیگر را دستگیر و با خود بردند.

براساس گفته های شاهدان عینی نظامیان اشغالگر و اجیران داخلی آنان در یک خانه 7 تن از افراد یک خانواده بشمول زنان و کودکان را تیرباران کردند، همچنین در جریان این عملیات اشغالگران خارجی و اجیران داخلی سه تن دیگر را در در دو خانوادهء همجوار به شهادت رسانده اند.

بتاریخ شانزدهم آپریل ملیشه های وحشی اربکی ها در انتقام هلاکت قوماندان خود یک کودک دوازده ساله بنام ناصر جان را در منطقهء گرانی ولسوالی بالابلوک ولایت فراه به شهادت رساندند.

بتاریخ هفدهم آپریل در جریان عملیات و یورش های شبانه در مناطق ویانی و لندی کاریز ولسوالی شاه ولیکوت ولایت قندهار بر خانه های مردم چاپه زده و وسایط نقلیهء مردم را سوزانده و دو تن از افراد ملکی را دستگیر کرده و زندانی نمودند.

بتاریخ بیستم آپریل در ولسوالی دشت ارچی ولایت قندوز عساکر داخلی در حمله و فیرهای توپخانه ای که بر مناطق مسکونی در منطقه اصابت کرده بود، دو زن شهید گردیده و شش تن دیگر بشمول زنان و کودکان به شهادت رسیده اند.

بتاریخ بیستم آپریل در جریان بمباران مناطق مسکونی و حملات توپخانه ای از سوی نیروهای داخلی بر مرکز ولسوالی یمگان ولایت بدخشان انجام دادند که منجر به تخریب چهار حولی و شهادت یک زن و دو کودک شده اند و دو زن زخمی شده اند.

بتاریخ بیستم آپریل در منطقهء نهر صوفی ولسوالی چهاردرهء ولایت قندوز در حملات توپخانه ای عساکر داخلی یک فرد ملکی به شهادت رسیده و یکتن دیگر زخمی گردیده است.

بتاریخ بیستم آپریل عساکر داخلی بر ساحات مسکونی در قلعهء جر ولسوالی گرزیوان ولایت فاریاب حملات توپ دیسی انجام داده اند که منجر به شهادت یک کودک ده ساله گردید.

بتاریخ بیست و یکم آپریل عساکر داخلی در قریهء نور ولسوالی صبری ولایت خوست در جریان عملیات و یورش های شبانه 3 تن از اعضای یک خانواده شهید گردیده و یک دختر زخمی گردید، همچنین عساکر داخلی در این عملیات 8 تن دیگر را دستگیر و زندانی کردند، این رویداد تلفات ملکی را نیز آغان جان ولسوالی صبری نیز تائید کرده است.

بتاریخ بیست و دوم آپریل در ولسوالی های آقچه و مردیان ولایت جوزجان تفنگ سالاران جنرال دوستم درهنگام تلاشی خانه های مردم اجناس قیمتی و زیورات را دزدیده و مردم را لت و کوب و شکنجه کرده اند، که دستان یه کودک نیز شکسته شده است علاوتاً آنان 5 تن از باشندگان ملکی را دستگیر و با خود برده اند.

بتاریخ بیست و چهارم آپریل اربکی ها در ولسوالی سید کرم ولایت پکتیا یک معلم بنام خیالی مرجان را در مکتب مسک کاریز به شهادت رساندند.

بتاریخ بیست و نهم آپریل در قریهء ضابط ولسوالی گیلان ولایت غزنی ملیشه های اربکی یک موی سفید شصت ساله بنام محب الله را به شهادت رساندند.

بتاریخ سی ام آپریل سخنگوی ولایت هلمند "عمر زواک" به رسانه ها گفت که در جنوب هلمند در حملات موشکی نیروهای امنیتی دو کودک شهید شدند.

جنایات جنگی (مئ)

بتاریخ نخست ماه می سال 2016 میلادی در منطقهء دوکان آدم خان ولسوالی خان آباد ولایت قندوز عساکر داخلی به همکاری نظامیان آمریکایی در جریان عملیات شبانه بر منازل مسکونی مردمان ملکی چاپه زدند و در جریان تلاشی منازل اجناس قیمتی و پول نقد را غارت کرده و علاوه بر شکنجه و لت و کوب مردم ، 8 تن را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ سوم ماه می در منطقهء شنگ ولسوالی واشیر ولایت هلمند عساکر داخلی موترسایکل های عساکر داخلی را سوزانده و پول نقد را از آنان گرفتند، آنها همچنین دو فرد ملکی را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ سوم می در منطقهء زیر کوه ولسوالی شیندند ولایت هرات در نتیجهء حملات ثقیلهء عساکر داخلی یو کودک شهید و 5 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 4 ماه می در جریان حملات و فیرهای هاوان عساکر داخلی بر منطقهء تازی در ولسوالی شاجوی ولایت زابل سه کودک خردسال به شهادت رسیده و یکتن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 5 ماه می عساکر داخلی بر منطقهء دب خور ولسوالی میوند ولایت قندهار بر ساحات مسکونی حملات توپخانه ای انجام دادند که منجر به شهادت یک خانم و دو کودک گردید.

بتاریخ 6 می در منطقهء کلانچه ولسوالی میوند ولایت قندهار تجاوزگران در حملهء درون دو فرد ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ 8 می در منطقهء منگ تیپه ولسوالی چهاردره ولسوالی قندوز نظامیان اشغالگر به همکاری عساکر داخلی در هنگام یورش و چاپه بر خانه های مردمان ملکی علاوه بر تلاشی و شکنجه باشندگان یو موی سفید را در بستر خواب به شهادت رساندند.

بتاریخ 9 ماه می عساکر اشغالگر و نیروهای داخلی در منطقهء کشته دهزک ولسوالی دهراوود ولایت اروزگان در جریان عملیات شپانه یک زن زخمی و 5 تن از باشندگان منطقه را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 11 می در منطقهء ناصرو ولسوالی خاکریز ولایت قندهار عساکر داخلی بر منطقه چاپه زدند که در هنگام چاپه یک مسجد را منفجر کرده و 6 تن از باشندگان منطقه را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ 12 می در قریهء خانجانخیل منطقهء خسرو ولسوالی نرخ ولایت میدان وردگ در حملات توپخانه ای عساکر داخلی 3 کودک به شهادت رسیده و 4 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 13 می عساکر داخلی در مربوطات ولسوالی شینکوت ولایت غور منازل مسکونی را بمباران کردند که منجر به تخریب دو منزل گردید که در نتیجه دو زن و یک مرد به شهادت رسیده و چندین تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ 14 می در قریهء باغکی منطقهء السنگ ولسوالی چک ولایت میدان وردک در نتیجهء انداخت های هاوان عساکر داخلی دو زن شهید شدند.

بتاریخ 16 می عساکر داخلی در قریهء کرچی ولسوالی بگرامی ولایت میدان وردک در هنگام چاپه یک فرد ملکی بنام شیرمحمد را از خانه اش بیرون کرده و به شهادت رساندند و سه فرزند او یک موی سفید دیگر را دستگیر و زندانی کردند. همچنین عساکر در قریهء عبدی بای مربوط مرکز چاریکار یک کودک را دستگیر و زندانی کردند و در منطقهء خلا زی نیز 7 تن از مردمان ملکی را دستگیر کردند.

بتاریخ 16 می در منطقهء یخچال نهرسراج ولسوالی گرشک ولایت هلمند نیروهای اشغالگر به همکاری عساکر داخلی بر خانه های مردم در منطقه چاپه زدند ، موترهای مردم را سوزانده و هفت تن را زندانی کردند.

بتاریخ شانزدهم می در منطقهء سپنده از مربوطات مرکز ولایت غزنی در جریان فیرهای سلاح ثقیلهء عساکر داخلی که بر ساحات مسکونی اصابت کرده است یک زن شهید و یک کودک زخمی شده است.

بتاریخ 17 می نظامیان اشغالگر و اجیران داخلی در منطقهء عمر خیل ولسوالی علی آباد ولایت قندوز بر مناطق مسکونی چاپه زدند که در جریان تلاشی خانه ها اموال مردم را غارت و تعدادی را شکنجه کرده و عده ای را نیز با خود بردند.

بتاریخ 18 می در نتیجهء حملهء طیارهء بدون پیلوت اشغالگران مولوی فیض الرحمن ملا امام مسجد قریهء محمد غوث ولسوالی آب بند ولایت غزنی به شهادت رسید.

بتاریخ هجدهم ماه می عساکر داخلی در منطقهء امر خیل دندغوری در ولسوالی پلخمری ولایت بغلان بر خانه های مردمان ملکی چاپه زدند که بعد از تلاشی و لت و کوب مردم 4 فرد ملکی را به شهادت رساندند.

بتاریخ 19 می در منطقهء چور چهارراهی ولسوالی مارجه ولایت هلمند اشغالگران خارجی به همکاری اجیران داخلی بر خانه های مردم یورش بردند که بعد از تلاشی ملا امام مسجد را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ 20 می عساکر اشغالگر و نیروهای داخلی در منطقهء لورکاریز ولسوالی واشیر ولایت هلمند مردم را بازداشت و شکنجه کردند و 4 تن را با خود بردند.

بتاریخ بیستم ماه می در منطقهء بلاک اچکزوی ولسوالی مارجه ولایت هلمند در انداخت های سلاح ثقیلهء عساکر داخلی سه کودک خردسال به شهادت رسیدند.

بتاریخ بیستم ماه می در فیرهای توپچی عساکر داخلی در منطقهء زرتالی ولسوالی دهراوود ولایت اروزگان دو خانه تخریب گردید و زیان های مالی به مردم وارد شده و یک فرد ملکی بنام محمد نعیم نیز به شهادت رسید.

بتاریخ 22 می در مربوطات ولسوالی نورگرام ولایت نورستان در نتیجهء فیر و انداخت های هاوان عساکر داخلی که بر ساحهء مسکونی در منطقه اصابت کرد دو زن و دو کودک زخمی شدند.

بتاریخ 23 می ملیشه های خودسر اربکی در نزدیکی قریهء درهء افغانیه چهار قلعه ولسوالی نجربات ولایت کاپیسا بر موتر مسافران ملکی فیر کردند که در نتیجه موتروان شهید و سه مسافر ملکی زخمی شدند.

بتاریخ 25 می در ساحهء کاریز ختیز چنارتو ولسوالی شاه ولیکوت ولایت قندهار نظامیان اشغالگر به همکاری عساکر داخلی بر خانه های مردم چاپه زدند ، موتر و موترسایکل های مردم را سوزانده و یک فرد ملکی را شهید و دو تن دیگر را زخمی کردند.

بتاریخ 26 می در مربوطات ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار عساکر داخلی فیرهای هوایی کردند که منجر به زخمی شدند 3 زن و 2 کودک گردید.

بتاریخ 28 می در منطقهء تریلی ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار اشغالگران خارجی و عساکر داخلی در عملیاتی مشترک بر خانه های مردم چاپه زدند که در نتیجه دو تن را دستگیر کرده و با خود بردند و یکتن را زخمی کردند.

بتاریخ 30 می در جریان فیر و انداخت های هاوان از سوی عساکر داخلی بر قریه های خزانه دار خیل، کریم قلعه، سیدان و کدی در ولسوالی خوگیانی ولایت غزنی که منجر به زیان مالی به باشندگان منطقه گردید، علاوتا در این حملات 2 زن شهید و دو زن و یک کودک زخمی گردیدند.

بتاریخ 31 می در منطقهء حسن زوی ولسوالی شاولیکوت ولایت قندهار نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی مشترکا بر منطقه چاپه زدند که علاوه بر حریق موتر و موترسایکل های مردم ، 6 تن از باشندگان منطقه را دستگیر و با خود بردند.

مردی که امارت را همچو سلف اش نگهداشت!

انجنیر محمد نذیر تنویر / هالیند

بمناسبت شهادت امیرالمؤمنین ملا اخترمحمد منصور

در شرایط افغانستان، رهبران عموماً نقش کلیدی داشته اند، تاجائیکه در عدم موجودیت شان؛ امور کشوری و تنظیمی را، دستخوش انواع بحران گردانیده و روش کاری ایشان را زیر سوال برده است. حتی در جریان های غیر اسلامی، این عدم موجودیت رهبران، باعث بطلان خط فکری ایشان نیز گشته؛ که احیاناً برای حضور سیاسی دوباره، لباس عوض نموده و در عدم هویت ضمیر اصلی شان، در صحنه حضور یافته اند، که مصداق این سخن در جریان های کمونیستی و سیکولار به وضاحت مشهود است.

اما در اسلام؛ در حالی که »رهبران رسالتمند «و افراد نخبه، نقش مؤثر در پیشبرد امور را داشته اند، مگر هیچگاه مسیر »خط فکری «را تحت شعاع قرار نداده اند. و اگر چنین اتفاقی نیز رخ داده باشد، نقص در رهبران بوده، که از مسیر »اسلام اصیل «عدول نموده اند. ایشان خود و مقلدین شان را در تاریکی های گمراهی زیر واژه اسلامی مسیر داده و فقط با شعارها و القاب بزرگ اکتفا ورزیده اند که در عدم موجودیت رهبر؛ احزاب شان یا ازهم پاشیده و یا در وابستگی حل گشته اند.

بلی! خالق هستی برای بندگانش می آموزد که افراد می آیند و می روند، اما »شریعت الهی «ماندگار است، ولو این فرد الگوی بشریت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم باشد:

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿الانبیاء:٣٤﴾

(ای محمد!) و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم؛ پس آیا اگر تو بمیری آنان جاویدان خواهند ماند؟!

اینجاست که الله(ج) مقام و منزلت محمد صلی الله علیه وسلم را نسبت به تمامی بشریت مشخص ساخته و وی را در مثال می گنجاند، که اگر وی بمیرد، دیگران چگونه جاودانه خواهند ماند؟ و در ضمن این دستور الهی صریحاً خط بطلان بر اندیشه های یهود و نصارا و ... (نسبت به حیات عزیر(ع)، عیسی(ع)، خضر) را نیز می کشد!

اندیشه ناب اسلامی و خط مشی آن، روی همین مطلب در سوره {الزمر:30} و {آل عمران:144} تأکید دوباره شده، که در ادامه این مطلب؛ الله(ج) مسلمانان را مورد پرسش قرار می دهد:

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ... ﴿آل عمران:١٤٤﴾

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر نیز بوده اند. آیا اگر وی بمیرد یا کشته شود، شما به آیین پیشین خود باز می‌گردید؟

بلی! تأثر و ریختن اشک، تمثیلی از قوت »صله رحم «در درون یک فرد می باشد، که معیار های انسانی و اسلامی وی را ثابت می سازد!

یکی از نشانه های ضعف ایمان یا زوال آن؛ درد نکشیدن و غمگین نشدن از برای دردهای مسلمانان است!

همانطور که غمگین نشدن انسان برای رنج هم نوعانش، نشانهٔ ضعف در انسانیت است، ناراحت نشدن مؤمن برای درد مومنان نیز نشانهٔ ضعف ایمان اوست.

اما رفتن به عقب، و تسلیم زورگویی های دشمن (زیر نام صلح) شدن؛ نه اینکه ضعف در ایمان را نشان می دهد، بلکه زوال ایمان را به اثبات می رساند!

اینجاست که »خالق هستی «رمز ابتلاء در »مشقت «و »آسایش «را در ادامه آیت {الانبیاء:35} بیان میدارد.

زیرا ابتلاء دروازه ای است که هر انسان صادقی باید ازآن عبور کند!

و چرا باید ازین دَر ابتلاء بگذرد؟
تا الله(ج) آنانی را که واقعاً ایمان آورده اند، سره و خالص گرداند! که بعد از این غربال کاری و الک شدن »مجاهد «از »مجاهدنما «است، که کافران نابود می شوند. {آل عمران:140-141}
بلی! پیروزی مجاهدین راستین در گروی خلوص نیت شان رقم خورده است. زیرا مجاهدین راستین در هردو حالت (یعنی کامیابی و شهادت) رستگار هستند: {التوبه:52}
پس این »ساز وبرگ «کفار؛ این طیاره های بی پیلوت؛ این جنگ‌های ستارگان و این همه »کش و فش «و هیبت معاندین اسلام؛ چیزی نیست، مگر از برای غربال و الک شدن مؤمنان!
خالق هستی می فرماید:
آیا پنداشتید که می توانید به بهشت داخل شوید، در حالی که الله مجاهدان و صابران شما را متمایز نساخته است!؟ {آل عمران:142} و {البقره:214}
با خبر!
وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّـهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا
و هیچ کس جز به مشیّت و فرمان الله نمی میرد. سرنوشتی است مقرّر شده! {آل عمران:145}
پس این همه »تأثر «ویا »خوشی «در افراد؛ نسبت به این بنده الله (ج) ؛ که همه »هست و نیست «اش را در تجارت خالق اش گذاشت، از برای سنجش معیار ایمان »من و تو «می باشد!
آنانی که با دجال (امریکا)، جشن و سرور ترور یک مسلمان را براه می اندازند، دیر و یا زود، با ایشان یکجا حشر خواهند شدند؛
و آنانی که بر دجال اعتماد نموده و زورگویی های صلح وی را می پذیرند، تا دیر نشده، باید ازین واقعه درس عبرت گیرند؛
و آنانی که در برابر تجاوز و ستم، مجاهدت می نمایند. ازین حادثه درس صبر و استقامت را بیآموزند{هود:112} و بدانند که شهادت، هدیه بزرگ الهیست که نصیب هرکس و ناکس نمی شود!
پس تو ای مرد سنگر و سیاست؛ و تو ای کسی که؛ در مشکل ترین حالات، امور امارت را بدست گرفتی، و با حکمت همچو سلف ات (ملا محمدعمر مجاهد رحمه الله) ازآن پاسداری نموده و آنرا پاک نگهداشتی؛ برتو درود و سلام الله(ج) باد!
این شایستگی را الله(ج) برایت دانست تا با دستهای دجالان عصر، این دنیا را ترک گویی!
خالق هستی شهادت را بپذیرد؛ که چنین مرگ؛ مردن و نابود شدن نیست، بلکه:
چنین مرگ، آزادی انسان از ناتوانایی های دنیاست؛
چنین مرگ، پایان نیک دوره آزمایش است؛
و بلآخره چنین مرگ، طلوع حقیقت کامل است:
قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾
[سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو] گفته شد: »به بهشت درآی! «گفت: »ای کاش، قوم من می‌دانستند«
پس شهادت ات مبارک باد؛ ای ملا اخترمحمد منصور!
به یقین جهاد امر الهیست که تا قیامت ادامه خواهد داشت، و آمدن و رفتن بزرگان و خوردان برآن هیچ اثری نخواهد داشت!
آنچه اتفاق می ورزد از جانب الله(ج) ست؛ که بدون شک سرانجام اش نیز خیر و نیکی از برای مؤمنان و نظام هستی خواهد بود.
اما ویژگی شما باردیگر در تاریخ اسلام ثبت گردید!
بلی! ویژگی ثبات و پایمردی در مسیر الله(ج) در عدم موجودیت رهبران؛
ویژگی یکه در قرن اخیر، اصلاً تاریخ افغانستان در بین دولتمردان و احزاب اش شاهد آن نبوده است.
پس بر همچو حرکت، بر همچو اعضا و بر همچو شهامت و روحیه بالا؛ که در وقت ازدست دادن بهترین و عزیز ترین فرد تان، حریم اخلاق اسلامی را حفظ داشتید، باید فخر نمود!
درود و سلام الله(ج) بر شما باد، ای فرزندان امارت اسلامی و ای مجاهدین راستین راه اسلام!
خالق هستی امیر شهید (منصور صاحب) و امیر فقید (مجاهد صاحب) تان را بیآمرزد، و در جمع شهدای »بدر «و »احد «ایشان را حشر بدارد، و به بازمندگان ایشان اجر و صبر جمیل اعطا نماید، و شما مجاهدان راستین امارت اسلامی و امیر جدید تانرا توفیق بیشتر در صبر و مجاهدت نصیب گرداند!
ای مؤمنان!
صبر پیشه کنید که سرانجام نیک از برای پرهیزگاران است فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿هود:٤٩﴾؛
و بدانید که الله(ج) برخود لازم دانسته است تا مؤمنان را نجات دهد كَذَٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿يونس:١٠٣﴾

انجنیر صاحب مرحوم که من میشناختم!

ابوصهیب حقانی هراتی

مشهور به انجینر صاحب بود ولی بعدا و را به اسم عبدالله گل ریان می شناختم شخصیت علمی، متدین، و دلسوزی که نمی توانست دلسوزی و خیر خواهی خود را نسبت به مسائل روز جهان اسلام و بخصوص افغانستان کتمان کند و همواره هر اهل دلی را که می یافت بسیار با تاثیر و جرئت حرف های دل خود را که بسی موثر واقع می شد با همه شریک می ساخت و نسبت به موضوعات مختلف معلومات کافی و مستندی را ارایه می نمود.

انجینر صاحب رحمه الله شخص مهربان، متواضع و بسیار مهمان نواز بود با کهولت سنی و در حالیکه گاهی سخت گرفتار کارهای روزانه اش بود باز هم اگر به وی خبر داده می شد که مهمانی جهت ملاقات آمده با خوشی و فراخ دلی به استقبال رفته و بسیار صمیمانه مهمان را می پذیرفت و گاهی ساعت ها با مهمان هایش مجلس نموده و در بحث های مختلف علمی مسائل زیادی را مطرح می کرد.

گاهگاهی که موفق به دیدارشان می شدم از نصایح دلسوزانه، و نکات علمی عالمانه و از تجربیات و خاطرات شان بهره برده و نهایت استفاده می کردم، ما را به آینده امیدوار می ساخت و از دیدن نسل جوان در عرصه های مختلف جهادی خصوصا در عرصه علمی و امور فکری به خوشی استقبال کرده و همواره تشویق می فرمودند و یکی از آرزوهای شان فعال شدن نسل جوان در امور جهادی و سهم گرفتن در تمام عرصه ها بود.

انجینر صاحب مرحوم گاهی در کوچه و بازار مثل یک معلم آموزنده رفتار کرده و اخلاق صحیح اسلامی را نشان می داد، با محبت به دیگران سلام داده و نسبت به احوال شخصی یاران و دوستان جویای حال می شد و سعی می کرد با حرف های خوب خود گاهی بار سنگین را از دوش برادر مسلمان خود را بردارد.

در مجلس ایشان حتما یک چیز آموزنده را در می یافتی، بسیار خوب بلد بود سر موضوعات مختلف بحث علمی داشته باشد، از دوران مبارزه جهادی خود بر ضد کمونیزم، سیکولارها، و جماعت های مختلف خاطرات بسیار زیاد داشتند و همینطور به عنوان یک شخصیت علمی از سفرهای ملی و بین المللی خود فراوان حکایت ها داشت که بسیار دلچسب، جذاب و آموزنده بود.

انجینر صاحب یکی از بزرگوارانی بود که این اواخر در حالیکه در بستر بیماری قرار داشت الله تعالی او را با شهادت بشیراحمد ریان فرزند عزیزشان مورد امتحان قرار داد اما ایشان کامیاب و سربلند از امتحان الهی برآمد و هیچ تشویش نداشت و الله را شاکر بود که جان فرزندش را در دین خود قبول کرده و تقدیر الهی نیز چنین رفت که تنها فاصلهٔ پیوستن وی با جگرگوشه اش به کمتر از یک ماه هم نکشید که خودشان جان به جان آفرین سپرد و داعی اجل را لبیک گفت.

ضمن آنکه رحلت و وفات استاد انجینر عبدالله گل ریان صاحب در زمان فعلی که یک شخصیت علمی و جهادی بود ضایعه بزرگ برای امت مسلمه و بخصوص افغانستان می دانم اما از الله ذوالجلال امیدوارم که ایشان را در جوار رحمتهای خویش قرار داده و بهشت برین را جای شان گردانیده و تمام خدمات علمی و جهادی ایشان را در راه دین مبین اسلام به درگاه خویش قبول و مقبول فرموده و به فرزندان، متعلقین و شاگردان شان صبر جمیل و استقامت و توفیق خدمت در راه دین را ارزانی فرماید.

آمین ثم آمین

عبدالواحد امیری

الا ای مسلمانان،

منصور با نصرت الله به شهادت رسید!

از هر سو زمزمه ای شنفته میشود . در کوچه و بازار و محافل و فضاهای مجازی ، همه بهت زده در پی کشف خبر هستند.

خبر پس از دو روز قطعی میشود ، مجاهدان و مبارزان و مسلمانان افغان زمین ، با چشمانی اشکبار و سینه هایی داغدیده از وداع امیر خویش ،فریاد »»وا منصورا....وا امیرا ««سر میدهند!

همه او را می جویند....

بله.. امیر المومنین شهید گشته!

منصور عزیزمان را بشهادت رساندند تا باری دیگر ، این سنت مبارک الهی در باره امرای مجاهد ، ثابت شود ؛ الله سبحان ثابت فرمود که اجر خادمان و امیران دین اش را با شهادت آنان درین دنیا و پاداشی بس بزرگ در آن سرای باقی ، پرداخت می فرماید.

اما چه سخت است برای ما امت مسلمان؟

یا الله سخت است پذیرش چنین فراغ هایی ، هرچند که امیر منصور را سعادتمند می بینیم.

امیری که با حلم و صبر و استقامت خود ، پس از شهادت و رحلت رهبر بزرگ مان »ملا محمد عمر«، سکاندار این جهاد مقدس بود.

هنوز آن نگاه نافذ و عمیق امیرمان را که از قلب آکنده از دردش خبر میداد بیاد داریم ؛ میدانیم ای امیر که وجودت با غم امت گره خورده بود و آنچنان خود را وقف احیای کلمه الله و عزت مسلمانان نموده بودی که نه تنها برای افغانها بلکه برای جمیع مسلمین جهان مبدل به سمبل ایثار و مقاومت گشتی!

حال پس از شهادتت وظیفه ما رهروان و مجاهدانت چیست؟

کفار و هم پیمانان ایشان گمان دارند که با شهادت امیر مان ، این جهاد مقدس تمام گشته!!!

در پیشگاه الله قادر و شاهد، عهد می بندیدم که با جانشین منصورمان ، بیعت نموده و بر سر این بیعت تا آخرین نفس و ایثار آخرین قطره خون خویش ، استوار خواهیم ماند!

در عجبم ازینکه چگونه آن کافران و این منافقان هنوز ما را نشناختند!!!؟

رهبران ما ، همچون جان ما بر ما عزیز هستند اما حاشا و کلا ، که با شهادت آنان تسلیم شما شویم.

برعکس ، هر بار که امیری از ما بدیدار خالقش می شتابد ، ما طالبان و مجاهدان راه الله ، با بوئیدن شمیم مطهر شهادت ، در عزم خویش برای فتح و ظفر و ثمر بخشیدن خون شهدا و امراء خویش ، محکم تر میشویم.

جهاد در راه خدا و مبارزه با کفر و فساد برای ما ، معامله ای سراسر سودمند است.

چه شهید شویم و چه فاتح ، چه اسیر گردیم و یا مجروح ، هر کدام شان نزد الله مقامی دارد. پس گمان باطل تان را با خویش بگور ببرید.

اینک ای پروردگار من ! ای شنوای بینا !...

تو شاهد باش که ما در عزای امیرمان ، آن اختر تابناک ، رخت عزا نپوشیدیم ، مویه و نوحه سر ندادیم ، با آنکه دلهای ماخون است.

بلکه با عهد جدید خویش ، جانشین امیر منصور را ، بعنوان امیر خود که بی شک مورد قبول درگاه الله است ، پذیرفته و محکم تر از پیش بر جهاد تا پیروزی کامل پیش خواهیم رفت.

ای امیر دلاور و شهید ما ، ای وارث خون فاروق و عثمان و حیدر رضی الله عنهم...

ای مجاهد شهید ، در برابر الله ذوالجلال عهد می بندیم تا آن روزیکه کفار صلیبی و یهودی و نوکران و خائنان داخلی را به سزای جنایات شان نرساندیم ، و این سرزمین اسلام را از لوث آنان پاک نساختیم ، از پای ننشینیم ؛ چرا که مدارا کردن با آنان به معنای پایمال کردن خون پاک شماست.

دوباره پر چم های لا اله الا الله امارت اسلامی افغانستان بر فراز دستان مجاهدان دلیرش بر افراشته گشته و دوباره به حول و قوه الهی ، با قوت تمام بسوی دشمنان دین حمله ور خواهیم گشت!

هان ای کافران و مزدوران دین فروش ، و ای جنرال های ۴ ستاره آمریکایی....امیرمان را ناجوانمردانه بشهادت رساندید ، حال بنگرید پاسخ کوبنده پیروان و مجاهدانش را ، که در اوج رشادت و آشکارا، بشما چگونه خواهد بود....

اندکی صبر کنید که طوفان خشم طالبان نزدیک است.

ما دوباره بر سرتان مرگ خواهیم ریخت.

ارواح شهیدان ما در بهشت اعلی نزد خالقشان در کمال مسرت اند و ارواح خبیث شما در جهنم هم نشین شیطان اند.

فردوس برین لایقت بود ای امیر منصور ، وشهادتت مقبول درگاه حق که اینگونه به لقاء الله پیوستی!

تا ما جوانان مسلمان افغان هستیم ، راهت ادامه دارد ای امیر شهیدم...

حسبناالله ونعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر

لشکر غیور و سر بکف وجود دارد
که از هر قطرهء خون شهید منصور رح سوال بکند !

امریکایی ها و غلامان امریکا اگر گمان دارند که به شهادت زعیم امارت اسلامی افغانستان ملا اختر محمد منصور (رحمه الله) نظام و مفکوره ای جهادی امارت را با مشکلات دچار می کند تا در نتیجه رژیم فاسد و بی دین کابل نفس راحت بگیرد ، بدون شک شکار حماقت و اشتباه بزرگ شده اند .

زیرا اساس و ستون های امارت اسلامی افغانستان هرگز استوار بر اشخاص و افراد نیست ، اگر اینچنین می بود باید ساختمان امارت اسلامی افغانستان بیش از همه پس از وفات امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله به لرزه می آمد و خدشه دار می شد ، و لیکن مشاهده شد که وفات امیر فقید مرحوم ملا محمد عمر مجاهد رخ نه صرف اینکه باعث کاهش روحیه و جذبه ی مجاهدین نشد بلکه خداوند تعالی شخصیتی را برای قیادت امارت اسلامی افغانستان برگزید که در مدت بسیار کوتاه توانست همه دام های پنهانی چهارده ساله ی امریکا و قوت های کفری را در صحنه های نظامی ، سیاسی و دیگر بخش ها از هم فروپاشد و دسیسه های آتی اشغالگران و متهاجمان را عیان ساخته به بدترین انجام رسانید .

تحت زعامت مدبرانه ئ محترم منصور صاحب ، چهار صد هزار اردو و قطعات امنیتی رژیم کابل که پس از تلاش های یک و نیم دهه و مصارف ملیاردها دالر امریکا به وجود آمده بود در اثر عملیات عزم و عمری در همه نقاط کشور با سقوط مواجه شد ، همه تکتیک های جنگی دشمن با شکست رو به رو شد و هشتاد در صد خاک افغانستان عزیز از فرمانروای پرچم سفید اسلام بهره مند شدند .

در میدان سیاست نیز امیرالمومنین منصور رحمه الله بسیار به زیرکی و هوشمندی و به دلایل معقول و مناسب ، دیدگاه امارت اسلامی افغانستان را به گوش جهانیان رسانید و ذهنیت عامهء جهانی و قضاوت منطقهء را به خود مبذول ساخت ، نیز برای استحکام خوبتر نظام داخلی امارت اسلامی و همچنان برای برآوردن مصالح ملت اسلامی گام های جاودانی برداشت .

علاوه از این ، دیگر دست آوردهای نیز بود که منصور رح را برای طاغوت جهانی به یک نیروی قوی و ناقابل تحمل مبدل ساخت ، طاغوت جهانی بالاخره دست به شهادت وی زدند .

مایان به امریکای ها و حلقه به گوشان آنان واضح می سازیم که مرحوم منصور رح گرچه جسما حضور ندارد و به مالک حقیقی خود وصل شده است و لیکن در بازماندگان وی یک ملت مجاهد و با شهامت قرار دارد ، هیچگاه گمان نکنید که راه و مسیر منصور رح پس از شهادت وی ضعیف و ناتوان می گردد ، این حقیقت را خوب درک کنید که حالا هر مجاهد و غازی این امت تلاش می کند خود را همچون شهید منصور رح بسازد ، نقش قدم وی را به درستی تعقیب می کنند و از منافقین و دشمنان ازلی اسلام سوال خواهند کرد که به کدام جرات و کدام گمان مسلمانان را از یک رهبر مدبر ، غمخوار و مجاهد محروم ساختید .

امریکا و غلامانش باید رمز این حقیقت و حقانیت را پیدا کنند که پس از شهادت زعیم امارت اسلامی ، چرا در رابطه به انتخاب قیادت جدید کوچک ترین مخالفت به مشاهده نرسید ، در عاجل ترین فرصت یک قیادت و زعامت مناسب منتخب شد ، ان شاء الله این قیادت به نصرت



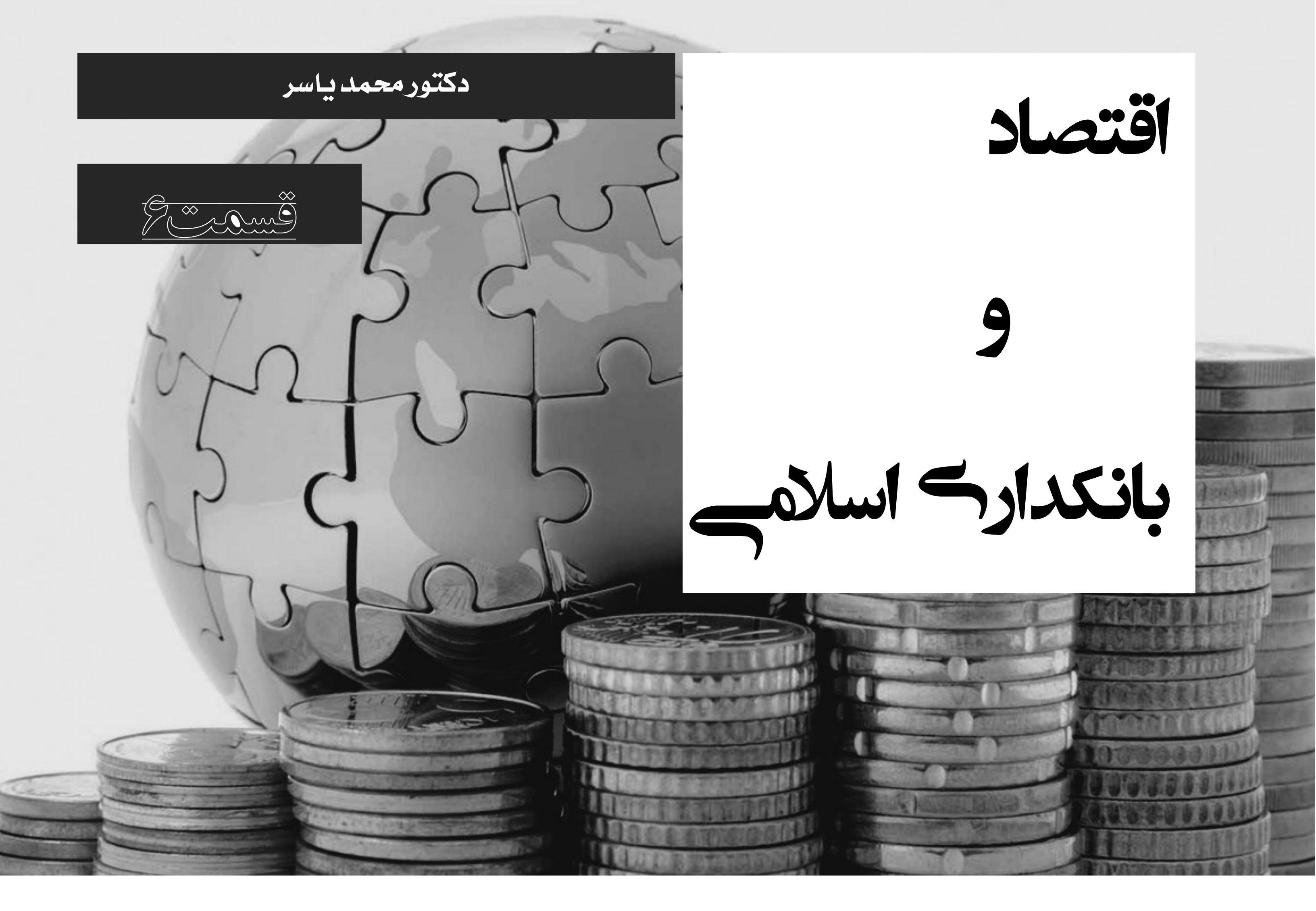
خداوند تعالی همه آرمان ها و آرزوهای دینی و جهادی شهید منصور رح را برآورده خواهد ساخت .

مایان برای امریکا و غلامان وی به صراحت می گوییم که امارت اسلامی افغانستان یک منهج قوی و داعیهء مستحکم دارد و هیچگاه به تغییر و شهادت شخصیت ها تغییر پذیر نیست ، نیز هر آن کسیکه به مسند قیادت امارت فائز می گردد هرگز این قدر ضعیف نیست که به اخطارها و تهدید های شما پریشان گردد و به آن چه شما صلح عنوان می دهید و در حقیقت جنازه خواندن ارزش های عالی و استقلال دینی افغان ها است سر تسلیم خم نموده معامله کند (ان شاء الله تعالی) .

اقتصاد و بانکداری اسلامی

دکتور محمد یاسر

قسمت ۶



بعد از اینکه سخن ما دربارهء اقتصاد اسلامی در بخش های گذشته به پایان رسید، در این بخش به توضیح بانکداری اسلامی می پردازیم، سپس وسایل و قراردادهایی را که در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار میگیرد و چگونگی استفاده آنرا بحث خواهیم کرد:

بانکداری اسلامی:

قبل از آنکه به تفصیل در مورد بانکداری اسلامی بپردازیم باید بدانیم که بانک چیست؟ زیرا تا آنکه بانک را ندانیم نمیتوانیم بانکداری اسلامی را بدانیم و شاید همین سبب باشد که عده یی بدون آنکه حقیقت بانک را درک کنند و به مجرد تماشای تعمیر بانک و یا آنچه ظاهرا در یک نمایندگی بانک به نظر می آید فتوای خودرا مرتب کرده و بانکداری اسلامی را حرام قرار دادند.

اگر به تعریف قاموسی بانک دیده شود در می یابیم که بانک عبارت از موسسهء مالی و میانجی است که پرداخت ها را می پذیرد و آنرا در فعالیت های قرض دهی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق بازار سرمایه گذاری استعمال می کند. به این شکل بانک پرداخت کنندگانی را که سرمایه اضافه دارند با آنعده از مشتریانی وصل میسازد که کمبود سرمایه دارند.

در پهلوی این فعالیت بانک بعضی خدمات مالی دیگر نیز مانند اعتبارنامه استنادی و سند ضمانت وغیره صادر می کند ودر بدل آن تعویض مالی معینی را بدست میاورد.

بطور عموم بانک به دو قسمت عمومی تقسیم میگردد: قسمت جلو و یا تجارت که آنرا (Business)و یا (Front Office)می نامند و قسمت دوم عبارت از ادارات همکار و مساعدت میباشد که آنانرا (Supporting departments)و یا (Back Office)می نامند.

سپس قسمت جلو و یا تجارت به دو بخش تقسیم می گردد، بخش اول را مسئول پرداخت ها و یا (Liability Side)و دوم را بخش دارایی و یا (Asset Side)می نامند. وظیفهء بخش پرداخت ها اینست که پول را از مشتری ها و مراجعین جمع آوری کند و آنرا در خدمت بخش دارایی قرار دهد. بخش دارایی آن پول را به مشتریان و مراجعینی که کمبود سرمایه دارند و می خواهند از بانک در بدل منافع و سود پول بگیرند می پردازد تا از این طریق منافع بدست آورده و آنرا میان مراجعین پرداخت کننده و بانک توزیع کند.

در این راستا ادارات مختلف دیگری که از آنها بنام ادارات همکاری و یا مساعدت یاد آور شد این دو بخش را همکاری و مساعدت می کنند. بطور مثال پول بعد از جمع آوری توسط بخش پرداخت ها تحت تصرف ادارهء مالی قرار می گیرد و بخش دارایی وقت پرداخت به مراجعین خود این پول را از ادارهء مالی تقاضا می کند. برای پرداخت این پول بخش مخاطره و اعتبار که آنرا (Risk and credit management)می نامند بررسی کرده و تعیین می نماید که آیا مشتری و مراجعی که درخواست پول کرده است توان مالی پس پرداخت پول را دارد و یا نه؟ و از سوی دیگر این اداره مسئولیت دارد تا خطر عدم پرداخت این پول را در نظر گیرد و در بدل پرداخت تقاضای تضمین به شکل گرو و رهن گیری موجودات، تضمین شخصی، تضمین حکومتی وغیره کند.

در عین حال اداره‌ء اجرائیه و یا (Operation)مسئولیت دارد تا بعد از اطمئنان جهت های معین و بدست گرفتن تضمین های مطلوب پول را به جهت معین بپردازد و اسناد و قراردادهای لازمه را با آن به امضا برساند. وظیفه‌ء این اداره تعقیب و کنترول منظم مشتریان نیز می باشد تا باشد آنان در موعد معین پول اخذ شده را بپردازند.

در عین حال یک اداره‌ء دیگر نیز فعالیت خیلی مهم را در بانک انجام می دهد که آنرا اداره‌ء خزانه داری و یا (Treasury Department)می نامند. مسئولیت اساسی این اداره تنظیم و کنترول نقدیه‌ء بانک است. به این معنا که این اداره همیشه باید توازن میان پرداخت های مشتریان و تقاضاهای آنان را در نظر گیرد به شکلی که بانک همیشه در خزانه‌ء خود آنقدر پول نقد داشته باشد که تقاضای مشتریان خودرا بر آورده سازد و از جانب دیگر این پول همچنان بیشتر از ضرورت بانک نباشد زیرا در این صورت پول بدون استفاده باقی میماند و باعث کاهش منافع می گردد. بناء این اداره غالبا به یکی از این دو مشکل، کمبود پول و یا افزایش بیش از ضرورت پول، مواجه میباشد و مسئولیت این اداره همانا کنترول بر هر دو حالت است.

علاوه بر این، اداره‌ء خزانه داری مسئول تهیه پول خارجی جهت رفع ضرورت تجارت می باشد. بطور عموم اداره‌ء خزانه داری بانک ها در حالات افزایش پول نقدی، خرید و فروش پول خارجی نیز می کنند و در غیر آن پول اضافی را به بانک های دیگر جهت بدست آوردن نفع مناسب می پردازند و به همین شکل در صورت کاهش پول در خزانه از بانک های دیگر پول در مقابل سود کمتر از آنچه خود به قرضه می دهند بدست می آورند.

بطور خلاصه میتوان گفت که بانک ها از طریق نمایندگی های خود پول مردم را در بدل سود کمتر بدست میاورند سپس با استفاده از تاکتیک های تجارتی و از طریق اداره‌ء دارایی و به کمک و مساعدت ادارات مساعدتی و اجرائیوی آن پول را به سود بیشتر برای شرکت ها و افراد متقاضی می دهند. فرق میان این دو سود نفع بانک می باشد که توسط مشتریان پول دهنده و بانک بر اساس اتفاق قبلی توزیع می گردد.

در سطور بالا تلاش صورت گرفته است تا تصویر مجمل از بانک تقدیم گردد و در این عجلت نمیتوان به تفصیل بیشتر از آن پرداخت ورنه هر ارگان بانک ضرورت به بحث مفصل و مستقل دارد.

با در نظرداشت آنچه گذشت، برای یک فرد عادی و یا عالمی که فهم و درک عمیق از معاملات شرعی و اصول آن علاوه بر فهم کامل از طبیعت بانک با تفصیل و جزئیات مسئولیت ها و فعالیت های هر اداره و بخش آن نداشته باشد خیلی مشکل است تا مشروعیت آنرا درک کند و یا بداند که چسان میتوان این همه فعالیت ها را در چارچوب شریعت قرار داد بناء بعضی از علما ناچار بعد از آنکه از درک این حقیقت عاجز میمانند و یا اینکه اصلا توان و صلاحیت تحقیق در این مورد را نمی داشته باشند و یا تحقیق و بررسی نمی کنند فتوای عدم مشروعیت بانکداری اسلامی را می دهند.

از جانب دیگر، بانک های اسلامی اگرچه از نگاه رویای ظاهری تماما مانند بانک های سودی معلوم میشوند مگر فرق های عمده یی در آن وجود دارد که برای بررسی و بحث جداگانه ضرورت دارد.

عمده ترین فرق میان بانک اسلامی و غیر اسلامی اینست که چنانچه گذشت بانک غیر اسلامی عمدتا در داد و ستد پول مصروف بوده و نفع خودرا از آنجا بدست میاورد. به این معنا که پول را به سود گرفته و به سود بیشتر میدهد و برای خود و مشتریان خود نفع کمایی می کند و در فعالیت های دیگر بازار مانند خرید و فروش، مشارکه، اجاره وغیره دخیل نمی گردد. برعکس بانک اسلامی گرچه از نگاه نام و شکل ظاهری مانند این بانک ها است اما اگر به فعالیت های شان نگریسته شود تماما از آن بانک ها مختلف بوده بلکه میتوان گفت که در پهلوی تقدیم بعضی خدمات بانکی دکان ها و یا مغازه های بزرگی اند که روزانه به ملیون ها دالر خرید و فروش، مشارکه، مضاربه، اجاره وغیره می کنند و به این شکل نفع حاصل کرده و با مشتریان پرداخت کننده شریک میسازند.

پس بانک اسلامی یک موسسه‌ء است که تنها با گرفتن و دادن پول تعامل نمی کند و نه مشتریان پرداخت کننده‌ء خودرا تعهد پرداخت معین و ضمانت پس دهی اصل پول تادیه شده را کرده میتواند. علاوه بر این بانک اسلامی پول های تادیه شده توسط مشتریان را بر اساس قرض، ودیعه و یا مضاربه از آنان بدست می آورد. در صورت قرض و یا ودیعه که این پول ها در حساب های جاری (Current Accounts)گذاشته میشوند بانک ضمانت اصل پول و یا رأس المال را می دهد زیرا این پول تنها جهت حفاظت در بانک گذاشته میشود و مشتریان از بانک تقاضای نفع نمی کنند و بناء در خساره نیز شریک نمی گردند. بانک این پول را به مسئولیت خویش سرمایه گذاری می کند و در صورت نفع و یا نقصان بانک مسئول آن بوده و مشتری متحمل زیان و یا خساره نمی گردد.

در عین حال بانک های اسلامی پول مشتریان سرمایه گذار را نیز بر اساس مضاربه بدست میاورند و این پول را در حساب های سرمایه گذاری و یا (Saving Accounts)می گذارد و درینصورت بانک بر این سرمایه تجارت می کند و اگر نفعی برداشت طبق موافقه قبلی با سرمایه گذار تادیه کننده‌ء پول آنرا توزیع می کند و اگر زیانی را متحمل شد در صورت عدم غفلت و یا تقصیر از جانب بانک، همه‌ء زیان را سرمایه گذار بدوش میگیرد در غیر آن بانک متحمل خساره و زیان می گردد.

پس معلوم شد که بانک از یکسو پول را بر اساس قرض، ودیعه و یا مضاربه بدست میاورد و از سوی دیگر با استفاده از قراردادهای شرعی و تعهدات با شرکت ها و اشخاصی که به بانک مراجعه می کنند نفع بدست می آورد و آنرا طبق معاهده تقسیم و توزیع می نماید.

در بخش آینده به تفصیل قراردادها و معاهدات خواهیم پرداخت و توضیح خواهیم داد که این قراردادها به چه شکل در بانک های اسلامی مورد استفاده قرار می گیرند تا تقاضای معاصر تجار و شرکت ها را بر آورده سازند.

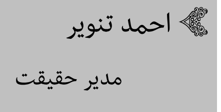
ادامه دارد....

امیرالمؤمنین (تقبله الله تعالی)

و چند صفات بارز ایشان

احمد تنویر

مدیر حقیقت



بعد از وفات عالیقدر امیرالمومنین ملا محمد عمر مجاهد – رحمه الله – بنیانگذار نظام مقدس امارت اسلامی افغانستان، عالیقدر امیرالمومنین شهید جناب منصور صاحب – تقبله الله – الحق و الانصاف بهترین و شایسته ترین گزینه بر مسند جانشینی بود؛ منصور صاحب شهید شخصیت قیمتی امارت اسلامی بود که به ندرت نظیرشان یافته می شود و شهادت ایشان الحق که ضایعهٔ جبران ناپذیری برای امت اسلامی و بالاخص مجاهدین افغانستان بود و مبالغه نیست اگر گفته شود امارت اسلامی پس از عالیقدر امیرالمومنین ملامحمد عمر – رحمه الله – یکی از مخلص ترین و عزیزترین فرزندانش را از دست داد.

به هرحال تقدیر الهی چنین رفته بود و امیرالمومنین شهید را الله متعال چنان دوست داشت که وی را در مقام رفیع شهادت به درگاهش پذیرفت و امارت اسلامی که به وجود گرانبهای شان سخت ضرورت داشت و جهان اسلام به شخصیت آن عالیقدر شهید سخت امیدوار بود؛ اینگونه مظلومانه به دست ظالم ترین و سرسخت ترین دشمنان اسلام (یعنی امریکایی ها) تک و تنها جان شیرین شان فدای اسلام ناب و ارزشهای مقدس جهادی گردید.

امیرالمومنین شهید عالیقدر منصور صاحب – رحمه الله – دارای صفات بارز رهبری و شخصیت نمونهٔ مرکزی بود که اگر بخواهیم به تفصیل در مورد خصوصیات و صفات برجستهٔ آن ابردمرد شجاع بنویسیم بدون تردید این مجال مختصر گنجایش آن را نداشته؛ ولی از آنجا که گفته اند: آب دریا را گر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید؛ در این مختصر به بعضی از صفات بارز و برجستهٔ آن شیرمرد امارت اسلامی اشاره می کنیم تا بیشتر با شخصیت عالیقدر شهید – تقبله الله – معرفت حاصل کنیم.

جرئت و شجاعت:

یکی از صفات برجستهٔ امیرالمومنین شهید شجاعت بود ایشان مثل سلف صالح خویش عالیقدر امیرالمومنین ملامحمدعمر مجاهد – رحمه الله – از صفت شجاعت برخوردار بوده و جز از الله سبحانه و تعالی از هیچ کسی دیگر خوف و هراستی نداشت، تسلیم خواسته های نامشروع دوستان و دشمنان نمی شد، حرف خود را که بخیر اسلام و نظام امارت اسلامی بود با جرئت و شجاعت بیان می داشت؛ و در مسیر حق هیچ کسی نمی توانست جلوی شان قرار گیرد و فقط تسلیم الله بود و بخاطر الله در میدان های مختلف از خود شجاعت و رشادت مثال زدنی به یادگار گذاشت.

درایت و تدبیر:

بر هر کسی که عالیقدر امیرالمومنین شهید – تقبله الله – را از نزدیک و یا دور به خوبی بشناسد پوشیده نیست که امیرالمومنین شهید یکی از با درایت ترین، هوشیارترین، زیرک ترین و خبره ترین رهبران جهان اسلام بود؛ او دشمنان خود را بطور کامل می شناخت، از اهداف و پروگرام های شیطانی آنها به خوبی آگاهی داشت و برای خنثی سازی نقشه های شوم دشمنان، ایده و طرح های متبحرانهٔ اتخاذ می کرد که کمتر رهبری در شرایط بحرانی و انقلابی می تواند اتخاذ کند؛ طوریکه دشمنان وی گیج و سرگردان می شدند که واقعا منصور آیا یک شخص با تخصص در یک رشته و فن است یا نه وی بطور کافی در حد یک رهبر ایده آل بر تمام جوانب و بخش های زندگی، سیاسی و نظامی اشراف دارد؛ زمانیکه دنیا می دید ایشان چگونه با مهارت و درایت همه ترفندهای دشمنانش را خنثی می ساخت ناخودآگاه به شخصیت ممتاز وی نمرهٔ قبولی می دادند.

تقوا و خداترسی:

یکی از صفات شایستهٔ امیرالمومنین شهید، تقوای شان بود ایشان علاوه بر تقوای فردی که در تمام امور و شئون زندگی فردی شان، پایبند احکام کتاب الله و سنت های نورانی رسول الله – صلی الله علیه و سلم – بود؛ همینطور در امور اداری، سیاسی و نظامی امارت اسلامی هم بر اصل تقوا و للهیت انتخاب و فیصله می فرمود.

در مصرف بیت المال چنان محتاط بود که کمتر کسی در جایگاه ایشان آنگونه امور مالی را رصد می کرد البته نه بخاطر سختگیری، بلکه ایشان در پیشرفت امارت اسلامی از مساعد کردن هیچ هزینهٔ دریغ نمی کرد و هزینه کردن به پیشرفت امور امارت اسلامی را همان مصرف درست بیت المال تعبیر می کرد و با سخاوت و سنجیدگی در مال بیت المال از آن، در بخش های ضروری الاول فالاول مصرف نموده و همیشه اولویات را مدنظر داشت.

تواضع و خاکساری:

یکی دیگر از صفات بارز امیرالمومنین شهید صفت تواضع و عاجزی شان بود؛ گمان نمیکنم هیچ کس در وهلهٔ نخست که ایشان را می دید تشخیص می داد همین شخص بسیار متواضع و خاکسار جناب منصور صاحب است از بس انسان پاک نفس، خاکی، بی آلایش و ساده زیستی بود؛ وقتی سخن می زد بسیار به نرمی و خوشرویی و بسیار کم در گفتار صدای شان را بلند می برد، گرمی اخلاص و دلدادگی شان برای اسلام و امارت اسلامی را بسیار راحت می شد در گفتار صادقانهٔ شان حس کرد؛ در کنارشان کسی احساس دلتنگی و بیگانگی نمی کرد و از تشریفات و تکلفات رسمی کاملا بدور بود.

امیرالمومنین شهید – تقبله الله – به جز جهاد و مبارزه و امور نظامی همواره دلسوز ملت مظلوم افغانستان بود و نسبت به مظلومیت مسلمانان در سطح دنیا غم می خورد؛ او جهاد و مبارزهٔ نظامی را ضمن اعلای کلمه الله و نفاذ شریعت مقدس اسلام و دفاع از سرزمین های اسلامی، مقدمه ای برای رفاه زندگی با عزت، استقلال و ختم آه و ناله از خانه های مسلمانان (که همواره مورد تاخت و تاز دشمنان صلیبی و غلامان حلقه به گوش آنها بودند) می خواست، نسبت به تلفات ملکی بسیار حساس بوده و همواره در راستای برخورد خوب با ملت و رفع مشکلات آنها به مجاهدین تحت فرمان خود تاکید و اصرار می ورزید؛ اگر مجاهدی رعایت حال ملت مظلوم را نمی کرد با آن شدید برخورد نموده و سخت تنبیه می کرد و جهادی که (خدای نخواسته) باعث اذیت و آزار ملت مظلوم و بندگان الله شود را دوست نداشت و آن را جهاد نمی دانست، و زندگی مردم را امانت می پنداشت و به امانت داری وصیت می فرمود.

نسبت به وضع زندگی و معیشت مردم بسیار دلسوز بوده و به مجاهدین تاکید می کرد در ساحات تحت کنترول شان، زمینهٔ اشتغال به مردم فراهم شود و تا حد ممکن فرصت و امنیت مناسب، مساعد گردد تا مردم به نحو احسن به کار و بار و کمایی رزق حلال شان مشغول بوده و مشکلی در این باره نداشته باشند.

صبر و حوصله، حلم و بردباری:

شاید گفت عالیقدر امیرالمومنین شهید در صبر و حوصله و بردباری واقعا در عصر حاضر یکی از شخصیت های نمونه بود؛ الله متعال چنان دل و سینهٔ به ایشان عطاء کرده بود که در بسیار کم انسان ها می شود نظیرش را یافت، در مقابل دوستان هیچ وقت خشمگین نمی شد در مقابل حرف های تلخ و سختی های جهادی بسیار صبور و شکیبا بود؛ بسیار پرحوصله و بردبار بود، حرف ها را با دقت می شنید و اگر گاهی کسانی برحسب ناشناسی حرف تندی به ایشان می زد جواب شان را به تندی نمی داد سکوت سنگین و پرتامل شان و همینطور لبخند آکنده از خلوص و مهربانی شان سرسخت ترین مخالفین وی را به زانو در می آورد و از آن همه صبر و تحمل وی شگفت زده می شدند؛ او جایگاه خودش را خوب می دانست که بر چه مسندی تکیه زده و وارث اخلاق کدام دین می باشد؛ لذا با تاسی از اخلاق نبوی و سنت خلفای راشده بسیار سنجیده، با حوصله، مدلل، با اخلاص، با محبت، متواضع و در عین حال جدی و قوی حرف می زد و به نیت خیرخواهی اقدام به عمل می کرد.

عفو و گذشت:

یکی از صفات مردان خصلت عفو و گذشت شان است که عالیقدر امیرالمومنین شهید – تقبله الله – از این خصلت بسیار برخور دار بود؛ هیچ کسی را بخاطر اشتباه دیروزش سرزنش نمی کرد و سر به سر کسی نمی گذاشت؛ همواره به مجاهدین نظامی تاکید می ورزید در صحنه های جنگی وقتی دشمن خود را در حال تسلیمی و پشیمانی می بینند و یا بر منطقهٔ تصرف پیدا کرده و دشمنان شان را نادم و عاجز می بینند مبادا از حس انتقام کار بگیرند بلکه از اصل عفو و بخشش کار گرفته و فرق مجاهد با دشمن وی را در اخلاق و کردار ثابت بسازند.

ایشان خود سمبل عفو و مهربانی بود و هیچگاه بخاطر مفاد شخصی از کسی آزرده خاطر نمی شد و نه هم کسی را به خاطر اغراض شخصی محاکمه می کرد و همه چیز را به شریعت و فیصلهٔ دین مبین اسلام می سپرد و جایی که در شریعت به سلطان اختیار می داد که می تواند از دشمن انتقام بگیرد یا گذشت کند؛ ایشان عفو و گذشت را برمی گزید و اقدام به انتقام جویی نمی کرد.

اعتدال، عقلانیت و دور اندیشی:

از دیگر صفات رادمرد شهید منصور صاحب – رحمه الله – عقلانیت و دور اندیشی ایشان بود؛ ایشان کسی بود که خود را درگیر مسائل کوچک و پیش پا افتاده نمی کرد، افق نگاه شان بسیار دور را می دید و در قلب شان آرزوهایی بس بزرگ برای امت مسلمه داشت، روشنفکر و بیدارگر واقعی بود، صاحب فکر باز و اندیشهٔ پخته بود، نگاهش به مسائل کلان جهان اسلام و مشکلات مسلمانان بسیار عمیق و تیزبین بود؛ احساساتی عمل نمی کرد و نه هم در مسائل مختلف از احساسات و جذبات شخصی کار می گرفت، از افراط و تفریط دوری می جست و همواره در چوکات شریعت اسلام خط اعتدال را دنبال می کرد.



از سیاست های شیطانی و در حال تغییر دشمنان در کوتاه مدت و دراز مدت به خوبی آگاه بود و سعی داشت با هر وسیلهٔ ممکن و ابزار روز به مبارزه دشمنان برود، و امارت اسلامی را به سمت اقسام مختلف مبارزه سوق دهد و در تمام میادین به مقابل دشمنان، سرباز بفرستد، او با این وسعت دید دست و بال دشمن را بسته و فکر و نیت اش را می خواند.

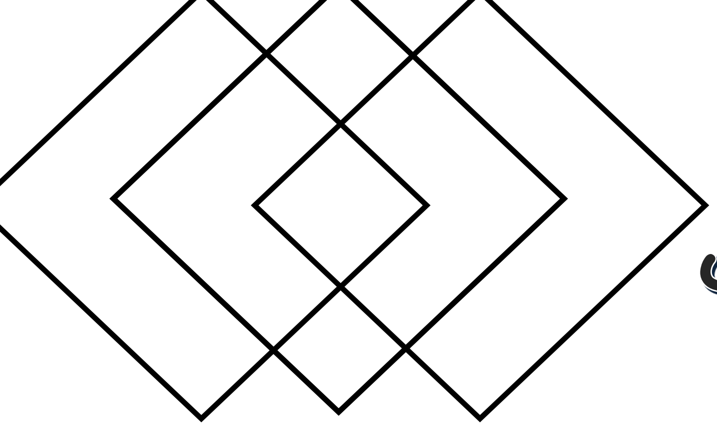
رعایت حال ملت و دلسوزی به وضع معیشت مردم:

امیرالمومنین شهید – تقبله الله – به جز جهاد و مبارزه و امور نظامی همواره دلسوز ملت مظلوم افغانستان بود و نسبت به مظلومیت مسلمانان در سطح دنیا غم می خورد؛ او جهاد و مبارزهٔ نظامی را ضمن اعلای کلمه الله و نفاذ شریعت مقدس اسلام و دفاع از سرزمین های اسلامی، مقدمه ای برای رفاه زندگی با عزت، استقلال و ختم آه و ناله از خانه های مسلمانان (که همواره مورد تاخت و تاز دشمنان صلیبی و غلامان حلقه به گوش آنها بودند) می خواست، نسبت به تلفات ملکی بسیار حساس بوده و همواره در راستای برخورد خوب با ملت و رفع مشکلات آنها به مجاهدین تحت فرمان خود تاکید و اصرار می ورزید؛ اگر مجاهدی رعایت حال ملت مظلوم را نمی کرد با آن شدید برخورد نموده و سخت تنبیه می کرد و جهادی که (خدای نخواسته) باعث اذیت و آزار ملت مظلوم و بندگان الله شود را دوست نداشت و آن را جهاد نمی دانست، و زندگی مردم را امانت می پنداشت و به امانت داری وصیت می فرمود.

نسبت به وضع زندگی و معیشت مردم بسیار دلسوز بوده و به مجاهدین تاکید می کرد در ساحات تحت کنترول شان، زمینهٔ اشتغال به مردم فراهم شود و تا حد ممکن فرصت و امنیت مناسب، مساعد گردد تا مردم به نحو احسن به کار و بار و کمایی رزق حلال شان مشغول بوده و مشکلی در این باره نداشته باشند.

منصور صاحب شهید – تقبله الله – جز صفات فوق الذکر خصوصیات فردی زیادی داشته اند که همه زیبندهٔ قیادت و رهبری ایشان برای امارت اسلامی بود، که ما اینجا به عنوان مشتی نمونه خروار چند تا را یادآور شدیم؛ ولی بدون تردید ایشان یک شخصیت ایده آل و کاریزماتیک بود که کمتر کسی در موقعیت ایشان به چنین موفقیت هایی دست می یابد.

سید سعید



یو الګو شخصیت

اروابناد استاد (ریان)

ډیر تفاوت شته په انسان کې دمعنی په لحاظ

واړه لګیا دي ځیني ځان ځیني جهان جوړي

عدم او وجود، وجود او عدم کائیناتو کې د ټولو اجسامو او اشیاوو د واحد وجود دوه متضاد اړخونه دي،د اضدادو د مذکوري اجتماع څخه یوازې او یوازې دکائیناتو خالق او پالونکی ازلي او ابدي ځښتن مستثنی دی نور ټول مخلوقات په همدې صفت موصوف دي.په بل عبارت وجود دعدم دوهم نوم دی او عدم د تلپاته وجود پیل دی.

نیکمرغه هغه څوک دی چې وجود یې دبشریت دسوکالۍ او اصلاح سبب شي او د عدم په خبر یې لیدلي او نالیدلي سترګې لندې شي،خو دزړسوي وړ بیا هغه کسان دي چې وجود یې په مځکه کې د فتنې دوجود باعث شي او په عدم یې دخدای جل جلاله مخلوقات د خوشحالۍ احساس وکړي.د بني نوع په وجودي نړۍ کې د نیکمرغه او بدمرغه پیل له قابیل او هابیل څخه شروع شوی او همدې لړۍ ترمعاصري نړۍ پورې مختلف پړاونو وهلي دي.

د عدم او وجود له بشري کاروان سره هره ورځ د بې حسابه هستیو وجود اعلانیږي او همدا رنګه هره ورځ ترحساب تیرې هستۍ له وجود سره مخه ښه کوي.دې وروستیو کې زموږ داسمان له مداره د جهاد ،تعلیم او فرهنګ یو ځلانده ستوری راولوید.هو !زموږ له منځه دجهادي او فکري مبارزې یوه لویه هستي له نیستۍ سره مخ شوه،دغه لویه هستي په بشري ټولنه کې د عبدالله ګل ریان په نوم مسمی وه چې په نیستۍ یې موږ له ډیرو ګټو بې برخي شولو، الله تعالی دې دوی ته خپله رضاء او لقاء ور په برخه کړي.

اروابناد استاد انجنیرعبدالله ګل ریان صاحب د ګران هیواد نومیالی عالم،مجاهد ،لیکوال،مترجم، څیړونکی او ټولنیز شخصیت و،په ۱۳۳۲هش کال د غزني په قرباغ کې دنیا ته راغلی او د۱۳۹۵هش کال دثور دمیاشتې په ۹مه نیټه یې دسرطان د ناورغۍ له امله د هجرت په دیار کې خپله اروا ملک الموت ته وسپارله او له فاني دنیا ګۍ څخه دبقاء وښکلې نړۍ ته وکوچید.

انا لله وانا الیه راجعون !

استاد ریان افغانستان کې دکمونیزم د کرغیړني ایډیالوژۍ پرضد هغه ځوان مبارز و، چې دوه واره د کمونیزم په وحشي زندانونو کې بندي او په اعدام محکوم شو، خو لوی رب دخپل حکمت له مخې دمزید خدمت لپاره دواړه واره د دښمن له منګولو وژغوره،استاد دکمونیزم په خلاف جهادي بهیر کې هجرت وکړ، دهجرت په مهال او د اسلامي انقلاب تر بریالیتوب وروسته کابل کې په ګڼو جهادي، سیاسي او فرهنګي دندو پاته شو،په بیلابیلو چاپي خپرونو کې یې مقالې چاپ شوې،په مختلفو کنفرانسونو، سیمنارونو او راډیویې پروګرامونو کې یې علمي او جهادي بیانونه وکړل.

استاد کابل کې دمجاهدینو ترمنځ دخپلمنځي نښتو په مهال رسمي دنده ترک کړه او د غزني په نور المدارس کې یې د ښوونکي ویاړلې وظیفه پیل کړ.

استاد ریان د طالبانو داسلامي تحریک په لومړیو کې په دغه خوځښت کې خدمت پیل کړ،د کندهار پوهنتون د عمومي رئیس،د کابل پوهنتون د طب انستیتیوت درئیس او د بهرنیو چارو وزارت کې د څلورم سیاسي ریاست د رئیس په توګه یې دندې ترسره کړې دي.

استاد ریان رحمه الله پرافغانستان دامریکایي یرغل څخه وروسته یو ځل بیا هجرت وکړ،د هجرت په دیار کې یې په تعلیمي او فرهنګي ډګر کې نه هیریدونکي خدمتونه ترسره کړل،پر دیني، جهادي، تاریخي،فکري، او ټولنیزو موضوعاتو یې ګڼ شمېر کتابونه او مقالې تصنیف او ترجمه کړې.

استاد د صبر غر او د استقامت منار و:

استاد دزمان او مکان په مختلفو سختو او امتحاني حالاتو کې په سیده لاره باندې استقامت وکړ، د سنګر او دفتر ډیر ملګري یې د امریکایي یرغل په ډالري لسیزه کې له سیده لارې واوښتل او تر امریکایي بیرغ لاندې یې د بل ډول ته اتڼ وکړ،استاد ته دې لار ورکو انډیوالانو پیغامونه واستول چې که ورشي په دې او هغه دنده به کار ورسره وکړي،د هجرت او غربت له سختیو به خلاص شي،خو استاد پر ډالري معاش،خارجي سفرونو او عیشونو دقرضونو تربوج لاندې د مسکنت ژوند ته ترجیح ورکړه.

استاد له خپل پراخ مقبولیت، شهرت او د ندو څخه شخصي استفاده ونه کړه، د قوت لا یموت ژوند یې کاوه او دژوند تر پایه کرایې کور کې واوسیده، استاد دیادې شوي تش لاسۍ سره سره داسې صبر درلود چې په ژبه او څېره یې دغربت اثار نه ښکاریدل، دومره مطمین به و، تابه ویل چې داسبابو په معاصره نړۍ کې د هیڅ شی له کمي سره نه دی مواجه.

د استاد ریان تسلیم او رضاء:

د استاد له وفات څخه ټیک یوه میاشت مخکې داستاد کشر زوی بشیراحمد ریان چې کندهار کې دچنگیز دځایناستي جنرال رازق له لوري تر دوې میاشتې بند وروسته په شکنجو کې شهید شوی و، خاورو ته وسپارل شو. استاد ریان مسافرۍ کې د ناروغۍ پر بستر پروت و چې د ګران زوی شهید بشیر په شهادت خبر شو، استاد په دغه حالت کې دالله تعالی پر قضاء خپله رضاء په دې الفاظو بیان کړه: » د سرطاني لومړني تومور دبیماري د درملنې په هیله او ډېرو ټیستونو او سکینونو په ګڼه ګوڼه کې، نژدې یوه میاشت په لاهور کښې پاته شوم. کشرزوی مې – بشیر احمد ریان – په کندهار کې بندي و. مشر زوی مې -عبدالواحد ریان – تل دهغه د ژر خلاصون تسلاء راکوله.

دمسافرۍ یوه ورځ – د۱۳۹۵هش کال، د حمل دمیاشتې اتمه نېټه- مازدیګربې دایمان او توکل په رڼا کښې، په لوڅو او لنډو تورو راته وویل: د تقدیرخبره ده، بشیرشهید سوی دی. دانساني عاطفي په غوښتنه مې بدن ولړزید خو د – انا لله وانا الیه راجعون – مبارکو تورو په تکرار مې اختیار پردی نشو. له ځان سره مې وویل: که زه دکمونستانو په بند کښې چې په اعدام محکوم شوی وم، شهید کړای شوی وای، بشیراحمد څه چې یو زوی به مې هم نه و. یا که اوس، خدای مکړه، دا شهید زوی مې، په داسې مرګ مړ شوی وای چې په دعا او فاتحه یې شرمیدلای، بیا به مو څه کول، اوس خو الحمد لله هغه د عزت مړینه یې په برخه شوه چې هرمسلمان یې دځان لپاره غواړي او. «

د استاد د شفقت او سخاوت یوه بېلګه او خاطره:

تقریبا یوه لسیزه وړاندې له خواږه ملګري باختر میوند وال صاحب سره داستاد ریان کورته ولاړم، په لومړني ملاقات کې مې داستاد مهرباني، اخلاص او د ځوان کهول دروزنې حرص حس کړ، څه وخت وروسته مې استاد ته دلیکنې په نوم څو کرښې د اصلاح په موخه وړاندې کړې، استاد غلطۍ راته اصلاح کړې، خو ورسره یې ډېر زیات تشویق کړم، ورپسې مې یوه بله ماته ګوډه لیکنه وښوده، استاد زما د هڅونې په موخه لیکنه دومره خوښه کړه، ویل یې بس هیڅ کمی پکې نشته، دنشر وړ ده، څرک مجلې ته به یې د خپریدو لپاره واستوم، کله چې مې په څرک کې خپله لیکنه ولیده، ډېر خوشحاله شوم، لیکنه چې مې ولوستله دوې درې تېروتنې چې زه نه پرې پوهیدم، استاد راته اصلاح کړې وې او بیا یې اصلاح شده لیکنه مجلې ته لیږلې وه.

ورپسې مې د استاد د لارښونو، مشورو او هڅونې له برکته په ځینو خپرونو کې دنشر لپاره دځه لیکلو زړه وکړ، که کومه لیکنه مې د مهربان خدای جل جلاله په حضور کې مقبولیت ومومي، الله تعالی دې مو ټولو کړنو او هڅو ته د خپل بې مثاله فضل وکرم له مخې د قبول شرف ورپه برخه کړي، باوري یم چې په ثواب کې به یې داستاد ریان ځانګړې برخه موجوده وي.

د ۲۰۰۸ز، کال لومړیو کې استاد راته ویل چې په اوسني وخت کې لیکوالي بې له کمپیوټره نه کیږي، زما زامنو د دوکان لپاره کمپیوټرونه اخیستي دي، قیمت یې څلور زره دی، یو کمپیوټر پکې خوښ کړه، له دې امله چې کمپیوټرونه مو دمضاربت په پیسو اخیستي دي، که مو پیسې خپلې وای خو څه خبره نه وه، نو په میاشت کې زر- زر ورکوه، څلورو میاشتو کې به یې قیمت اداء شي او یا څلور میاشتې وروسته بیا پیسې ورکړه.

له استاد څخه مې داسې څه واوریدل چې نه مې وو اوریدلي:

له مرحوم استاد څخه مې د ټولنیز ژوندانه په اړه داسې څه زده او اوریدلي چې دژوند په مختلفو برخو کې یې ګټه راته کړې ده، له استاد څخه مې په هره ناسته کې پر ادبي، تاریخي، جهادي او مذهبي موضوعاتو بیل بیل بحثونه، تحلیلونه اونوي خبري اوریدلي دي، د بېلګې په توګه: استاد ویل چې نوی ساینس له دین سره ټکر نه لري، هغوی تېر وتلي دي چې ساینس له دین سره په مخالفت تعبیروي، فقط دومره توپیر پکې شته چې دین کائیناتو کې دعدم او وجود، تخلیق او تکوین حکمت بیانوي، اما ساینس بیا دهمدې شیانو علت توضیح کوي. داستاد وینا ده چې د نفس له لوري هڅونو ته حوادث او د شیطان له خوا خیالونو ته وسواس ویل کیږي. شیطان دانسان همیشنی دښمن دی، خو نفس له اماره څخه په لوامه، مطمئنه، راضیه او مرضیه بدلیږي. استاد ویل په کوم فن او مسلک کې چې څومره معلومات حاصلیږي هومره مجهولات ورسره زیاتیږي، د استاد خبره ده چې شعر وشاعري تر ډېره حده د بې سوادې ټولنې زیږنده ده، مثال یې عربي خلیج کې د جهالت زمانه اوزموږ ټولنه ده. د استاد دقیمتي خبرو له جملې څخه یوه داچې په کار او تعلیم کې فطري استعداد، شوق او زیار ګالل د بریالیتوب عمده ټکي دي.

د استاد ریان رحمه الله ارمان:

استاد ریان ددې ارمان درلود چې یوه داسې علمي اداره جوړه کړي چې دیني او عصري علوم په متوازي ډول پکې تدریس شي، استاد ویل داسې یوه اداره مې جوړه کړې چې د دولسم فارغ به یې پر یوه وخت هم د کانکور امتحان ورکولای شي او هم به ددې جوګه وي چې لویه دوره وکړي،

خو پر مځکه نه، بلکي خلا کي واقع ده.د جهاد او دعوت د ډګر مبارزين په تېره مشران او رهبران بايد داستاد دغه ډېر ګټورارمان پوره کړي، ذهني وجود ته يې عملي او عيني بڼه ورکړي، ګټه به يې داوي چي له دښمن سره د مقابلې لپاره به مو په علمي او فکري ميدان کي د داسي کسانو ښوونه او روزنه ترسره کړې وي، چي په علم، کتاب او قلم هم له خپلو ارزښتونو او عليا مصالحو څخه ننګه وکړي او هم د يرغلګرو پر شومو پلانونو او نيرنګونو کاري ګوزارونه وکړي.

د استاد ريان ليکلي او ژباړلي چاپ او ناچاپ اثار:

- شمۀ ازشکنجه هاي مشهود درمحابس افغانستان. ١٣٥٩
- مارکسستها چه کردند؟
- چي ومولیدل، نو ومومنل
- اسلامي علمي نهضت
- نبوي ژوند. دوه ځله چاپ سو
- زرينه لړۍ .
- د ژوند راز اودخاطراتوجهان - اهتمام
- مسلمان ساينس پوهان
- څرنګه مطالعه وکړو؟
- څرنګه امتحان ورکړو؟ (له څرنګه مطالعه وکړو) سره يوځای چاپ سوه.

ژباړې:

- خورې مه ژاړه- له فارسي شعرڅخه-
- داخترونومسئلې .- له اردوڅخه-
- دجمعې دلمانځه مسائل .- له اردوڅخه-
- دمسجدونومسئلې - له اردوڅخه-
- دموزو مسئلې - له اردوڅخه-
- دماثوره خطبو ټولګه- له اردوڅخه-
- دشرک او بدعت مسئلې- له اردوڅخه-
- نن الله تعالی ناراضه دی - له اردوڅخه-
- د قرآن او لمانځه برکتونه- له اردوڅخه -
- دصهيونيزم دروغجنه ډرامه" هلوکاست" - له انګليسي څخه -
- په تصوف کښې څولاړښووني.- له اردوڅخه -
- دغسل مسائل - له اردوڅخه -
- داوداسه مسائل .- له اردوڅخه-
- عقيده ،عبادت اوسلوک - له فارسي څخه ـ ١٣٨٨هـ ش-
- تحفة النکاح - فارسي ته - ١٣٨٨ هـ ش ـ
- مسائل عمره - له اردوڅخه -
- دميرمنو دحج مسائل - له اردوڅخه-
- مسائل ميت (له اردوڅخه)
- دسفرمسئلې(له اردوڅخه)
- آسانه لمونځ - له اردوڅخه-
- تصوف اوسلوک.- له اردوڅخه-
- سير القمر و عيدالفطر . - له اردو څخه- له مسلمان ساينس پوهانو سره يوځای چاپ سوې.
- مسنوني دعاوي.
- دمور او پلار نافرماني- له فارسي څخه-
- دجنت ستاينه - له فارسي څخه-
- علاج باقرآن - فارسي ته-
- دګران نبي خوږې دعاګاني - له اردوڅخه-

چاپ ته تيار کتابونه:

- مسلمانه ميرمن – ليکنه-
- فلسطين دتاريخ په اوږدوکې – ليکنه-
- طالبان دافکاروپه تله کې- ليکنه -
- روح او روحيات(تاليف- ١٣٨٩ جدي) په آذان مجله کي يې دوي برخي خپري سوې.
- ليدلي نړۍ "جهانِ ديده" ژباړه
- دبري اوماتي لاملونه- سرطان ١٣٨٩هـ ش-غوراوی او ژباړه-
- وته وړه ده خودسرو زرو تکره ده- له اردوڅخه غوراوی او ژباړه-
- خلاف يا اختلاف - له عربي څخه-
- علوم القرآن - له اردو څخه ژباړه ،١٣٨٨عقرب-
- د نيکمرغۍ لټون – ژباړه

استاد په لسهاوو کتابونه ليکلي او ژباړلي دي، خود ځان په اړه يې څه نه دي پکي ذکر کړي، استادريان رحمه الله پنځه کاله مخکي راته ويل چي عمر يې ٢٣ کالو ته ورسيږي، بيا به خپل ژوند ليک خپروي، داستاد له دې خبري داسي معلوميده چي تر نبوي عمر د زيات ژوند ارزو نه لري، دتقدير پريکړه وه چي استاد د ٢٣ کلونو په عمر داجل داعي ته لبيک ووايه.
اروابناد استاد انجنيرعبد الله ګل ريان صاحب تکړه عالم، نوميالی مجاهد ، برلاسی ليکوال، خوږژبی ژباړن، فصيح داعي، مهربان استاد ،نه ستړی کيدونکی ميلمه پال، د صبر غر، د استقامت منار او د ګڼو نورو نيکو صفاتو څښتن يو الګو شخصيت و.
الله تعالی دي مرحوم استاد ريان ته خپله رضاء، لقاء او عالي مقامات ورکړي او کورنۍ ته يې دي جميل صبر، جزيل اجر او د دارينو سعادت ورنصيب کړي. امين يارب العالمين !

✍ عبدالرؤف حکمت

نگاهی به زندگی مرحوم مولوی سید محمد حقّانی (رح)

بتاریخ 22 ماه سوم 1437 هجری قمری مصادف با دوم جنوری 2016 میلادی، مولوی سید محمد حقانی شخصیت محبوب و نیکنام داعیهء اجل را لبیک گفت، در اینجا در کنار ترتیب سلسلهء سوانح ماهوار توجهء شما را به معلومات مختصر دربارهء زندگی این شخصیت ستوده جلب میداریم.

مولوی سید محمد حقانی فرزند حاجی ملا لعل محمد آخند به قوم پشتون / اچکزی در سال 1972 در یک خانوادهء متدین و علمی در کلاچهء اچکزو در منطقهء محله جات نزدیک شهر قندهار در ولسوالی دند ولایت قندهار دیده به جهان گشود.

نامبرده فرزند بزرگ خانواده از کودکی به فراگیری علوم دینی آغاز نمود، بعد از حاصل نمودن تعلیمات ابتدایی در خانه، پس از آن در خوردسالی از یک عالم مجرب و دانسته مولوی لال محمد آخند که از طرف مادرش، پدر کلان بود، یادگیری علوم دینی را شروع کرد و کتاب های اولیه را از او آموخت.

بعد از انقلاب کمونیست ها ایشان پیش از اینکه برای یادگیری کتب دینی رخت سفر بربندد، از علماء کثیری در مساجد شهر قندهار دروس دینی را فرا گرفت، بمانند مدرسهء احمدیه در منطقهء گنج چوب شهر قندهار، آخندزاده حمیدالله جان در منطقهء شراکت میوه، مولوی عبیدالله جان صاحب ثانی و مولوی عبدالعلی صاحب علوم دینی را فراگرفته و برای تعلیمات بیشتر از کشور هجرت کرده و به شهر کراچی پاکستان سفر کرده و در آنجا به تحصیل پرداخت.

محبت و عشق بی مثال به علم

اقرار زبانی خود حقانی صاحب است که در زمان تعلم و طالبی بغیر از کتاب و درس به هیچ چیزی خود را مشغول نکرده است، دوستان و اقربای نزدیک و دوستان درس ایشان نیز این سخن را بیان می کنند که نامبرده در هنگام تعلم یک شاگرد و طالب جدی و زحمت کش بود که حتی بین دیگر و مغرب نیز بسیاری اوقات به مطالعه مشغول میشد.

حقاني صاحب بعد از مدت زمانی تحصیل در شهر کراچی به شهر کوئیته، بلوچستان رفت و در مدرسهء مشهور مظهر العلوم در شالدره داخله گرفت، در این مدرسه پس از دو سال تعلم در یک مدرسهء مشهور دیگر الجامعة اسلامیه الاشرافیه به یادگیری دروس آغاز کرد که تا زمان فراغت به مدت هفت سال در این مدرسه به تحصیل علوم دینی ادامه داد.

ملا محمد حسین آخند مامای مرحوم حقانی صاحب می گوید که حقانی صاحب محبت و عشق فراوان با کتب دینی و درس داشت، خانه اش در قندهار که به کوئیته نزدیک است، اما برای تعلم علم بیشتر از یکسال را در انجا میگذراند، 13 ماه بعد به خانه بر می گشت و در هنگام برگشت و در خانه نیز همیشه به تعلم و تعلیم مشغول بود.

در سال 1994 میلادی هنگامیکه یک حرکت جهادی بنام تحریک طالبان از سرزمین ابایی ایشان شهر قندهار شروع گردید، حقانی صاحب در مدرسهء اشرفیه در آخرین دور فراگیری دروس دینی "صحاح سته" بود و در حال اتمام تعلم و فراغت بود.

بتاریخ سوم نومبر 1994 میلادی مصادف با سیزدهم عقرب 1373 هجری شمسی روزی بود که در جریان مراسم شاندار و بزرگی حقانی صاحب دستار فراغت علوم دینی را بر سر نهاد، بعد از تصرف ولسوالی پنجوایی ، دند و بولدک به سمت شهر قندهار سوقیات را آغاز کردند، بعد از دو روز بتاریخ پنجم این شهر را از تفنگسالاران و قومندانان آزاد گردید.

مولوی سید محمد حقانی صاحب اجازه نامهء احادیث را از شیخ مشهور عالم بزرگ ابوعبدالله نور حبیب سواتی صاحب حاصل نمود و بشمول شیخ الحدیث عبدالبصیر صاحب تعداد کثیری از علماء کرام دستار فضیلت را بر سر ایشان گذاشتند.

استراحت سه روزه

ملا محمد حسین مامای حقانی صاحب می گوید: بعد از فراغت وقتیکه میخواستیم همراه حقانی صاحب به شهر قندهار بازگردیم، هنگامیکه به بولدک رسیدیم راه بند بود، زیرا طالبان در شهر قندهار جنگ را شروع کرده بودند، به از مدتی تاخیر طالبان شهر قندهار را تصرف کردند و ما به خانه برگشتیم، حقانی صاحب سه روز را در خانه بود و روز چهارم از خانه رفت، و در صف امارت اسلامی شروع به خدمت و جهاد نمود و در آخر روح خود را در این تحریک و خدمت در این صف به باری تعالی سپرد.

ملا محمد حسین آخند می گوید: آرمان همیشگی والده شریف حقانی صاحب این بود که من هیچگاهی از دیدن و بودن با فرزند بزرگ، صالح و شریف خود حقانی سیراب نشدم، از کودکی بدنبال فراگیری علم همیشه مسافر و از من دور بود و بعد از فراغت و در روز سوم به تحریک طالبان پیوست و همیشه بیرون از خانه و دور از من بود و آخر در این راه به حق پیوست.

خدمات و مسئولیت در امارت اسلامی

همانگونه که پیشتر نیز متذکر شدیم مولوی سید محمد حقانی صاحب بعد از تصرف قندهار به دست طالبان از پیشگامانی بود که خدمت در صف تحریک اسلامی را آغاز کرد، نامبرده وظیفه اش را از ریاست اطلاعات و کلتور در قندهار آغاز کرد، ریاست اطلاعات و کلتور که در دوران جنگ های تنظیمی، مرکزی برای تفنگسالاران بوده و محیط انرا بوی چرس و سیگار پُر کرده بود، بشمول سیدمحمد حقانی صاحب به همکاری جوانان فرهنگی تحریک یکبار دیگر این ریاست به مرکز علم و فرهنگ تبدیل گردید.

طالبان در نیمهء ماه عقرب وارد شهر قندهار شدند و بعد از مدت کوتاهی یعنی در ماه جدی همان سال نه اینکه روزنامهء مشهور طلوع افغان قندهار را چاپ و نشر کردند بلکه رادیو را نیز فعال ساخته و پس از آن سلسلهء چاپ مجلات خلافت و قندهار را نیز آغاز کردند که در شماره های نخست همان سال چندین مضامین ونگارشات مرحوم حقانی صاحب نیز محفوظ است.

مرحوم حقاني صاحب پس از آن معاون ریاست اطلاعات و کلتور ولایت قندهار و بعد از مدتی رئیس آن ریاست تعیین گردید. که در هنگام مسئولیت خود خدمات فرهنگی قابل توجه ای انجام داد.

بعد از فتح کابل توسط طالبان، نامبرده معاون اداری وزارت امور خارجه تعیین گردید اما بعد از مدت کوتاهی رئیس ریاست امور اداری مقرر گردید.

از آنجائیکه پیش از طالبان سیستم اداری حکومتی در کابل و ولایات کاملاً فلج بود، یکی از کارنامه های بزرگ طالبان دوباره فعال نمودن ادارات بود، که در این عرصه جناب حقانی صاحب خدمات قابل قدری انجام دادند.

مرحوم حقاني صاحب در یکی از یاداشت های خود نوشته است: وقتیکه سلسلهء فتوحات ولایات مشرقی آغاز گردید، کمیسیون خاصی تحت ریاست ملا نورالدین ترابی صاحب تعیین گردید تا ادارات مناطق مفتوحه را فعال نماید، آنها با رفتن به هر ولایت تشکیل اداری آن ولایت را مشخص کرده و نظام اداری را فعال می نمودند، بطور مثال با رفتن به ولایت ننگرهار شهید مولوی احسان الله احسان به حیث والی آن ولایت تعیین گردید، و بدین ترتیب رؤسای دیگر نیزمقرر شدند، چند روز بعد وقتیکه مجاهدین کابل را فتح کردند، برای کنترول امور در کابل شورای عالی رتبهء شش نفره از جانب عالیقدر امیر المومنین تعیین گردید، پس از آن برای فعالیت عاجلانهء ادارات حکومتی در کابل، تمام رؤسای ولایت قندهار را به حیث وزرای سرپرست وزارتخانه های مربوطه در کابل تعیین کرد، و بدین ترتیب همزمان با فتح کابل، ادارات نیز بدون هیچگونه موانع و تاخیر فعال شدند و به امور اصلاح و انکشافی خود ادامه دادند.

ایشان در مورد کار ریاست امور اداری می نویسد: مطابق به اصول حکومتداری در زمان حاکمیت امارت اسلامی، ریاست امور بحیث مرکز کنترول و بررسی امور اداری حکومتی فعالیت می نمود، عرایض، پیشنهادات و راپورهای تمام وزارتخانه ها ، ریاست ها و ولایات از این طریق به ریاست الوزراء و دفتر امیر المومنین می رسید، همچنین فرامین، هدایات و احکام رهبری نیز از طریق ادارهء امور به تمام وزارتخانه ها و مراجع مربوطه رسانده میشد.

رئیس ادارهء امور عضویت کابینه را داشت و مسئولیت منشی شوری را نیز بر دوش داشت، بناءً این کار در در هماهنگی و شفافیت امور حکومتی بیشتر مفید واقع میشد، شورای وزیران امارت اسلامی هر چهارشنبه مجلس داشت، پیش از مجلس از جانب هیئت خاصی اجندای مجلس ترتیب می گردید، که مجلس بر آن بحث مینمود، فیصله های مجلس گاهی به زبان پشتو و گاهی به زبان دری نوشته میشد و از سوی ادارهء امور به مراجعهء مربوطه در تمام ریاست ها برای اجراء فرستاده میشد.

حقانی صاحب بعد از ریاست ادارهء امور بحیث سفیر افغانستان در اسلام آباد تعیین گردید اما حدود یکسال دوباره به ریاست ادارهء امور گماشته شد، ایشان که دارای استعداد قابل توجه ای در ادارهء امور بود تا زمان تجاوز آمریکا بر افغانستان در همین مسئولیت ایفای وظیفه بود، که در کنار آن بحیث منشی شورای وزیران امارت اسلامی نیز اجرای وظیفه مینمود.

بعد از تجاوز آمریکا بر افغانستان که پایتخت و شهرهای بزرگ کشور از سوی تجاوزگران اشغال گردید و مجاهدین به مناطق اطراف و دوردست رفته و دست به جهاد مسلحانه زدند، مرحوم حقانی صاحب نیز در کنار مجاهدین دیگر در میدان جهاد از هیچ نوع خدمت روی گردان نبود که بالاخره در سال 2007 میلادی بحیث معاون کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی ایفای مسئولیت نمود.

در این مرحله ایشان با اخلاص، جدیت و تدبر کامل زندگی خود را وقف جهاد فرهنگی و نشرات بر علیه تجاوز و اشغال کفری نمود و در کنار رئیس کمیسیون فرهنگی بحیث یک دوست و همکار مخلص، فداکار و پُرکار برای دفع امواج طوفانی تبلیغاتی غرب و عمران و آبادسازی سنگر مبارزات جهادی نشراتی تاثیر گذار کار می کرد.

تجاوز آمریکا بر افغانستان همانگونه که یک ایتلاف وسیع از نگاه نظامی را با خود همراه داشت، بُعد تبلیغاتی آن نیز به همان اندازه وسیع بود اما در مقابل حجم و موثریت فعالیت نشراتی مجاهدین نیز چنان دقیق و تاثیرگذار بود که حتی دشمن نیز بر توانمند بودن آن اعتراف نمود و فعالیت رسانه ای مجاهدین را سریع و موثر برشمرد. که در کنار مجاهدین قلمی بسیار یکی از غازیان خستگی ناپذیر و شخصیت پُرکار حقانی صاحب ود که از الله متعال استدعا داریم، خدمات و فعالیت او را در دربار خود قبول نماید.

مرحوم حقاني صاحب در خاطرات دوستان

یکی از دوستان دیرینهء حقاني صاحب، مولوی امیر خان متقی صاحب می گوید:" حقانی صاحب یک عالم دینی هوشیار و دانا بود، با جهاد و امارت اسلامی از تهء دل محبت و خلوص داشت، لیاقت خاص در کارها و امور اداری داشت، وفاداری و محبت با دوستان و همکارانش راستین و حقیقی بود، در کارهای عملی ابتکار خوبی داشت با غم و درد مردم عام غمگلین و در خوشی آنها خوشحال بود".

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی:" حقانی صاحب یک منار گفتن حق، دیدن حق، شنیدن حق، پذیرفتن حق و زندگی کردن حق بود، وقتیکه یقین مینمود این راه حق است در بدل هیچ چیزی آن مسیر را ترک نمی کرد، در هنگام فیصله ها در مورد منازعات و مشاجرات همیشه به حق می نگریست، هیچگاهی بخاطر ناراحتی و خفگان دیگران از حق نمی گذشت، تا آخر عمر بر حق باقی ماند و با دوستان حقیقی بر راه حق به حقیقت پیوست.

قاری محمد یوسف احمد سخنگوی امارت اسلامی :" مرحوم حقانی صاحب بار بار برایم می گفت که با دوستان همکار خود باید هر اندازه که ممکن است، نزدیک و صمیمی باشید، زیرا دوری چیزی است که بر کارها تاثیر مستقیم منفی می گذارد و خود ایشان وقتی فضای دوستانه و صمیمی بین همکاران را مشاهده می کرد بسیار خوشحال می گردید، از شهرت و خودنمایی دوری می کرد و یک انسان مخلص و نزدیک به خداوند متعال بود.

مولوی عبدالرحیم ثاقب نویسنده و تحلیلگر:" مرحوم حقانی صاحب در تمام این مدت بحیث یک دیپلومات اداری با تجربه و دانا مسئولیت های خود را اجراء کرده است، اما هیچگاهی خود را بر دیگر دوستان خود بالاتر نمیدانست بلکه کوشش می کرد از تجارب کاری و آگاهی دوستان خود استفاده کند.

ملا عتیق الله عزیزی نویسندهء مشهور کشور: هرباری که من با او روبرو شده ام از زبان و دهان این منار رفیع اخلاق و دیانت چنان توصیف و نقاط مجرب بیان میشد که باور کنید برای من بسیار قیمتی و ارزشمند ثابت می گردید و باعث سرعت در خدمت می گردید، هیچ وقت نشنیدم که بگوید فلان کار یا کارنامه را من انجام داده ام بلکه هرچیز را محصول و نتیجهء خدمات دوستان می دانست.

برادران مرحوم حقانی صاحب در مورد زندگی ایشان می گویند: مرحوم حقانی صاحب در زندگی شخصی خود نیز عادات بسیار جالب داشت، هیچگاهی با کسی ناراحتی نداشته و به کسی حسد نمی ورزید، به کرات چنین شده است که کسی از او ناراحت بود و به ایشان حسد می ورزید مگر او شخصاً به خانه اش می رفت، حتی اگر آن شخص خود را پنهان می کرد اما او به اعضای خانواده اش می گفت که بروید فلانی را بیاورید که من با او کار دارم و بدین ترتیب هرکس را مجبور می نمود با او دوستی و روابط نیک داشته باشد. به برادران خود همیشه توصیه می مود که صله رحمی و روابط خویشاوندی را هیچگاهی قطع نکنید، اگر کسی هرچه در مقابل شما انجام میدهد، شما باید تنها بنابر حیث اصل دینی به صله رحمی و روابط خویشاوندی پایبند باشید، به خانواده های شهداء و ایتام بسیار توجه مینمود و تا اندازهء توان خود به آنان کمک می کرد.

وفات:

حقانی صاحب برای انجام وظایف جهادی خود مشغول سفر بود که بروز شنبه مطابق با 22 ربیع الاول 1437 هجری قمری در نتیجهء بیماری که عاید حالش گردید، روحش را به مالک حقیقی خود تسلیم نمود. انا لله و انا الیه راجعون

مرحوم مولوی سیدمحمد حقانی صاحب پنج برادر و هشت فرزند صالح دارد، که لله الحمد در همهء آنها آثار و صفات ایشان آشکار است و پسرانش مشغول فراگیری دروس دینی هستند.

خبر وفات حقانی صاحب در رسانه ها و شبکه های اجتماعی به شکل بی مثالی فراگیر گردید و بسیار مردم مراتب حسرت و تسلیت خود را ابراز کردند، از سوی رهبری امارت اسلامی در مورد وفات ایشان تعزیت رسمی نشر گردید که در بخشی از آن آمده بود: رهبری امارت اسلامی افغانستان، شورای رهبری امارت اسلامی و کمیسیون فرهنگی امارت اسلامی به نمایندگی از تمام مسئولین ومنسوبین امارت اسلامی مراتب تعزیت و تسلیت را در مورد وفات ایشان به خانوادهء محترمشان تقدیم میدارد.

خداوند متعال خدمات جناب حقانی صاحب را در دربار خود قبول نموده و الله متعال نسبت به سختی ها و مشکلاتی که در راه عبادات دنیوی و نظام اسلامی کشیده بود را اجر کامل و فراوان عطاء کند، الله متعال به خانوادهء ایشان صبر جمیل و نعم البدل نصیب گرداند. آمین.

افغانستان در ماه اپریل ۲۰۱۶ میلادی

احمد فارسی

(اشاره: سلسله فعالیت ها و فتوحات و دست آوردهای جهادی مجاهدین امارت اسلامی و همینطور تلفات و خسارات دشمن به شکل راپور از هر ماه در وبسایت خبری "الاماره" نشر و پخش می شود؛ بخاطر اهمیت موضوع ادارۀ مجله به عنوان مشت نمونه خروار فعالیت های جهادی مجاهدین و تلفات دشمنان در ماه اپریل 2016 م را تقدیم شما خوانندگان عزیز می کند.)

((ملاحظه: این نوشتار شامل رویدادهایی است که دشمن به آن اعتراف کرده است ولازم به اشاره می دانیم که رویدادهای موثق دیگر را با ذکر معلومات بیشتر بخصوص دربارهء آمار تلفات و خسارات دشمن داخلی و خارجی میتوان در سایت رسمی امارت اسلامی افغانستان مطالعه کرد))

ماه اپریل شاهد آغاز فصل بهار و در نتیجه آغاز عملیات بهاری توسط مجاهدین بود. طی این عملیات بهاری در ماه اپریل مجاهدین علاوه بر حملهء شدید و مرگبار بر مستحکمترین لانهء دشمن در پایتخت صدها عملیات شدید را در مناطق مختلف کشور بخصوص ولایت کندز انجام دادند که باعث تلفات و خسارات در صف دشمن و متعاقبا باعث نگرانی آنان و باداران شان گردید. در ذیل به تفصیل حوادث و رویدادهای این ماه می پردازیم.

تلفات اشغالگران:

با وجود این حقیقت که دشمن اشغالگر در جریان این ماه نیز متحمل تلفات گردیده است که میتوان از کشته و زخمی شدن 11 تن از اشغالگران امریکایی به تاریخ 18 اپریل در جریان جنگ کندز بگونهء مثال یاد آور شد مگر دشمن دروغگو بی شرمانه یکبار دیگر از این تلفات انکار کرده و چنان وانمود ساخت که در جریان این ماه هیچ تلفات و خسارات جانی به آنان وارد نگردیده است. بر اساس اعتراف دشمن از ابتدای سال 2016 میلادی تا کنون تنها 3 تن از عساکر اشغالگر کشته شده اند که پس از این اعتراف آمار کل تلفات دشمن در جریان سالهای اشغال به 3515 تن می رسد که از جمله 2381 تن آن امریکایی و متباقی اشغالگران حامی امریکا در افغانستان می باشند.

حقیقتی که دشمن و جهان نیز آنرا درک می کنند اما عمداً از آن چشم پوشی صورت می گیرد اینست که تعداد کشته شدگان دشمن چی در سال جاری و چی در جریان سالهای گذشته به مراتب بیشتر از آنچه است که به آن اعتراف صورت گرفته است.

تلفات در صف دشمن اجیر:

شدت جنگ و تصرف مناطق زیادی توسط مجاهدین در سالهای اخیر از یکسو و فرار عدهء زیادی از اشغالگران از کشور از سوی دیگر باعث شده است که آمار تلفات در صف دشمن داخلی شکل صعودی را بخود بگیرد. آمار دقیق کشته شدگان در صف دشمن موجود نیست اما بر اساس راپور تهیه شده توسط اشغالگران ناتو که به روز سه شنبه مورخهء 5 اپریل توسط فرماندهء عمومی این قوا اعلان گردید در جریان سال گذشته 5000 عسکر اردوی اجیر کشته و 14000 تن دیگر زخم برداشته اند. در یک راپور دیگر که به روز پنجشنبه 8 اپریل در روزنامهء نیویارک تایمز نشر گردید، آمده است که هلمند به کشتارگاه نیروهای ادارهء کابل مبدل گردیده است. در این ولایت در 11 ماه گذشته 3000 عسکر دشمن کشته شده اند. در ذیل به بعضی تلفات وارده در رده های متوسط دشمن در جریان این ماه نظر می اندازیم:

به روز یکشنبه 10 ماه اپریل 24 تن اربکی در ولسوالی میوند ولایت کندهار طی بمباردمان امریکایی ها کشته شدند. به تعقیب آن به تاریخ 14 این ماه قوماندان شاهراه کندز – تخار همراه با هفت تن از افراد خود در ولسوالی فرخار ولایت تخار کشته شد. به فردای آن قوماندان امنیهء ولسوالی بلچراغ ولایت فاریاب در حملهء مجاهدین همراه با چند تن از افراد خود به قتل رسید.

به روز یکشنبه 24 اپریل وکیل شورای ولایتی در ولسوالی گرمسیر ولایت هلمند مورد هجوم مجاهدین قرار گرفته و کشته شد. به تعقیب آن به روز پنجشنبه مورخهء 28 این ماه رئیس خارنوالی ولایت هرات در مرکز این ولایت کشته شد.

از سوی دیگر سلسله حملات توسط افراد نفوذی در صف دشمن نیز در جریان این ماه ادامه داشت که در نتیجهء آن دهها تن از افراد دشمن کشته و زخمی شدند. در اولین رویداد حملات نفوذی در این ماه، به روز سه شنبه 12 اپریل یک پولیس در ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار 7 تن از همکاران خودرا به قتل رسانید. به تعقیب آن به تاریخ 19 این ماه یک پولیس دیگر در ولسوالی بتی کوت ولایت کندهار سه تن از همکاران خودرا به قتل رسانیده و خود موفق به فرار شد. به تاریخ 28 این ماه یک پولیس در ولایت لغمان نیز سه تن از همکاران خودرا کشته و به صف مجاهدین پیوست.

علاوه بر این در جنگ داخلی میان افراد جمعیت و جنبش در ولایت تخار بشمول یک عضو شورای ولایتی این ولایت چهار تن از افراد منسوب به این تنظیم ها به روز پنجشنبه مورخهء 14 این ماه کشته شدند.

پیوستن به صف مجاهدین:

طبق راپورهای منتشره در ماه گذشته در حدود 350 تن از عساکر اردوی اجیر ترک وظیفه کرده و به صف مجاهدین پیوسته اند. به همین شکل در جریان ماه اپریل نیز به اثر تلاش های کمیسیون جلب و جذب امارت اسلامی (۴۰۶) تن از کارمندان ارگان های مختلف اداره‌ء اجیر به صف مجاهدین پیوسته اند که تفصیل آنرا میتوان در راپور منتشره این کمیسیون مطالعه کرد. در ذیل به ذکر دو رویداد از پیوستن افراد موجود در صف اداره‌ء اجیر به صف مجاهدین بگونه مشت نمونه‌ء خروار اکتفا می کنیم:

به روز پنجشنبه مورخه‌ء 14 ماه اپریل مقامات اداره‌ء اجیر در ولایت بغلان پذیرفتند که دهها تن از اربکی ها و پولیس در منطقه‌ء قلعه خواجه دند غوری به صف مجاهدین پیوسته اند. به تعقیب آن به تاریخ 23 این ماه شش فرمانده همراه با 80 تن اربکی در ولسوالی قادس ولایت بادغیس دست از مخالفت برداشته و تسلیم مجاهدین شدند.

اعتراف به نیرومندی مجاهدین:

سلسله اعترافات به نیرومندی مجاهدین همچنان ادامه دارد و به همین سلسله به روز دوشنبه 4 اپریل مقامات نظامی اداره‌ء کابل در شمال کشور گفتند که بیم آن می رود که تا آخر سال جاری شمال کشور کاملا سقوط کند. قوماندان زون 707 پامیر گفت که آنان اطلاع دارند که طالبان تصمیم جدی برای تصرف شمال تا آخر این سال دارند. دو روز بعد از آن بعد از تسلیمی دهها تن از اربکی ها به مجاهدین مقامات اداره‌ء کابل اعتراف کردند که مجاهدین در حال پیشروی بسوی مناطق متباقی ولایت بغلان هستند.

به همین سلسله به روز جمعه 8 اپریل شورای ولایتی ارزگان از خطر سقوط چهار ولسوالی در این ولایت خبر داد. در همین حال به روز یکشنبه 17 اپریل شورای ولایتی ننگرهار اعلان کرد که در اکثر ولسوالی های این ولایت مردم مسائل خودرا از طریق محاکم مجاهدین حل و فصل می کنند و بر ارگان ها و محاکم اداره‌ء کابل اعتماد ندارند. در همین روز نماینده ولایت کندز در پارلمان گفت که اداره‌ء کابل ناکام بوده و بهتر است که قدرت را به طالبان واگذار شود. در یک اعتراف دیگر شبکه تلویزیون سی ان ان به روز پنجشنبه 21 اپریل به نقل از کارشناسان نظامی و امنیتی گفت که اداره‌ء کابل باید اعتراف کند که طالبان پیروز شدنی اند.

عملیات بهاری:

عملیات عزم از سال گذشته تا روز سه شنبه مورخه‌ء 12 ماه اپریل جریان داشت که طی آن مجاهدین دست آوردهای زیاد و بیشماری داشتند و این عملیات تلفات و خسارات زیادی را برای دشمن در طول سال گذشته بجا گذاشت. به تاریخ 12 این ماه مجاهدین امارت اسلامی عملیات جدید بهاری را تحت نام "عملیات عمری" آغاز کردند که در روزهای اول این عملیات صدها حملات شدید را بر دشمن انجام دادند که طی آن دشمن متحمل تلفات و خسارات جانی و مالی گردید. در ذیل به بعضی از این حملات مختصراً اشاره صورت می گیرد:

به روز یکشنبه مورخه‌ء 10 اپریل مجاهدین امارت اسلامی بعد از نبرد شدیدی توانستند منطقه‌ء علم خیل ولسوالی اندر ولایت غزنی را در تصرف خود در آورند. به مجرد آغاز حملات عمری و به روز پنجشنبه مصادف با 14 اپریل منطقه‌ء دند غوری ولایت بغلان یکبار دیگر در تصرف مجاهدین در آمد. در همین روز یک کاروان اکمالاتی دشمن داخلی و خارجی در ولسوالی فراه رود ولایت فراه مورد حملات مجاهدین قرار گرفته و کاملا نابود گردید. به فردای آن مجاهدین امارت اسلامی ویدیویی را نشر کردند که انفجار هلیکاپتر اردوی اجیر را در ولایت کونر به تاریخ 28 ماه مارچ نشان می داد. در این ویدیو خیلی واضح نشان می دهد که هلیکاپتر بعد از نشست توسط بم منفجر می گردد و تمامی سرنشینان آن کشته می شوند اما وزارت دفاع اداره‌ء کابل با بی شرمی تمام بعد از نشر این ویدیو گفت که هلیکاپتر مذکور در اثر تصادم با دیوار سقوط کرده است.

ولایت کندز از آغاز اعلان عملیات عمری شاهد حملات شدید و گسترده مجاهدین بود و به روز جمعه مورخ 15 اپریل مناطق زیادی در شهر ها و ولسوالی های این ولایت در تصرف مجاهدین در آمد و به فردای آن ولسوالی خان آباد توسط مجاهدین تصرف گردید و نیروهای موجود در 30 پوسته در مناطق مختلف این ولایت بعد از جنگ رویارویی با مجاهدین و تحمل تلفات و خسارات مجبور به فرار شدند.

روز دوشنبه 18 اپریل شاهد کشته و زخمی شدن 11 امریکایی و 57 تن عسکر اجیر در جریان جنگ در ولایت کندز و سقوط ولسوالی قلعه زال این ولایت بود.

به روز سه شنبه 19 ماه اپریل مجاهدین امارت اسلامی مستحکم ترین اداره‌ء امنیتی اداره‌ء اجیر را در پایتخت کشور مورد حملات استشهادی قرار دادند. این حمله که بر ریاست 10 استخبارات صورت گرفت باعث کشته شدن بیشتر از 60 تن و زخمی شدند حدود 350 تن دیگر از جاسوسان و کارمندان این اداره گردید. حمله‌ء مذکور چنان باعث افزایش نگرانی و سراسیمه گی دشمن گردید که جهت تبلیغات دروغین به همکاری رسانه های مزدور تصاویر و افلام کشورهای دیگر را به نشر رسانیدند تا به این شکل شکست خودرا پنهان نموده و چنان وانمود سازند که کشته شدگان این رویداد همه ملکی بودند. امارت اسلامی یکبار دیگر به تاریخ 21 اپریل رسانه های مزدور را متوجه وظیفه و مسئولیت شان ساخته و توصیه کرد تا با نشر اخبار کاذب و پروپاگنده علیه مجاهدین در جانب مقابل مجاهدین قرار نگیرند.

به تعقیب این رویداد به روز جمعه 22 اپریل ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار شاهد کشته و زخمی شدن 11 اربکی بود. به تاریخ 25 این ماه مجاهدین امارت اسلامی موفق به تصرف یک قرارگاه بزرگ دشمن همراه با 24 پوسته در ولسوالی شاه ولیکوت ولایت کندهار شدند.

این علاوه بر صدها عملیات کوچک و بزرگ دیگری بود که طی این ماه در جریان عملیات عمری انجام یافته و دشمن را متحمل تلفات و خسارات بیشماری گردانیده است.

حمله بر ریاست امنیت:

چنانچه گذشت به روز سه شنبه 19 ماه اپریل مجاهدین امارت اسلامی ریاست 10 استخبارات را که از جمله مستحکم ترین ادارات امنیتی اداره‌ء اجیر می باشد در پایتخت کشور مورد حملات استشهادی قرار دادند که طی آن بیشتر از 60 تن و زخمی شدند حدود 350 تن دیگر از جاسوسان و کارمندان این اداره گردید. حمله‌ء مذکور چنان باعث افزایش نگرانی و سراسیمه گی دشمن گردید که جهت تبلیغات دروغین به همکاری رسانه های مزدور تصاویر و افلام کشورهای دیگر را به نشر رسانیدند تا به این شکل شکست خودرا پنهان نموده و چنان وانمود سازند که کشته شدگان این رویداد همه ملکی بودند. علاوه بر این دشمن شکست خورده چون توان مقابله و مبارزه با مجاهدین را ندارد مصمم بر آن شد تا زندانیان سیاسی و بیگناهی را که به جرم همکاری با مجاهدین توقیف شده اند اعدام کنند. امارت اسلامی در واکنش به این تصمیم به تاریخ 29 اپریل اعلان کرد که اگر اداره‌ء اجیر کابل به چنین کاری اقدام کند، امارت اسلامی نیز از مراجع قضایی خود درخواست می کند تا در تصمیم گیری خود با در نظرداشت حکم شرعی درباره‌ء اشد مجازات برای نیروهای دستگیر شده اداره‌ء اجیر غور کند. علاوه بر این در صورت اقدام اداره‌ء اجیر به این عمل زشت و غیر انسانی مراجع عدلی و قضایی اداره‌ء اجیر مورد هدف مجاهدین قرار گرفته و قضات و سارنوال های دخیل در دوسیه‌ء مجاهدین به سزای اعمال شان خواهند رسید.

تلفات ملکی و آزار واذیت مردمی:

کشتار ملکی و آزار و اذیت مردمی رو به افزایش است و اکنون دزدان مسلح مربوط به ادارات امنیتی اداره‌ء اجیر کابل دست به اختطاف در مقابل پول و کشتار مردم می زنند. یوناما که یک نهاد حامی اشغال در کشور است به روز یکشنبه 17 اپریل خبر داد که در سه ماه گذشته حد اقل 200 تن ملکی کشته و زخمی شده اند. این اداره طبق عادت همیشگی خود از حقایق روشن و واضح چشم پوشی کرده و بیشترین مسئولیت این کشتارها را بدوش مجاهدین انداخته است. قبل از این به روز یکشنبه مورخه‌ء 10 اپریل یک روزنامه انگلیسی بنام قلب آسیا در تبصره بر کشتار غیر نظامیان در اثر حملات بی پیلوت در ولایت پکتیکا و کشته شدن افراد ملکی طی آن نوشت که سکوت اشرف غنی رئیس 50 فیصدی اداره‌ء کابل در قبال کشتار ملکی ها توسط اشغالگران برای آنان جواز می دهد تا بیشتر دست به سفاکی و خونخواری بزنند.

از سوی دیگر مناطق مختلف کشور شاهد کشتار مرموز مردم بیگناه و بی دفاع به شکل روزانه می باشد. اداره‌ء اجیر کابل اعم از پولیس و امنیت آن اکنون پس از شکست های پیهم دست به این جنایت می زنند. در جریان ماه گذشته رویدادهای زیادی از این نوع رخ داد که منجمله میتوان به کشته شدن یک جوان 16 ساله به شکل مرموز در ولایت کندهار به تاریخ اول ماه اپریل و پیدا شدن چهار جسد در حومه‌ء حوزه‌ء یازدهم شهر کابل به تاریخ 5 این ماه اشاره کرد.

علاوه بر این، بر اساس راپورهای منتشره به تاریخ 6 اپریل ولایت کندهار در جریان ماههای گذشته شاهد 150 قتل مرموز بوده است. به همین سلسله به روز جمعه مورخه‌ء 8 اپریل یکعده از خانواده های زندانیان در این ولایت گفتند که از دو هفته به اینسو تعدادی از محبوسین به شکل مرموز از این زندان بیرون کرده می شوند که بعد از آن از مرده و یا زنده شان اطلاعی بدست نمی آید.

به سلسله کشتار افراد ملکی توسط اجیران و باداران خارجی شان به اعتراف مقامات ولایت خوست یک قوماندان ملیشه ها به روز سه شنبه تاریخ 5 اپریل با همکاری امریکایی ها 5 تن از اعضای یک خانواده را بشمول زنان کشته و زخمی کرده است. به همین شکل به روز شنبه 16 این ماه اشغالگران خارجی به کمک غلامان داخلی خود در ولسوالی خروار ولایت لوگر 10 تن ملکی را بشمول اطفال به شهادت رسانیدند.

علاوه بر این یک معلم در ولسوالی سید کرم ولایت پکتیا به روز سه شنبه 23 اپریل توسط پولیس کشته شد. به تاریخ 28 این ماه مطبوعات از کشته شدن یک طفل یازده ساله که یگانه برادر 9 خواهر بود توسط اختطافچیان که با ادارات امنیتی و پولیس اداره‌ء اجیر دست داشته اند خبر دادند. در همین روز 3 تن ملکی طی حملات بی پیلوت اشغالگران در مرکز ولایت خوست به شهادت رسیدند. دو روز بعد از آن دو طفل بر اثر پرتاب هاوان توسط نیروهای امنیتی اداره‌ء اجیر در ولایت هلمند به شهادت رسیدند.

به سلسله آزار و اذیت مردمی در این ماه نیز اخبار متعددی در دست است که از آنجمله میتوان به خبر مجله سرنوشت که به روز شنبه مورخه‌ء 2 اپریل منتشر شد اشاره کرد که از چور و چپاول اموال مردم توسط اربکی ها در ولسوالی غوربند ولایت پروان خبر می داد. علاوه بر این مطبوعات به روز سه شنبه 19 این ماه از موجودیت یک جوان در زندان شخصی قوماندان امنیه‌ء کندهار از سالها به اینسو خبر دادند. به تاریخ 22 این ماه ولسوالی صبری ولایت خوست شاهد کشتار 3 تن و زندانی شدن 8 تن یک خانواده توسط امنیت اداره‌ء اجیر بود.

حقیقت اداره‌ء اجیر کابل:

در اشغال افغانستان و دست نشانده بودن اداره‌ء اجیر در کابل هیچ عاقلی شک ندارد و بجز آنانیکه چشم های خودرا می بندند تا از روشنی آفتاب انکار کنند کس دیگری از این حقیقت انکار کرده نمیتواند. تشکیل این اداره از ابتدا تا تقسیم آن توسط جان کیری و تمدید اخیر آن همه دلایل کافی برای این ادعا است. علاوه بر این بارها رویدادهای رخ داده است که این حقیقت را عیان تر می سازد. به همین سلسله به روز جمعه اول اپریل سخنگوی ریاست اداره‌ء اجیر در کابل گفت که تنها امریکا میتواند در باره‌ء بقا و عدم بقای نیروهای خود در افغانستان تصمیم بگیرد و کس دیگر را حق نمیدهد در این تصمیم گیری مداخله کند. علاوه بر این مفتش عمومی امریکا در افغانستان به روز شنبه 9 اپریل گفت که ما در افغانستان یک حکومت "خطرناک" را تشکیل دادیم.

به تعقیب این در همین روز جان کیری یکبار دیگر وارد کابل شده و مدت اداره‌ء غیر قانونی تقسیمی و دست نشانده خودرا برای سه سال دیگر تمدید کرد که این کار به نوبه‌ء خویش واکنش های زیادی را در قبال داشت.

رئیس کمیسیون شکایات انتخاباتی اداره‌ء اجیر به تاریخ 11 اپریل گفت که رابطه میان افغانستان و امریکا رابطه‌ء غلام و بادار است و تصمیم گیری جان کیری باعث شرم و خجالت برای ما است. ولسی جرگه نامنهاد نیز به روز چهارشنبه مورخه 13 اپریل اداره‌ء کابل را نوکر امریکا خواند لکن با وجود این همه اعترافات، اعتراض کنندگان و اعتراف کنندگان هنوز هم در صف نوکران باقی مانده و حاضر نیستند زنجیر های غلامی و بردگی را بشکنند.

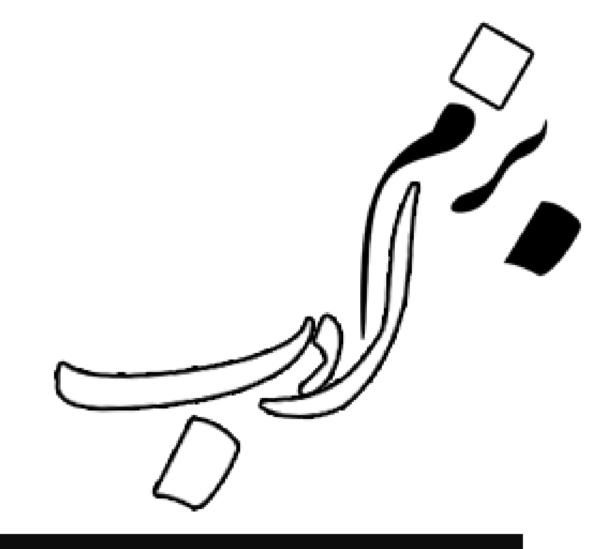
رشد اختلافات در اداره‌ء اجیر:

چنانچه در گذشته ذکر شد اختلافات زیادی میان گروههای دخیل در اداره‌ء اجیر وجود داشته که اخیراً منجر به زد و خوردهای فزیکی، قتل و قتال و زورگویی ها گردیده است. به همین سلسله به روز پنجشنبه 14 اپریل یک عضو شورای ولایتی ولایت تخار طی برخورد میان افراد مسلح جمعیت و جنبش همراه با 4 تن دیگر کشته شد. علاوه بر این به روز یکشنبه 3 اپریل والی اداره‌ء اجیر در ولایت بلخ که بنام رئیس جمهور بلخ نیز مشهور است گفت که هیچ کسی نمیتواند وی را به توسل به زور از مقامش دور کند. معاون رئیس 50 در صدی که ازجمله زورگویان بشمار می رود از انتقال برق به ولایت های جنوب شرق کشور ممانعت کرده و اجازه نداده است که برق ترکمنستان به این مناطق برسد.

بزرگان خود فروخته که تا کنون خودرا مجاهد می دانند و در انتخابات گذشته از داکتر عبد الله حمایت می کردند به تاریخ 4 این ماه بعد از اینکه سهمیه یی مناسبی برایشان داده نشد طی اعلامیه یی ریاست اجرائیه را نا مشروع خواندند. در همین حال رئیس شورای نامنهاد صلح در ولایت بلخ به تاریخ 10 اپریل گفت که اختلافات داخلی میان اداره‌ء کابل مانع بزرگ در راه صلح در کشور است. آژانس خبری رویترز به روز سه شنبه 12 اپریل طی راپوری پیشبینی کرد که اداره‌ء مشترک کابل در ماههای آینده با مخالفت های جدی سیاسی مواجه خواهد شد.

رشد اختلافات در اداره‌ء اجیر مشترک باعث شده است که تعدادی وظایف شانرا ترک گفته و از میدان فرار کنند. در این ماه نیز سفیر اداره‌ء اجیر در کشور بلجیم در عکس العمل با تعامل وزارت خارجه با وی استعفی داد. همچنان ارگ به تاریخ 18 این ماه استعفی وزیر معاون و پترولیم را پذیرفت که در واکنش به مداخله‌ء شورای امنیت در امور وزارت خویش مجبور به استعفی شده بود.

وبالاخره جنرال امرخیل، کارشناس امور نظامی به روز چهارشنبه 20 اپریل گفت که سبب اصلی و بیشتر نا امنی ها در کشور گروههای موجود در داخل اداره‌ء اجیر مشترک هستند که بخاطر منافع شخصی خود کار کرده و مصلحت عامه کشور برای شان قابل اعتبار نیست.



ملا محمد داؤد همت

شهید منصور

دخدای له عشقه خدای له میني منصور
فداشو ټول جهان یې ویني منصور

دسر په بیعه دخپل تن په وینو
دتاریخ پاڼې کړې زریني منصور

هغه دغرب او سرې خور اژدها
خنجر ور ایښی ووپرستوني منصور

دژوندانه ترخې بدرنګې شیبې
مسلم امت ته کړې رنګیني منصور

پر سرو سکروَ ټو پر اغزنولارو
تیرې یې کړې قافلې سپیني منصور

ددین وطن په ننګ داود همته!
ټوټه ټوټه شو ویني ویني منصور

له نوي امير سره بيعتونه

عرفان الله عرفاني

آذان د امارت دی لر او بر دي بيعتونه
امام سره د مینې پر منبر دي بيعتونه

لا سونه د بيعت موږ ورته ټولو دي ورکړي
سپين لمر سره د ستورو د لښکر دي بيعتونه

د شکر سجدې خدای ته مسجدونو کې ملت کړي
دعا کړې خپل امير ته بختور دي بيعتونه

قائد پسې مو کړې اقتدا عرب عجم ده
سحر دي بيعتونه مازديګر دي بيعتونه

د نوي امير وایم تبريکي ټول امارت ته
شور ځوږ د تکبيرو دی په سنګر دي بيعتونه

له رعبه يې په ټول کفري جهان کې تزلزُل دی
غازيان راځي په ډلو په نمبر دي بيعتونه

په هره شنه دره باندې بيا سپين بيرغ رپېږي
په څوکو د پامير او پر سپين غر دي بيعتونه

قائد ملا عمره ستا خلا مو ډکه کړې
په هره خوا شروع اشر اشر دي بيعتونه

ډېر پام به کړې اميره چې ارمان مو خاورې نکړې
د ټول امت نن تا سره په سر دي بيعتونه

روان هم (عرفاني) دی د قائد سره بيعت کړي
راځئ ټولو ملګرو سراسر دي بيعتونه

در سوگ امیرالمؤمنین رحمه الله تعالی

مجاهد

قهرمان قهرمانان سوی یزدان رفته است — ازجهان دل برگرفته پیش جانان رفته است

مـرد ایثار و فـداکاری و ایمـان و جـهاد — بهرمهمانی بسوی خلد رضوان رفته است

نیست والله قدرتم تابازگویم وصف او — اسوه تاریخ ملت مردمیدان رفته است

رفته اواماپیامش دردل مازنده است — جان فدای آنکه دراین عهدوپیمان رفته است

درعزایش ملت ماجملگی دلخون شده — جوی های خون زچشم دوستداران رفته است

پرکشیده سوی رضوان آن امیرالمومنین — درفراقش تافلک فریادیاران رفته است

دشمنان روسیه را باثبات خود شکست — خائن ازبیمش هراسان وپریشان رفته است

عزم اوچون عزم خالد در مصاف کاروزار — وای چون ازبین مامهر فروزان رفته است

نشکنید ای داعیان راه دین پیمان او — که او زدنیا برسرآن عهدوپیمان رفته است

جان من حزین بادا فدای راه او — زانکه اودرراه دین وعدل وقرآن رفته است

درې کسان ، درې نيکۍ

يوه ورځ درې کسان په ګډه د چکر او تفريح په موخه له کوره بهر شول، په دې وخت کې ډېر سخت باران پيل شو، هغوی په غره کې يوه سوري ته پناه يوړه. له غره څخه يوه ډېره ستره تيږه را ونښويېده او د سوري خوله يې بنده کړه، هغوی خواشيني شول، يو بل ته يې وويل : که چېرې په ژوند کې مو کومه نېکي ترسره کړې وي، نو الله (ج) ته يې واسطه کړئ، چې خدای (ج) رحم وکړي او موږ له دې سوري څخه وژغوري.

د هغوی له ډلې څخه يوه وويل : ای الله (ج) ! ته تر ټولو ښه پوهېږې، چې زه د تره په لور مې مين وم او هغه له ما سره د بد کار د تر سره کولو له پاره نه چمتو کېده، يوه ورځ يې پيسو ته اړتيا پيدا شوه، نو ماته راغله، ما ورته وويل : په يوه شرط پيسې درکوم، چې له ماسره دا بد کار ترسره کړې، هغې ونه منله؛ څو ـ څو ځله راغله، خو په پای کې اړه شوه. کله چې يو بل ته نږدې کېدو، نو د تره لور مې ستا له وېرې وربېرديېدله او وې ويل : تاته لازمه نه ده، چې دا کار ترسره کړې او زه دا کار حرام ګڼم. يا الله (ج) ! ته پوهېږې، چې ما ستا له وېرې دا کار ترسره نه کړ او ستا د رضا له پاره مې څو برابره پيسې ورکړې، همدا وو، چې تيږه د سوري له خولې لږ لرې شوه .

بل وويل : ای الله (ج) ! ته پوهېږې، چې مور و پلار مې شيدې غوښتلې، کله چې ما شيدې راوړې، نو هغوی ويده ول، نو تر سهاره هغوی ته معطل شوم، سره له دې چې وزې له کوره څخه بهر وې او د لېوانو او وحشي حيواناتو خطر هم زيات وو او ما دا کار يوازې ستا د رضا له پاره ترسره کړ. دا سوری زموږ پرمخ پرانيزه، تيږه لږ نوره هم له سوري څخه لرې شوه.

بل وويل : يا الله (ج) ! ته پوهېږې، چې يوه ورځ يوه کاريګر له ما سره ښه کار کاوه، کله مې چې د هغه مزد ورکړ، نو هغه ونه مانه، غوسه شو او ما د هغه پيسې په کروندو او نورو کارونو کې په کار واچولې، د هغه پيسې زياتې شوې او په هغو پيسو مې يو غويی او يو اوښ واخيست. يوه ورځ هغه کاريګر اړ شو او د خپل مزد له پاره راغی او ماهم ستا د رضا په خاطر هغه غويی او اوښ ورته ورکړل. يا الله (ج) پر موږ رحم وکړه، هماغه وو، چې خدای (ج) د هغوی د نېکيو په خاطر، چې ترسره کړې يې وې، هغوی د غره له سوري څخه وژغورل .

عرض معذرت و طلب دعا !

همنان طوريکه شما خوانندگان عزيز در جريان هستيد، ما در برگهای مجله حقيقت همواره مطالب متنوع علمی، تحليلی و اسلامی را به نشر ميسپاريم. در اين زمره بعضی سلسله های نيز هستند که نويسندگان محترم و مورد پسند شما در هر شماره جديد مجله تقديم شما می نمايند.

متاسفانه که سلسله »اسلام و نظريات سياسی «که تهيه و ترجمه آن مرحوم استاذ انجنير عبدالله گل ريان صاحب بدوش داشت و ما توانستيم تا سيزده قسط آنرا به صورت متواتر نشر کنيم، اما به اطلاع شما عزيزان ميرسانيم که به علت وفات و قطع شدن ياری و همسنگری استاد ريان مرحوم اين سلسله نيز قطع ميشود. اميدواريم که استاد مرحوم و نيز ما را د دعاهای نيک فراموش نکنيد. تشکر

Haqiqat

Islamic, Political, Cultural & Jihadi Bimonthly Magazine



همدلی و احسان بخش جهاد مقدس ماست!

در چند روز اخیر کمک های انسان دوستانه و خیرخواهانهٔ مجاهدین امارت اسلامی افغانستان در ماه مبارک رمضان با ملت خود در گوشه و کنار افغانستان در رسانه های خبری مجاهدین و صفحات اجتماعی بسیار خبرساز شده و تمام تبلیغات دروغین دشمنان که از مجاهدین چهره های خشن و ضد مردمی در رسانه های زرخرید خود داشتند را پوچ و برملاء ساختند؛ این عمل حسنهٔ مجاهدین ضمن آنکه یک اقدام بسیار نیک و ارزشمند در نزد الله جل جلاله است بلکه یک گام بسیار خوب در جهت نشان دادن مهر و محبت درونی مجاهدین با ملت خویش نیز بوده و باعث ایجاد قرابت فکری و عملی با مردم می شود.